



رايه

ویژه نامه سالگرد مرحوم
آیت الله محمدعلی تسخیری
سال پانزدهم • مرداد ماه ۱۴۰۰ • شماره ۱۴۵

مدیر مسئول: محمدحسین حسینی
سر دبیر: معصومه صبوری
مدیر تحریریه بین المللی: مریم رجایی
مدیر اجرایی: محمد حاتمی
دبیر ویژه نامه: زهرا نوکاتی

مدیر هنری: علیرضا عبادی
عکس و تصویر:
طاهر بابایی، حسن آقامحمدی
حسین شاهداغی

ویراستار: مهدیه موحدی فر

همکاران این شماره:

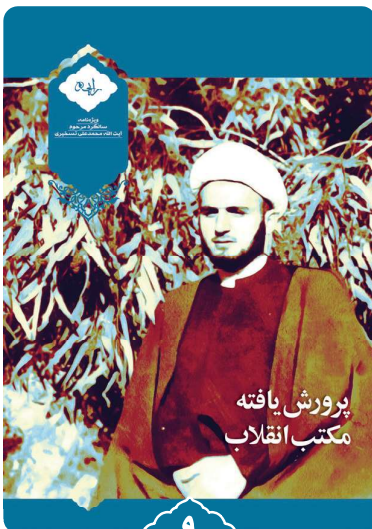
جواد پارسامهر، اشرف بصیری، مرتضی کریمی
الهام مؤذنی، فرشته صدیقی، زهره فتح الله نوری
طیبه امام قلی، محسن جدادی، عبدالرضا عالمی
محمدحسین حسینی
و با تشکر از همکاری
حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی تسخیری
مصطفی تسخیری
رایزنی فرهنگی ایران در لبنان
نمایندگی فرهنگی ایران در مصر

کوله باری از تجربه تقریبی



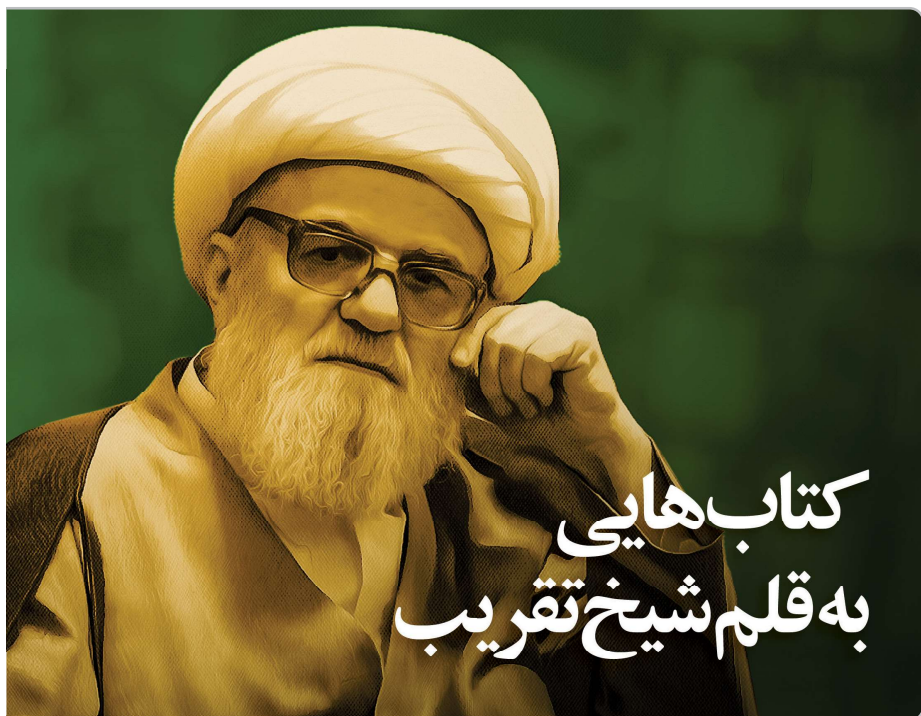
۱۹

پروش یافته، مکتب انقلاب

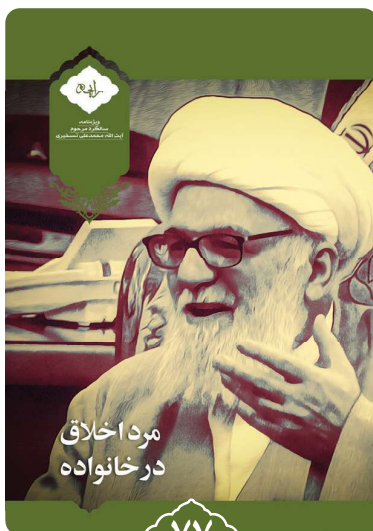


۹

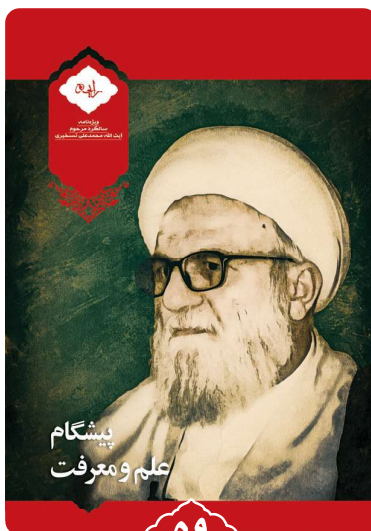
کتاب های
به قلم شیخ تقریب



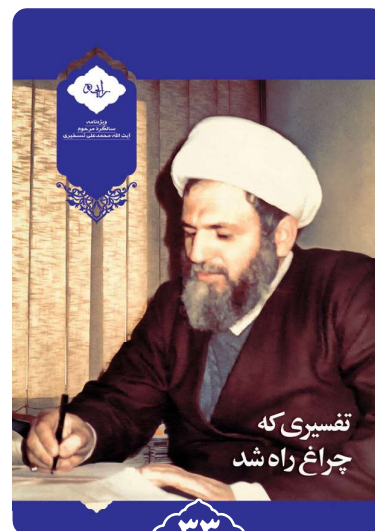
مرد اخلاق در خانواده



پیشگام علم و معرفت



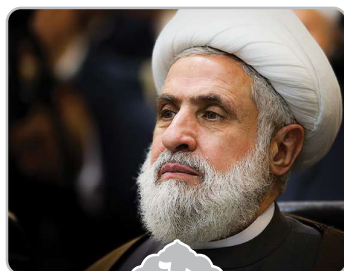
تفسیری که چراغ راه شد



المختصر المفید؛
تفسیری مفید اما جامع



سرباز ولایت و مجری
آموزه‌های اهل بیت (ع)



آشنایی با فقه مقارن؛
نقطه اتکاد در مواجهه با اهل سنت



المختصر
ناظر به نیاز هاست



زندگینامه آیت الله تسخیری

در یک نگاه

۱۳۲۳ ش.

آیت الله شیخ محمدعلی تسخیری در ۲۷ مهر ۱۳۲۳ در نجف اشرف در خانواده‌ای ایرانی دیده به جهان گشود که از جواهرده رامسر در جستجوی علوم دینی به عراق مهاجرت کرده بودند.

۱۳۴۱ ش.

در سال ۱۳۴۱ دوره دبیرستان را به پایان رساند. آن گاه وارد دانشکده فقه شد و در رشته زبان عربی و علوم اسلامی به تحصیل پرداخت. همزمان فراگیری دروس حوزوی را نیز آغاز کرد و از محضر مراجع برجسته‌ای همچون آیت الله سیدابوالقاسم خویی و آیت الله محمدباقر صدر بهره‌مند شد.

۱۳۴۴ ش.

در سال ۱۳۴۴ به حزب الدعوة عراق پیوست که در جستجوی ایده‌های حکومت دینی با موافقت آیت الله صدر تشکیل شد. تسخیری در آن زمان، شعری حماسی و ضد ستم با تکیه بر عشق به اهل بیت (ع) و امام حسین (ع) سرود که به نوحه عمومی تبدیل شد و به دستگیری و زندانی شدن او انجامید.

۱۳۶۹ ش.

در سال ۱۳۶۹ به عنوان معاون بین الملل دفتر مقام معظم رهبری مشغول به فعالیت شد و به ساماندهی ارتباطات بین المللی این دفتر همت گماشت. همچنین مجمع جهانی اهل بیت (ع) را راه اندازی کرد و خود به عنوان دبیر کل این مجمع برگزیده شد.

۱۳۵۷ ش.

در آغازین روزهای انقلاب اسلامی آیت الله تسخیری به صف مدرسین استان اصفهان پیوست و در شهرهای مختلف به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۶۰ معاون بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی شد.

۱۳۴۹ ش.

در سال ۱۳۴۹ به دلیل فعالیت‌های سیاسی بر ضد رژیم عراق، از این کشور اخراج شد و به ایران آمد. او فعالیت دینی و فرهنگی خود را در شهر قم آغاز کرد و یکی از فعالیت‌های آن زمان شیخ، تدریس در مؤسسه «راه حق» بود که از سوی علمای قم برای نشر معارف دینی تاسیس شده بود.

۱۳۷۴ ش.

در سال ۱۳۷۴ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی را تأسیس کرد تا فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور در یک سازمان اداره شود. در این زمان صدها کتاب را به زبان‌های خارجی به چاپ رساند و گردهمایی‌ها و سمینارهای مؤثر و پر رونقی را برگزار کرد.

۱۳۸۰ ش.

مرحوم تسخیری در سال ۱۳۸۰ از سوی رهبر معظم انقلاب به عنوان دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی منصوب شد و در تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۹۱ از دبیری مجمع تقریب مذاهب کناره رفت و مشاور عالی حضرت آیت الله خامنه‌ای در امور جهان اسلام شد.

۱۳۹۹ ش.

آیت الله محمدعلی تسخیری که ۲۴ مرداد ۱۳۹۹ به علت عارضه قلبی در بیمارستان فوق تخصصی خاتم الانبیاء تهران بستری شده بود، صبح روز ۲۸ مرداد ۱۳۹۹ در ۷۶ سالگی درگذشت.



سرمقاله

به یاد فقیهی امت اندیش

محققان و فعالان بین المللی در حوزه اسلام کمابیش بر موفقیت فراگیر و اثرگذار آیت الله تسخیری اتفاق نظر دارند؛ هرچند درباره دلایل موفقیت و رمز توانمندی او کمتر بحث شده است.

با مرحوم آیت الله تسخیری حشر و نشر قابل توجهی داشتیم و در سفرهای متعددی همراه او بودم و با این فقیه نیک اندیش در بسیاری از کنفرانس ها شرکت کردم. بدین ترتیب این مصاحبت و همنشینی فرصتی را برای آشنایی نزدیک با او و دقت و غور مشتاقانه در سخنرانی ها، موضع گیری ها، نگاه ها، اندیشه ها، اولویت ها، شوق و اشتیاق ها، عاطفه و رزای ها، اخلاق و رزای ها، عزم ها، جدیت ها و سختکوشی ها و به ویژه مشی و منش تعاملی و تقریبی آن مرحوم فراهم آورد.

در این مجال برخی از ابعاد شخصیتی و رفتاری او را طبق آنچه دریافتیم شرح می دهیم. سخنم را با تکیه بر این آیه شریفه آغاز می کنم: «قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ؛ بگو هر کس بر سنجیه [هیئت و ساختار] شخصیتی خود رفتار می نماید.» براساس این آیه، ابعاد رفتاری و اجتماعی یک فرد از عوامل متعددی نشئت می گیرد و برآیندی از درون انسان، ذهنیت ها و روحیات و به تعبیری شخصیت اوست. امام علی (ع) می فرماید: «إِنَّهُمْ لَفَصْحَاءُ عَقْلَاءُ أَلْبَاءُ نُبَلَاءُ؛ آنها سخنوران، عاقلان، صاحبان دل و نجیبان هستند.» اگر شخصیت تأثیرگذار آیت الله تسخیری را با نگاهی به این حدیث تحلیل کنیم، اذعان خواهیم کرد که چهار ویژگی مطرح در کلام علوی یعنی سخنوری، خردورزی، صاحب دلی و نجابت در او نمایان بود. توجه به این صفات و خصال اساسی در رویکردهای او بیانگر همان جوشش درونی و منطقی است که سبب بروز و ظهور متفاوت آن مرحوم در عرصه عمومی و به خصوص حوزه تقریب شد. آیت الله تسخیری سخنوری شایسته، خردمندی ایده پرداز و رقیق القلب و فقیهی امت اندیش بود و رفتاری صادقانه و

تعاملی فقیهانه و همراه با کیاست داشت. تجمیع این صفات همان گوهر شب چراغی است که راه را به منظور گام نهادن در مسیر خطیر بین الملل می گشاید و امکان گفت و گو، همدلی و همکاری با اهل دانش را در عرصه تقریب فراهم می آورد و گویا بین اندیشه و رفتار او رقابتی در جریان بود؛ گاه فکر عمیق بر رفتار و گاه رفتار ناب و ریشه دار او بر افکارش سبقت می گرفت.

آیت الله تسخیری فقیهی مصلح به شمار می رود و به تنهایی در عرصه بین المللی رسانهای متحرک بود و تأثیری پربسامد و طنینی فراگیر داشت، زیرا تشخیص دقیق و نکته سنجانه ای از محیط داشت. براساس این تشخیص، آنگاه که لازم بود به دقت، با شفافیت و بدون مجامله واکنش نشان می داد؛ گویی همواره میلی درونی و گسترده برای کار جدی در وجودش موج می زد و به رغم ضعف بدنی و مشکلات جسمانی، شوقی فراوان و اصیل برای خدمت کردن و گام برداشتن در مسیری داشت که به آن می اندیشید.

اگر در جلسه یا همایشی به بن بست تعصب، ابهام یا تنش بینامذهبی برمی خورد، آن را می شکست و همراه با مهارت و صداقت فضا را به سمت الفت، شفافیت و آرامش پیش می برد. او عالمی شیعی بود که مهارت فراوانی در مقارنه پردازی فقهی داشت و از این رهگذر در کنفرانس های اسلامی نقش مهمی را در ایجاد رویکردهای متقارب فقهی ایفا کرد.

چکیده سخن اینکه «حُسنِت به اتفاق ملاحظت جهان گرفت»؛ خصال نیک اخلاقی از جمله خردورزی، توانمندی در اندیشه، لطافت روح و رقت قلب از او شخصیتی ساخته بود که در رفتار و کردارش حکمت گرایی، نکته سنجی و مراعات جوانب مختلف امور به چشم می آمد.

آیت الله احمد مبلغی

عضو مجلس خبرگان رهبری

سوره

ویژه نامه
سالگرد مرحوم
آیت الله محمدعلی تسخیری

پرورش یافته
مکتب انقلاب

نگاهی به زندگی پرافتخار آیت الله تسخیری

از معجزه‌رهایی از اعدام تا درخشش در بحر علم و معرفت

زندگی مرحوم آیت الله تسخیری فراز و نشیب‌های خاص خود را داشت و او در خانواده‌ای متولد شد که پدرش آیت الله شیخ علی اکبر تسخیری تنکابنی، مردی بزرگ و پرتلاش از اهالی جواهرده رامسر بود.

تولد در جوار بارگاه علوی

آیت الله حاج شیخ محمدعلی تسخیری در نجف اشرف دیده به جهان گشود. او ۲۷ مهر ۱۳۲۳ در خانواده‌ای ایرانی، که در جستجوی علم به حلقه مجاوران بارگاه ملکوتی امام علی(ع) پیوسته بودند، به دنیا آمد. در واقع ایشان اولین فرزند خانواده‌ای بود که برای تحصیل علم و انتشار معارف عظیم دین خدا و مکتب اهل بیت(ع)، سال‌ها مارت و رنج سفر، غربت و محرومیت را بر خود هموار کرده و مجدانه طاقت آورده بودند.

پدرشان آیت الله شیخ علی اکبر تسخیری تنکابنی جوان مقید و پرتلاشی از اهالی جواهرده رامسر بود که در خانواده‌ای کشاورز زندگی می‌کرد و در اثر

ارتباط با مراکز دینی منطقه و حضور در مجالس مذهبی و علاقهای که در او ایجاد شده بود به فکر گام نهادن در مسیر تحصیل علم افتاد. او متأثر از حوزه‌های دینی رامسر و قزوین بود و بعدها به قم رفت و با وجود همه سختی‌ها و مشکلات معیشتی و نیز فشار حکومت مستبد رضاخانی بر مراکز دینی و تبلیغی، شب و روز به آموختن و اندوختن علم و تبلیغ آن پرداخت. سرانجام به قصد تکمیل تحصیلات و رها شدن از فشارهای ناشی از سیاست‌های ضد مذهبی استبداد حاکم به همراه چند تن از دوستان و طلبه‌های هم‌سن و سال خود عازم نجف شد و با وجود همه سختی‌های زندگی در آنجا آرام گرفت و در محضر اساتید برجسته آن روزگار نجف حضور یافت.

اساتید آیت الله تسخیری

آیت الله محمدباقر صدر

سید محمدباقر صدر (زاده ۱۳۵۳/ق/ ۱۳۱۳ش و درگذشته ۱۴۰۰/ق/ ۱۳۵۹ش) متفکر شیعه ساکن عراق بود که علوم دینی را نزد آیت الله خویی و برخی علمای نجف آموخت. او تحصیلاتش را پیش از ۲۰ سالگی به اتمام رساند و در حوزه علمیه نجف به تدریس علوم دینی پرداخت. سید محمدباقر صدر در دانش‌هایی چون اصول، فقه، فلسفه سیاست و معرفت‌شناسی نظریه‌های جدیدی را ارائه داد. او کتاب‌های فراوانی نیز نوشت که «فلسفتنا»، «اقتصادنا»، «دروس فی علم الاصول» (مشهور به حلفات) و «الاسس المنطقیه للاستقراء» از مهم‌ترین آنهاست.

دوره کودکی

سال‌های کودکی محمدعلی به فراگیری تعلیمات ابتدایی نزد مادر و بانویی متدین و نیز کمک به مادر در امور منزل گذشت و پس از طی مراحل اولیه آموزش به استادی به نام آقای علائی سپرده شد تا به وی قرآن و دروس دبستان را بیاموزد. بدین ترتیب تحصیلات ابتدایی و آموزش قرآن در مکتب‌خانه آقای علائی به سرانجام رسید و محمدعلی جوان به منظور کمک به معیشت خانواده، چند سالی را به کار در یک پارچه‌فروشی واقع در بازار مشغول شد و همزمان با زحمت و علاقه و اصرار زیاد تحصیلات دبیرستان را ادامه داد و از دبیرستان «المندی النشر» دیپلم گرفت و آماده تحصیلات عالی شد.

تحصیلات دانشگاهی و حوزوی

او در دانشکده فقه نجف ادامه تحصیل داد و منطق مظفر، الفیه ابن مالک، لمعه و سایر دروس را نزد اساتید آنجا، که غالباً از علمای معروف بودند، به خوبی فراگرفت و همزمان مکاسب، اصول فقه، کفایه، رسائل و لمعه را در محضر اساتید بارزی چون سید محمد تقی حکیم مؤلف اصول فقه مقارن، مرحوم خاتم یزدی، آیت الله سید محمد رجائی، مرحوم شیخ کاظم تبریزی و شیخ مجتبی لنگرانی آموخت.

او در سال‌های آخر تحصیل در دانشکده فقه در کلاس درس خارج مراجع برجسته‌ای چون آیت الله خویی و آیت الله محمدباقر صدر حضور یافت و روح انقلابی او در محضر آیت الله صدر جلوه گر شد و روز به روز اوج بیشتری گرفت.

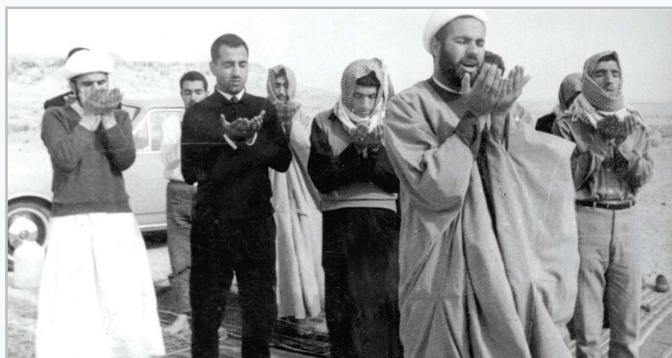
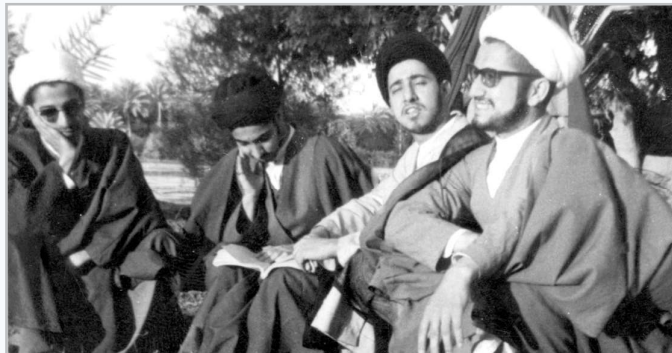


شیخ
محمدعلی
در سال‌های
آخر تحصیل
در دانشکده
فقه در کلاس
درس خارج
مراجع
برجسته‌ای
چون آیت الله
خویی و
آیت الله
محمدباقر
صدر حضور
یافت و روح
انقلابی او
در محضر
آیت الله صدر
جلوه گر شد

آیت الله خویی

سید ابوالقاسم موسوی خویی (۱۲۷۸-۱۳۷۱ش) از مراجع تقلید شیعه و نویسنده مجموعه ۲۳ جلدی «معجم رجال الحديث» و «صاحب اثر البیان فی تفسیر القرآن» است. میرزای نائینی و محقق اصفهانی دو تن از برجسته‌ترین استادان او در فقه و اصول فقه بودند. خویی در طول هفتاد سال تدریس یک دوره کامل درس خارج فقه و شش دوره درس خارج اصول فقه را تدریس کرد و به تدریس تفسیر قرآن پرداخت. او در جریان انتفاضه شعبانیه شیعیان عراق در پی فشار حکومت صدام تا پایان عمر در حصر خانگی به سر برد.

آیت الله تسخیری در نجف اشرف



آغاز مبارزات سیاسی

سال‌های پایانی تحصیلات در دانشکده فقه نجف و حضور بیشتر ایشان در جلسات دروس خارج فقه و اصول مراجع بزرگ با تحولات مهم سیاسی در عراق مقارن بود. شدت عمل و رفتار خصمانه عناصر سرسپرده حزب بعث با بیوت علما و مراجع عظام، مبارزه سازمان‌یافته آنها با اعتقادات مذهبی و مراسم و آداب دینی و سعی در محو کردن زمینه‌های

تربیت اسلامی موجب پدید آمدن شرایطی در سراسر عراق، به ویژه نجف و کربلا، شده بود که امکان حضور در هر جنبش و اعتراض یا حتی بروز رفتار سیاسی متعارف رانه تنها از جانب شیعیان عراق، بلکه تمامی مردم معتقد و متدین این کشور سلب می‌کرد. با روی کار آمدن تکریتی‌های حزب بعث و برقراری خفقان مجدد بر جامعه عراق، فعالیت‌های حزب الدعوه و موجودیت آن

در خطر قرار گرفت و با اقداماتش به نهضتی غیرعلنی تبدیل شد. در یکی از روزهای محرم همان سال‌ها آیت الله تسخیری شعری حماسی سرود که آن را با تکیه بر عشق پیروان مکتب اهل بیت (ع) به سرور آزادگان، حسین بن علی (ع)، سروده بود و به دلیل قالب ساده و مردمی شعر و مضامین ضد ستم به سرعت در میان دسته‌های عزاداری حسینی به نوحه عمومی تبدیل و یک‌روزه در نجف فراگیر شد.

رژیم سرکوبگر بعث با خشونت، تمام سران الدعوه و نوحه‌خوان‌ها و سپس تسخیری را بازداشت و روانه زندان‌های مخوف کرد. تسخیری مدت‌ها در زندان به سر برد، سرانجام او را به زندانی به نام قصر النهایه انتقال دادند تا به جوخه اعدام سپرده شود. روزهای بعد به طور معجزه‌آسایی خبر نجات شیخ محمد علی جوان از قصر النهایه و بازگشت او به خانه در محل پیچید. خود شیخ در این باره می‌گوید: «قصر النهایه در واقع زندان آخر بازداشتی‌های رژیم بعث بود و کسی که به آنجا انتقال می‌یافت دیگر ارتباطش با دنیا قطع می‌شد و به نوبت و حسب مورد به قتل می‌رسید. پدر ما شیخ علی اکبر با توجه به ارادتی که به امام راحل داشتند، می‌روند خدمت ایشان و درخواست دخالت می‌کنند. حضرت امام می‌فرمایند که می‌دانید من کسی نیستم که از اینان چیزی بخواهم ولی فردا استاندار کربلا به خانه ما می‌آید. شما بیا و درخواست آزادی پسر را مطرح کن. مرحوم پدرم همین کار را می‌کند. حضرت امام با عتاب با استاندار برخورد می‌کند. او می‌گوید که چشم و همین امر سبب می‌شود که روز بعد مرا آزاد کنند.»



رژیم
سرکوبگر
بعث با
خشونت
تمام سران
الدعوه و
نوحه‌خوان‌ها
و سپس
تسخیری
را بازداشت
و روانه
زندان‌های
مخوف کرد

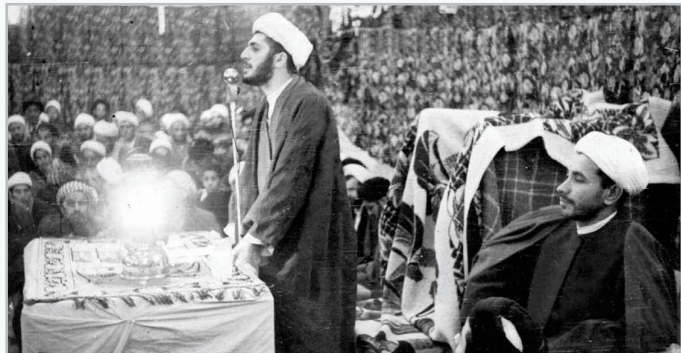
آیت الله سید محمد تقی حکیم

سید محمد تقی حکیم (۱۳۰۱-۱۳۸۱ ش) از خاندان حکیم و از استادان حوزه علمیه نجف بود. وی بعد از شیخ محمد رضا مظفر، ریاست دانشکده فقه نجف را عهده‌دار شد. الاصول العامه للفقهاء المقارن معروف‌ترین اثر اوست. او که در توسعه این دانشکده سهم مهمی داشت از استادان دانشگاه بغداد برای تدریس تاریخ، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در دانشکده فقه دعوت کرد و خود نیز از ۱۳۴۳ به تدریس اصول فقه مقارن در این دانشگاه پرداخت و همزمان مقالات زیادی را در نشریاتی چون نجف و الایمان به چاپ رساند.

شهید مطهری

مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸ ش)، مشهور به شهید مطهری یا استاد مطهری، متفکر و نویسنده شیعه در قرن چهاردهم و از شاگردان علامه طباطبایی و امام خمینی (ره) بود. او در سال ۱۳۱۶ به قم رفت و حدود ۱۵ سال در آنجا اقامت کرد و از کلاس درس اساتید آنجا همچون آیت الله بروجردی، امام خمینی و علامه طباطبایی بهره برد. پس از آن، به دلایل معیشتی به تهران مهاجرت کرد. مطهری از رهبران فکری انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌رود. وی ریاست شورای انقلاب را تا زمان شهادتش بر عهده داشت.

سخنرانی آیت الله تسخیری در جوانی



فعالیت های آیت الله تسخیری بعد از انقلاب

در آغازین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی آیت الله تسخیری که تجربه و سابقه کار سیاسی و فرهنگی با معلمان مدارس و بسیج و آموزش آنان را داشت و نیز با مقتضیات جامعه آشنا بود به صف فرهنگیان استان اصفهان پیوست و در شهرهای مختلف به برگزاری کلاس های آموزشی و توجیهی و تعلیم و تدریس پرداخت. این فعالیت ها چنان ثمربخش بود که گروه های ضد انقلاب وی را، که در همان اردوهای آموزشی در کنار معلمان زندگی می کرد، بارها هدف حملات و آماج گلوله قرار دادند که خوشبختانه به ایشان آسیبی نرسید.

آغاز فعالیت های بین المللی

پس از این سال های پرتب و تاب، با توجه به آشنایی وی با محافل دینی خارج از کشور، در سال ۱۳۶۰ به عنوان معاون بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی مشغول به کار شد و ۱۰ سال به نشر معارف دینی و اندیشه های

قم مأمن و مأوی علمای بازگشته از عراق خانواده ایشان در طول سال اول اقامت در قم یازده بار منزل خود را تغییر دادند. آیت الله تسخیری سرانجام پس از یک سال و با کمک دوستانشان، که با نجف نیز مراوده داشتند، منزل کوچکی را اجاره کردند و سپس به جمع فعالان حوزه در عرصه های تحصیلی و تبلیغی پیوستند. یکی از فعالیت های آن زمان شیخ، تدریس در مؤسسه «در راه حق» بود که سال ها پیش از سوی جمعی از علمای قم به منظور نشر معارف دینی برای توده مردم، به ویژه جوانان، تأسیس شده بود و احکام، اخلاق اسلامی، تاریخ و موضوعات روز را از دیدگاه اسلام به زبانی ساده و در جزوه هایی کوچک نشر می داد.

آیت الله تسخیری به تدریس طلاب خارجی در حوزه علمیه قم از جمله بسیاری از طلاب تایلندی که همایند در کشورشان به تبلیغ و فعالیت مشغول اند، نیز همت گماشت، زیرا علاوه بر تسلط به زبان عربی، با زبان انگلیسی هم آشنا بود.

طی سال های سکونت در نجف آقای تسخیری سفرهای تبلیغی بسیاری به کویت کرد، زیرا شیعیان در آنجا زندگی می کردند. این سفرها و فعالیت ها، که زیر نظر مراجع بزرگ شیعه در نجف انجام می گرفت، عاملی بود تا مجدداً عمال حکومت بعثی برای وی پرونده تشکیل دهند و رفت و آمدها و سخنان و اقداماتش را زیر نظر بگیرند.

اخراج از عراق

در سال ۱۹۷۲ و در گرماگرم اختلاف میان عراق و ایران، دولت بعثی به منظور اعمال فشار به ایران و حوزه های علمیه عراق تصمیم گرفت که یکباره گروه عظیمی از ساکنان و مجاوران ایرانی و ایرانی تبار مقیم آن کشور را در آب و هوای سرد زمستانی اخراج و در کنار مرزهای ایران رها کند. خانواده مرحوم تسخیری در جریان انتقال اجباری مشکل بزرگی داشتند و آن پنهان کردن شیخ محمد علی بود، زیرا مجدداً از سوی حزب بعث به اعدام محکوم شده بود و دنبال او بودند و خانواده اش نیز وی را در مسیر پرمشقت نجف تا مرز ایران در لابه لای اناثیه پنهان کرده بودند.

استاد آیت الله تسخیری

آیت الله وحید خراسانی

حسین وحید خراسانی متولد ۱۳۰۰ شمسی در نیشابور از مراجع تقلید ساکن قم است. او از شاگردان سید ابوالقاسم خویی و از استادان فقه و اصول حوزه علمیه قم است. وحید خراسانی تحصیلات حوزوی اش را در نیشابور، مشهد و نجف گذراند، او از مخالفان تحصیل فلسفه از سوی طلاب است و قرآن و روایات را در بردارنده همه معارف مورد نیاز انسان می داند. تعطیلی روز شهادت حضرت فاطمه (س) پیشنهاد وی بوده که در سال ۱۳۷۹ شمسی، در دیدار با سید محمد خاتمی، رئیس جمهور وقت کشورمان به وی ارائه و در مجلس تصویب شد.

علامه محمد رضا مظفر

محمد رضا مظفر (۱۳۲۲-۱۳۸۳ ق) مشهور به علامه مظفر و عالم و نویسنده شیعه قرن چهاردهم قمری بود. او تحصیلاتش را در حوزه علمیه نجف آغاز کرد و از درس محمد حسین نائینی، آقا ضیاء عراقی و قاضی طباطبایی بهره برد و خود نیز شاگردان بسیاری را تربیت کرد. مظفر دست به تأسیس مراکز علمی و فرهنگی متعددی زد و در تقریب مذاهب گام برداشت. تألیفات او به شیوه های نو و ساده نگارش شده و برخی کتاب هایش مثل «اصول فقه» و «المنطق» از منابع درسی حوزه های علمیه است.

▼ آیت الله تسخیری در کنفرانس اندیشه اسلامی: سال ۱۳۶۲ ه. ش



اسلام انقلابی در میان مسلمانان سایر کشورها پرداخت. همچنین، بسیاری از موضوعات دینی و آثار حوزوی را با کمک دوستان و همکاران به زبان‌های مختلف ترجمه و به مراکز دینی سراسر دنیا ارسال کرد.

در سال ۱۳۶۹ به عنوان معاون بین‌الملل دفتر مقام معظم رهبری به ساماندهی ارتباطات بین‌المللی این دفتر همت گماشت؛ دفتری که نقطه امید و رجوع همه آرزومندان بسط و تحکیم اندیشه دینی در دنیای اسلام بود. موضوع تعامل فرهنگی نظام نوپای جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر از همان روزهای اول پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه و علاقه مسئولان و مراکز دینی، اجتماعی و اداری بود. تسخیری با احساس مسئولیت در این باره به منظور تلفیق و هم‌جهت کردن فعالیت‌های فرهنگی در خارج از کشور به فعالیت پرداخت و سرانجام به فرمان مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۳ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی را تأسیس کرد. سپس این سازمان به صورت

یکی از مؤسسات مهم فرهنگی و تبلیغی جهان اسلام پا به عرصه گذاشت و در طول هفت سال مدیریت ایشان به پیشرفت‌های فوق‌العاده‌ای در امور تخصصی، تدوین استراتژی فرهنگی نظام در خارج و سازماندهی و برنامه‌ریزی دست‌یافت.

شاید هیچ مسئولیتی چون مدیریت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی منطبق بر توانایی‌ها و دیدگاه‌های ایشان نبود. این مهم در سال ۱۳۷۹ به تشخیص و فرمان رهبر انقلاب صورت گرفت و آیت‌الله تسخیری به این سمت به عنوان محوری‌ترین مسئولیتش منصوب شد؛ وظیفه‌ای که اینک معرف بخشی از صفات و شخصیت اوست.

گوهر گر انقدر دنیای تقریب و وحدت

تسخیری در این جرگه شخصیتی بی‌بدیل و بی‌نظیر بود و انتخاب او حکایت از هوشمندی خارق‌العاده و تیزبینی و جهان‌شناسی رهبر نظام اسلامی دارد. تسخیری از روزگار جوانی

آیت‌الله
تسخیری از
روزگار جوانی
همواره
دغدغه
ایجاد وحدت
در صفوف
مؤمنان و
مبارزان را
داشت؛ از
زمانی که
در بصره،
کویت و لبنان
با افراد و
مؤسسات و
مراکز مختلف
دینی سروکار
داشت تا
روزهایی که
برای شرکت
در سمینارها
به مراکش،
لیبی و
شمال آفریقا
عزیمت
می‌کرد

همواره دغدغه ایجاد وحدت در صفوف مؤمنان و مبارزان را در خاطر داشت؛ از زمانی که در بصره، کویت و لبنان با افراد و مؤسسات و مراکز مختلف دینی سروکار داشت تا روزهایی که برای شرکت در سمینارها به مراکش، لیبی و شمال آفریقا عزیمت می‌کرد و سال‌های بعد که تقریباً به همه کشورهای اسلامی سفر کرد و با علمای بلاد مختلف هم‌نشین شد. او با سعه صدر و خوش‌رویی با همگان در این مورد سخن می‌گفت و آوای توحید و مشترکات پرشمار دینی را در گوش اهل ایمان زمزمه می‌کرد.

آیت‌الله تسخیری مظلومانه دوازده سال از عمر خود را در این راه پرمشقت سپری کرد و فعالیت‌های ارزشمندی را انجام داد که موارد زیر از جمله آنهاست: برپایی ده‌ها اجلاس بین‌المللی با حضور اندیشمندان و علمای مذاهب در داخل و خارج از کشور؛ شرکت در حدود پانصد اجلاس، کنفرانس و سمینار بین‌المللی در موضوعات تقریبی، تبلیغی، فقهی، اجتماعی و سیاسی؛ ارائه بیش از پانصد مقاله به این گردهمایی‌ها؛ حضور در مجامع علمی و فقهی جهان اسلام در جده عربستان، قطر، لیبی، اندونزی، اردن، مصر و کشورهای اروپایی؛ شرکت در ده‌ها اجلاس گفت‌وگوی ادیان با کلیساهای گوناگون کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس؛ حضور در اجلاس‌های فرهنگی دینی سازمان ملل متحد، یونسکو و آیسکو و حدود بیست سال پیایی در اجلاس حج و تقریب در مکه معظمه. در واقع انجام این امور از مردی برمی‌آمد که عشق به فقه اهل بیت (ع) و قرآن و عترت با روح او عجین شده و با خون او درآمیخته بود.

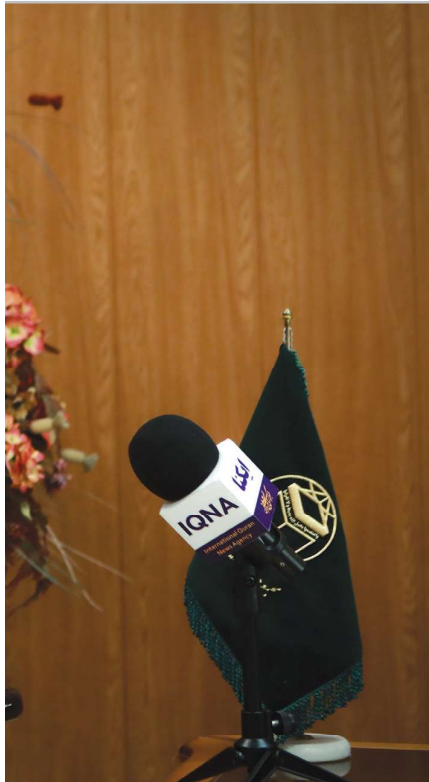
آیت‌الله سیدعباس خاتم یزدی

مرحوم آیت‌الله سیدعباس خاتم یزدی در سال ۱۳۰۹ شمسی در یزد متولد شد. پدرش مرحوم سید یحیی از وعاظ سرشناس و اهل احمدآباد یزد بود. در سال ۱۳۲۵ شمسی وارد حوزه علمیه شد و در مدرسه شفیعیه یزد به تحصیل پرداخت. پس از بیماری برای استشفاء به عتبات عالیات رفت و با عنایت ائمه اطهار (ع) شفا گرفت. در نجف، در مدرسه یزرگ آخوند ساکن شد و در درس خارج علمای نجف شرکت کرد و با بازگشت به ایران به فعالیت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی پرداخت.

شیخ کاظم تبریزی

شیخ کاظم قاروبی معروف به کاظم تبریزی در سال ۱۳۰۰ شمسی در تبریز متولد شد. تحصیلاتش را تا کلاس نهم و هم‌زمان دروس حوزوی را در تبریز فراگرفت، برای ادامه تحصیل در اروپا بورسیه گرفت؛ اما تحصیل در علوم اسلامی را ترجیح داد. در سال ۱۳۲۱ شمسی همراه علامه جعفری عازم نجف شد و در ۱۳۵۰ شمسی به ایران بازگشت.

سال‌های آخر عمر به سکنه قلبی و مغزی و بیماری ریوی مبتلا شد، در ۱۳۷۴ شمسی دعوت حق را لبیک گفت و در قبرستان «ابوحسین» قم آرام گرفت.



ثمر رساندند. مجله رساله الاسلام و تدریس فقه امامی (شیعی) در الازهر از ثمرات ایجاد دارالتقرب بود. از سال ۱۹۴۰ تا اوایل ۱۹۷۰ بادر گذشت بزرگان الازهر و عالمان شیعه در نجف و قم فعالیت این دارالتقرب خاموش شد و پس از انقلاب اسلامی ایران و پایان جنگ تحمیلی، مقام معظم رهبری اقدام به احیای دارالتقرب مذاهب اسلامی کردند. البته به جای دارالتقرب، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی را تأسیس کردند که همان اهداف دارالتقرب قاهره را ادامه داد. ما سعی کردیم پیش از ایجاد مجمع، دارالتقرب قاهره را احیا کنیم، اما موفق نشدیم.

آیا در حال حاضر گشایش دارالتقرب ضروری است؟

بله، نیاز به داشتن دارالتقرب، که با هدف تقریب مذاهب فعالیت کند، احساس می شود، زیرا تقریب مذاهب بیشتر جنبه علمی و فکری دارد و تفاوت میان تقریب و وحدت در همین جنبه است. وحدت اسلامی می تواند بین همه پیروان مذاهب اسلامی و همه مسلمانان ایجاد شود، اما تقریب بیشتر بُعد

“
الازهر از همان ابتدا با هدف و انگیزه تقریب ایجاد شد و هنگامی که فاطمیون بر مصر حاکم بودند این مرکز را تأسیس کردند و در آن هر پنج مذهب اسلامی (شیعه، شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی) تدریس می شد. تقریباً تا سال ۱۹۴۰ الازهر پرچم تقریب را در دست داشت و اقدامات موفقی نیز در طول این سال ها انجام شد؛ از جمله علمای الازهر با همکاری علمای قم، دارالتقرب بین مذاهب را به وجود آوردند و فعالیت های تقریبی خوبی را به

دغدغه های آیت الله تسخیری در گفت و گویی که ماندگار شد

اختلاف وجود دارد اما باید به وحدت برسیم

آیت الله تسخیری در کارنامه خود فعالیت های بسیاری را با هدف تقریب مذاهب اسلامی به ثبت رسانده است و از طریق تعامل با اهل تسنن و علما و فرهیختگان مذاهب مختلف در راستای وحدت امت اسلامی گام برداشته است؛ به گونه ای که می توان از او به عنوان یکی از پیشگامان وحدت و اتحاد مسلمانان در جهان اسلام یاد کرد.

برای آشنایی بیشتر با وی، به مناسبت هفته وحدت آبان ماه ۹۸ در یک روز پاییزی در دفترش واقع در مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی میهمانش شدیم و با این اندیشمند، مفسر، نویسنده و پژوهشگر برجسته کشورمان درباره فعالیت هایش در خارج از کشور، نقش الازهر در تقریب مذاهب اسلامی و موانع پیش روی اتحاد مسلمانان گفت و گو کردیم.

اگر ما بلید ابتدا از خودتان بگویید تا مخاطبان بیشتر با جنابعالی آشنا شوند.

طلبگی را در نجف آغاز کردم و ضمن تحصیل دروس مقدماتی، برای درس خارج فقه از شاگردان آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی بودم. البته بیشتر شاگرد آیت الله العظمی سید محمد باقر صدر بودم و در نجف دروس حوزوی و دانشگاهی را نزد اساتید گوناگون فراگرفتم. در نجف در کنار تحصیلات علمی، فعالیت های سیاسی نیز داشتم و با تشکلات اسلامی همکاری می کردم و به دلیل همین فعالیت ها به زندان صدام افتادم و شکنجه روحی و جسمی شدم. البته مرحوم امام خمینی (ره) سبب شد که از اعدام نجات یابم. به جرم فعالیت سیاسی، ۴۰ روز علیه بعضی هادراتاق شکنجه بودم و از این زندان به آن زندان منتقل و سرانجام آزاد شدم. سپس در سال ۱۳۵۱ از نجف به ایران تبعید شدم و در اینجا ادامه تحصیل دادم.

تاکنون به چه کشورهایی سفر کرده اید؟
به ده ها کشور خارجی سفر و شاید در صدها کنفرانس بین المللی و سمینار نیز شرکت و سخنرانی کرده ام. گاهی خودمان متولی این اجلاس ها بوده ایم و گاه

▼ دفتر آیت الله تسخیری در مصاحبه با یکتا



علمی دارد و فعالیتش فکری است و نمی توانیم با یک وزن و قالب همه مسلمانان را به وحدت فکری برسانیم. مسلمانان در درک و استنباط با یکدیگر متفاوتند و به طور طبیعی اختلاف در میان مسلمانان وجود دارد، اما باید به وحدت رسید. البته نه تنها مسلمانان بلکه مسیحیان، که ۳۰۰ مذهب و کلیسا دارند و هر کلیسا یک مذهب دارد، نیز باید برای تقارن فکری و وحدت تلاش کنند.

مهم ترین مانع وحدت مسلمانان در عصر حاضر چیست؟

سخن در این باره بسیار است، اما به طور کلی تعصب بزرگ ترین مانع تقریب مذاهب است، تعصب تعدادی از علما یا منتسبین به علم و این خصیصه برخی را وادار می کند که عده ای دیگر را به تکفیر و تفسیق (فاسق خواندن) و تبذیع (بدعت گذاری) متهم کنند. یکی دیگر از موانع تقریب، جهل است، جهل بعضی از مسلمانان به حقیقت مذاهب یکدیگر، در حالی که اگر گرد هم آیند و به تفاهم برسند، شاید مشترکاتشان ۹۰ درصد باشد، اما این جهل اثر خود را گذاشته و هر کدام دیگری را متهم

می کند و همین امر مانع وحدت شده است. از دیگر موانع وحدت، منافع شخصی حکومت های مسلط بر جهان اسلام است. آنان می گویند که وحدت مسلمانان ضد منافع شخصی شان است. علاوه بر این اهداف استکبار جهانی و دشمنان اسلام با مسئله تقریب و وحدت منافات دارد و آنان می کوشند که مانع تقریب شوند و تفاهم میان مسلمانان برقرار نشود و تفرقه های مذهبی، سیاسی و جغرافیایی به وجود آید و اهداف استعماری را محقق کند. به نظر من اگر متحد نشویم، نمی توانیم دو مطالبه را محقق کنیم که شامل ایستادگی در برابر طرح های استعماری و چالش های کشورهای دشمن اسلام و تحقق اهداف بزرگ قرآنی و اسلامی است و تا وقتی نتوانیم به اهداف قرآنی، که یکی از آن ها وحدت امت است، جامه عمل بپوشانیم، نمی توانیم ادعا کنیم که احکام قرآن را کامل اجرا کرده ایم.

جناب عالی کتاب ها و مقالات بسیاری نگاشته اید و در چندین اثر به رابطه اسلام و غرب و مسائل از این قبیل پرداخته اید. در این آثار چه اهدافی را دنبال کرده اید؟

هدف من از شرکت در اجلاس و نوشتن کتاب و مقاله، توضیح دیدگاه های اسلام و حقیقت اسلام به ویژه برای آن هایی است که به حقیقت اسلام نرسیده اند. من در همه این کتاب ها تلاش کرده ام که دید انسانی اسلام را توضیح دهم. اگر ما دید انسانی اسلام را شرح دهیم، می توانیم همه دل ها را به این دین جذب کنیم و بگوییم که اسلام دینی جهانی، انسانی و کامل است. همه اهداف من و کتاب هایم در این مسیر قرار گرفته و الحمد لله نتایج خوبی را در پی داشته است.

حضرتعالی آثار قرآنی هم دارید؟

بله، تفسیر قرآنی مختصری را به دستور استاد بزرگوارم، مرحوم شهید سید محمد باقر صدر، به طور مشترک با محمد سعید نعمانی به زبان عربی نوشته ام و سعی ما این بوده است که خلاصه گفته های قرآن را به مخاطب انتقال دهیم و اینکه اهداف و باب انسانی این گفته چه بوده است. تفسیر «المختصر المفید فی تفسیر القرآن المجید» در ایران و لبنان به چاپ رسیده و قرار است به فارسی و دیگر زبان ها نیز چاپ شود.

تا وقتی
نتوانیم
به اهداف
قرآنی، که
یکی از آن ها
وحدت
امت است،
جامه عمل
بپوشانیم،
نمی توانیم
ادعا کنیم که
احکام قرآن
را کامل اجرا
کرده ایم

برشی از کتاب «سرو نستوه»

آیت الله و رسانه

یکی از عرصه های مورد توجه مرحوم علامه تسخیری هم برای فعالیت گسترده و هم برای ابراز نظر، نقد و اصلاح گری و ایجاد تحول، رسانه بود، زیرا انواع تولیدات تصویری و شنیداری را داراست و او در همه آنها حضوری جدی داشت و به دلیل تسلط به عربی و آشنایی به انگلیسی، مصاحبه های متعددی با رسانه ها انجام داد و این امر سبب شد که گاه به عنوان نماینده اسلام و مکتب اهل بیت (ع) در برابر موجی از پرسشها و شبهات رسانه ها قرار بگیرد و گاه به عنوان نماینده جمهوری اسلامی به جدی ترین مباحث سیاسی کشور پاسخ دهد و با دقت و ظرافت از مبانی فکری نظام دفاع کند.

پاسخ های آیت الله تسخیری به پرسش های رسانه ها آنقدر عالمانه و هوشمندانه بود که بی شک مطالعه مصاحبه هایش درسی عملی برای چهره های مذهبی و سیاسی به منظور حضور در عرصه های دینی و بین المللی است. به نظر او، رسانه نوعی جنگ نرم است و توانمندی آن کمتر از سخت افزار نیست و سلاح قدرتمندی است که باید آن را به کار بگیریم و در فضای مجازی، مطبوعات و صدا و سیما حضور یابیم. البته مهم تر از داشتن رسانه، قدرت مدیریت آن است و امروزه آنهایی که رسانه های قدرتمند را در اختیار دارند و نیز از قدرت مدیریت بهره مندند، فضای عمومی جهان را به سمتی که می خواهند سوق می دهند. اگر رسانه ها، همچنان که قرآن می خواهد، حقیقت را بگویند و خدا را در نظر بگیرند و برای تحقق اوامر الهی کوشش کنند، به تحولی بزرگ در جامعه دست می یابیم.

مرور مصاحبه های آیت الله تسخیری نشان می دهد که او به دلیل شرکت در کنفرانس های مختلف خارجی، بیش از پیش در معرض

پرسش های مغرضانه بود، برای نمونه خبرنگار هفته نامه «الوسط» چاپ لندن در گفت و گو با او به افزایش قیمت ها در ایران اشاره و به طور غیرمستقیم تلاش می کند که اوضاع ایران را بحرانی نشان دهد و حتی واژه «بحران» را در سؤال خود به کار می برد. مرحوم تسخیری با هوشمندی می گوید: «کشور در حالت بحرانی قرار ندارد.» همین خبرنگار در ادامه درصدد است که اختلاف بین رهبر دینی و مسئولان سیاسی را در ایران مطرح و قبل از پاسخ آن را عینی تلقی کند، اما آیت الله تسخیری می گوید: «مرجعیت دینی و سیاسی در ایران یکی است و این را هر کسی در ایران درک می کند. امام خامنه ای، مرجع دینی و سیاسی کشور است و اگر اختلاف نظر بین گروه ها و جناح ها وجود دارد، اختلاف سلیقه در چارچوب ولایت فقیه است.»

شجاعت

اگر به عنوان چهره ای میانه رو در جهان اسلام برای برقراری رابطه ای صمیمانه با علمای جهان

اسلام خون دلها خورده و سفرها و رایزنی های بسیاری را متحمل شده باشی و همه تو را به نرم خویی و تسامح بشناسند، آنگاه شجاعت می خواهد که برای دفاع از اصول، در برابر یکی از دوستانت بایستی و صریحاً از مواضعش انتقاد کنی، اتفاقی که در مواجهه آیت الله تسخیری با برخی مواضع شیخ یوسف قرضاوی روی داد و با شجاعت این مورد را در رسانه ها مطرح کرد. برای نمونه هنگامی که قرضاوی متهم کردن شیعه به تحریف قرآن و بدعتگر بودن را مطرح کرد، آیت الله تسخیری در مصاحبه با خبرگزاری ایکنا بیان کرد: آقای قرضاوی تحت تأثیر اخبار دروغینی قرار گرفته است که برخی عناصر تندرو به گوشش می رسانند. این گروه های تندرو نمی خواهند که امت اسلامی به وحدت و یکپارچگی برسد. اگر اهل سنت طبق گفته های قرضاوی، شیعه را به سبب اعتقاد به وصیت پیامبر درباره جانشینی حضرت امام علی (ع) بدعتگر بخواند، این امکان برای شیعه نیز فراهم است که اهل سنت را به دلیل عمل نکردن به این وصیت، بدعتگر بدانند. در این صورت دامنه اختلافات گسترده و فتنه ها افزایش خواهد یافت، در حالی که ما از این موضع گیری ها و اتهامات بی نیازیم.

صبر

تنها ویژگی ای که می تواند به یک اندیشمند کمک کند تا در برابر انبوه خبرنگاران و نمایندگان رسانه ها با حوصله به پرسش هایشان پاسخ دهد «صبر» است، برای نمونه می توان به مصاحبه روزنامه «الرای العام» با آیت الله تسخیری اشاره کرد.

خبرنگار این روزنامه از متهم کردن شیعه به عامل اختلاف در جهان اسلام، ضدیت اکثر مردم ایران با ارزش های انقلاب، وجود شبهات انحرافی درباره ولایت فقیه، برجسته کردن اختلافات بین مسئولان ایرانی، متشنج نشان دادن اوضاع سیاسی ایران، بیان مباحث جنجالی درباره نام خلیج فارس، طرح موضوع جزایر سه گانه ایران به عنوان عامل بحران در روابط ایران و اعراب و متناقض نشان دادن سیاست های جمهوری اسلامی در قبال آمریکا دریغ نکرد، اما در برابر تمام این پرسش های غرض آلود، رفتار آرام و پاسخ های منطقی و

به نظر آیت الله

تسخیری،
رسانه نوعی
جنگ نرم
است و
توانمندی
آن کمتر از
سخت افزار
نیست
و سلاح
قدرتمندی
است که
باید آن را به
کار بگیریم
و در فضای
مجازی،
مطبوعات و
صدا و سیما
حضور یابیم

▼ تیم خبری ایکنادر دفتر آیت الله تسخیری



حکیمانه آیت الله تسخیری را مشاهده می کنیم.

صراحت

آیت الله تسخیری ضمن پرهیز از ادبیات تند و تنش زا در گفت و گو با رسانه ها، در بیان مطالب صراحت به خرج می داد. برای نمونه خبرنگار روزنامه «العرب الیوم» چاپ لندن با توجه به دیدگاه های اعتدالی آیت الله تسخیری، تصور می کند که می تواند شاهد

عقب نشینی در اصول فکری اسلام و انقلاب از سوی او باشد؛ لذا می پرسد: «آیا می توانیم بگوییم که جمهوری اسلامی ایران از صدور انقلاب دست کشیده است؟» و در پاسخ با این تعبیر صریح مواجه می شود: «لا ابدا؛ نه هرگز». آیت الله تسخیری ادامه می دهد: «منظور امام از صدور انقلاب این بود که باید اندیشه و منظورمان از اسلام و انقلاب اسلامی را در جهان نشر دهیم.»

تنش زدایی

در شرایطی که رسانه های استکبار و وابسته در مشوه جلوه دادن وجهه جمهوری اسلامی و جنگ طلب نشان دادن ایران و مسئولان ایرانی تلاش می کردند، آیت الله تسخیری در گفت و گو با رسانه ها ضمن پافشاری بر اصول و تبیین مواضع اصولی انقلاب اسلامی، به تنش زدایی و دفع شبهات اهتمام می ورزید؛ مثلاً بارها از او درباره جزایر سه گانه ایرانی و در مواردی به صورت مغرضانه و توهین آمیز سؤال شد، اما او با همان ادبیات مخصوص به خود ضمن نگاه تبیینی، تنش زدایی می کرد.

قاطعیت

همان گونه که قرآن کریم «اثناء علی الکفار رحماء بینهم» را به منزله سبک زندگی به مسلمانان معرفی می کند، آیت الله تسخیری نیز از همین سبک در مواجهه با موضوعات مختلف در مصاحبه های مطبوعاتی بهره می جست. از همین رو آنگاه که پای آمریکا و صهیونیست ها به میان می آمد، قاطعانه موضع گیری می کرد؛ مثلاً در پاسخ به پرسش «مصطفی ابوهارون»، خبرنگار روزنامه «الحیاه»، می گوید: «اسرائیل جز زبان حزب الله را نمی فهمد و همین رویکرد بود که اسرائیل را به شکست واداشت. همه اسرائیلی ها مانند شارون هستند و آنها کینه بزرگی از اسلام و مسلمین به دل دارند. این رژیم ذاتاً خونریز و تجاوزگر است.»

شفاف سازی

طی نشستی در دوحه در زمستان ۱۳۸۵ مطرح شد که شیعیان عراق به دنبال مهاجرت اهل سنت از این کشورند و بر این امر تأکید شد، در حالی که مسئله اصلی در عراق، یعنی حضور اشغالگران، را فراموش کرده بودند. سپس آیت الله تسخیری در مصاحبه با روزنامه «عکاظ» شفاف سازی کرد. او بیان کرد: «مهمترین مشکل عراق اشغالگری است، زیرا هدفشان از اشغال، تنها جنبه مادی نیست و آنها فرهنگ این امت را نشانه گرفته اند. لذا همه باید برای خروج نیروهای آمریکایی از عراق بکوشیم و برای جلوگیری از فتنه، وحدت بین شیعه و سنی را تقویت کنیم.»
بر گرفته از کتاب «سرو نستوه» عباس آریازند

“
در شرایطی
که رسانه های
استکبار و
وابسته در
مشوه جلوه
دادن وجهه
جمهوری
اسلامی و
جنگ طلب
نشان دادن
ایران و
مسئولان
ایرانی تلاش
می کردند،
آیت الله
تسخیری
در گفت و گو
با رسانه ها
ضمن
پافشاری
بر اصول و
تبیین مواضع
اصولی انقلاب
اسلامی، به
تنش زدایی و
دفع شبهات
اهتمام
می ورزید

دیدگاه

ولایت فقیه در اندیشه آیت الله تسخیری

مرحوم آیت الله تسخیری از یاران دیرین امام (ره) و از همراهان مقام معظم رهبری بود و سال های بسیاری از عمرش را در سنگر دفاع از آرمان های انقلاب و ولایت فقیه سپری کرد. به نظر او انتخاب حضرت آیت الله خامنه ای از سوی مجلس خبرگان رهبری به عنوان رهبر انقلاب اسلامی لطف عظیم الهی بود. وی دیدگاه خود را درباره نحوه انتخاب حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) از سوی مجلس خبرگان این گونه بیان کرده بود: «مادر مجلس سوم خبرگان زمانی که داشتیم برای روز مبادا فکر می کردیم، با تمام تلاشی که کردیم نتوانستیم فردی را پیدا کنیم که همچون حضرت آیت الله خامنه ای از ابعاد مختلف در سطح بالایی باشد، چرا که ایشان در بعد سیاسی، اخلاقی، علمی و اجتماعی در سطح بسیار بالایی قرار دارند. امیدوارم خداوند متعال مقام معظم رهبری را برای ما حفظ و مقدر کند که ایشان پرچم حکومت اسلامی را به رهبر اصلی یعنی امام زمان (عج) تحویل دهند.»

مرحوم تسخیری درباره طرح شورایی کردن رهبری نیز گفته بود: «این طرح از اساس اشتباه است و در هیچ جای جهان حتی کشورهای کوچک جایی ندارد؛ مدل شورایی در تشکیلات قوه قضائیه ناکارآمدی خود را نشان داد و ما را مجبور به تغییر قانون کرد و شورای قضایی جایش را به رئیس قوه قضائیه داد، چرا که برخی تصمیمات نیازمند تصمیم شخص است. شورایی کردن رهبری مبانی شرعی لازم را ندارد و این طرح هدفی غیر از تشکیک در رهبریت نظام نخواهد داشت.»

برگرفته از: خبرگزاری تسنیم



**مراسم
گرامیداشت
یک عمر
تلاش قرآنی
آسمانیان:
در این مراسم
از دو چهره دینی
و قرآنی
جهان اسلام؛
آیت الله
«محمدعلی
تسخیری»
دبیر کل وقت
مجمع جهانی
تقریب
مذاهب اسلامی
و «ابوالعینین
شعیشع»
شیخ القراء مصر
تقدیر شد**



بزرگداشت بزرگ مرد تقریب

روایات آمده جوانانی که در جوانی با قرآن آشنایی می شوند، قرآن در گوشت و خون شان آمیخته می شود و انسان هایی قرآنی می شوند؛ بنابراین جوانان باید از فرصت جوانی شان برای آموختن قرآن استفاده کنند و امیدواریم بتوانیم قرآن را با جان جوانان آمیخته کنیم. وی تأکید کرد: هر گاه مسلمانان توانستند قرآن را در وجودشان زنده کنند به پیروزی می رسند و هر گاه از آن دور شوند به انحراف کشیده خواهند شد. مرحوم تسخیری درباره کتاب تفسیر خود گفت: این کتاب به دستور استاد شهید محمدباقر صدر نوشته شده و نوشتن آن از قبل از انقلاب آغاز شد و ۳۰ سال نگارش آن به طول انجامیده است. امیدواریم مخاطبان ما که جوانان هستند از این کتاب تأثیر پذیرند. آیت الله تسخیری همچنین شهید محمد باقر صدر را مربی ای دانست که همه شاگردانش عاشق او بودند و صدر را عاشق امام (ره) و اسلام دانست و گفت: زمانی که انقلاب به پیروزی رسید، شهید صدر در نامه ای به امام (ره) اظهار کرد که همه تالیفاتش را در خدمت ایشان قرار خواهد داد.

آبان ماه ۱۳۸۷ برج میلاد تهران میزبان مراسم گرامیداشت یک عمر تلاش قرآنی آسمانیان بود، این مراسم در حاشیه افتتاحیه دومین مسابقات بین المللی قرآن دانشجویان مسلمان از سوی جهاد دانشگاهی و شهرداری تهران، کمیسیون ملی آیسسکو و سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور برگزار شد. در این برنامه محمدباقر قالیباف، شهردار وقت تهران، حمیدرضا طیبی، رئیس جهاد دانشگاهی، رحیم خاکی، رئیس وقت سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور، احمد مسجدجامعی از اعضای شورای اسلامی شهر تهران، عبدالکریم بی آزار شیرازی، رئیس دانشگاه تقریب مذاهب اسلامی و عبدالرسول عبایی، پیشکسوت و داور بین المللی قرآن کریم حضور داشتند. این برنامه دو چهره دینی و قرآنی جهان اسلام؛ آیت الله «محمدعلی تسخیری» دبیر کل وقت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و «ابوالعینین شعیشع» شیخ القراء مصر را گرد هم آورد تا از جایگاه مهم آنان در تقریب و شیخ القرائی مصر تقدیر کند. آیت الله تسخیری نیز در ادامه برنامه سخنرانی و بیان کرد: براساس آن چه که در

سوره

ویژه نامه
سالگرد مرحوم
آیت الله محمدعلی تسخیری

کوله باری از تجربه تقریبی

ابوذر ابراهیمی ترکمان، دارای تحصیلات
حوزوی و دکترای حقوق از دانشگاه مفید است.
در کارنامه کاری او مدیر کلی حوزه ریاست نهاد
نماینده مقام معظم رهبری در دانشگاهها
سال ۱۳۷۳، وابسته فرهنگی سفارت جمهوری
اسلامی ایران در آنکارا سال ۱۳۷۵-۱۳۷۶،
وابسته فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی
ایران در عشق آباد ۱۳۷۶-۱۳۸۱، عضو شورای
سر دبیری مجله در گستره فرهنگ بین الملل،
معاونت اداره کل فرهنگی آسیا و اقیانوسیه در
سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مدیر کلی
فرهنگی آسیا و اقیانوسیه در سازمان فرهنگ
و ارتباطات اسلامی و راینی فرهنگی در
فدراسیون روسیه از اسفند ۱۳۸۶ تا شهریور
۱۳۹۲ دیده می شود، آواز دی ۱۳۹۲ به عنوان
رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
منصوب شد.

ابراهیمی ترکمان، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات
اسلامی با سابقه دوسه ۲۵ ساله با آیت الله تسخیری
در سفرهای متعددی شیخ تقریباً همراهی کرد و از
محضرش بهره مند شد. او مرحوم تسخیری را مردی با
اخلاص در اندیشه و عمل توصیف می کند و می گوید:
همواره در مجامع فقهی به دیده احترام به او نگرسته
می شد. تسلطش به زبان و ادبیات عرب موجب شده
بود که بتواند اندیشه هایش را به سهولت و در بهترین
قالب ارائه کند. در عربی جملهای با این مضمون
وجود دارد: «عند ذکر الصالحین تنزل الرحمه؛ به
هنگام ذکر و یاد صالحین رحمت نازل می شود.»
این جمله در مورد او صدق می کند. بنده تقریباً از ۲۵
سال پیش با آیت الله تسخیری مأنوس و در سفرهای
متعددی همراهش بودم و همواره از او بهره بردم.
پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می فرمایند: «از حضرت
عیسی (ع) سؤال شد که با چه کسی همنشین شویم؟
آن حضرت فرمود: «با کسی که دیدارش شما را به
یاد خداوند بیندازد و گفتارش بر علم شما بیفزاید و
عملش موجب رغبت شما به آخرت شود.» مرحوم
تسخیری مصداق این حدیث شریف بود. دیدارش
انسان را به یاد خداوند می انداخت، گفتارش بر علم
همنشینش می افزود و عملش موجب ترغیب انسان
به آخرت می شد. او دانش بسیار گسترده ای داشت و به
مبانی اندیشه های مذاهب اسلامی و فقه مقارن مسلط
بود و فقه مذاهب اسلامی را به خوبی می دانست.
سال هادر دانشگاه امام صادق (ع) و سایر مراکز علمی

آیت الله تسخیری به روایت ابوذر ابراهیمی ترکمان

آشنایی با فقه مقارن؛ نقطه اتکا در مواجهه با اهل سنت



حضور آیت الله تسخیری و دکتر ابوذر ابراهیمی به همراه اسقف سرکسیان در نشست دینی مرکز گفت و گو ی ادیان



در طول عمرش افرادی آشکارا با او مخالفت و حتی از شیوه تعاملش با علمای برخی مذاهب انتقاد تند می کردند، اما او صبور بود و در فرصت مناسب از خود دفاع می کرد. به یاد دارم یکی از علما در مخالفت با او از الفاظ تند استفاده کرد که تحملش بسیار سخت بود. آیت الله تسخیری سکوت کرد و پس از مدتی به دیدار آن عالم رفت و او را با گفت و گو اقناع و آن عالم خوش نفس عذرخواهی کرد و حتی راضی شد که علناً اشتباه خود را اعلام کند، اما مرحوم تسخیری راضی به این کار نشد. همچنین بزرگترین کارهای خود را به زبان نمی آورد و از تمجید خودش پرهیز می کرد و همه را انجام وظیفه می پنداشت و بابت کارهای سترگ، انتظار تشکر یا تمجید نداشت. او در تمام سخنرانی ها مطالبش را از پیش می نوشت و از سخنرانی بدون مطالعه پرهیز و بدین گونه از اشتباهات احتمالی جلوگیری می کرد.

احترام به یک شخص تحمیل کردنی نیست، زیرا در غیر این صورت تصنعی خواهد بود. در اجلاس های بین المللی شاهد بودم که شخصیت های مختلف از صمیم قلب به او احترام می گذاشتند و شأن والایی را برایش قائل بودند و می توانستیم این مورد را از جایگاه تعیین شده او، و وقتی که برای سخنرانی به او اختصاص می دادند و از نحوه برخورد با فهمیم.

من رفوزه شدم

او مشاور عالی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در امور جهان اسلام بود، اما از نظر پست سازمانی کارمند سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی محسوب می شد. حدود سه سال پیش پرونده پرسنلی اش را بررسی کردیم و متوجه شدیم که پستش در حد معاون مدیر کل است. با او تماس گرفتم تا جزئیات بیشتری را سؤال کنم و متوجه شدم که اهمیتی به این مسائل نمی دهد و جزئیات را هم نمی داند. خیلی متأثر شدم و دوستانم تلاش کردند تا جایگاه شغلی اش را تغییر دهند. در واقع به پست و مقام و مادیات بی اعتنا بود. همچنین او مدت ها نماینده مجلس خبرگان بود و یک بار که بر حسب وظیفه کاندید شد، رأیش به حد نصاب نرسید و وقتی مرادید گفت که رفوزه شدم و بعد از ته دل خندید. همچنین زمانی که در نجف بود به دلیل فعالیت سیاسی دستگیر و بسیار شکنجه شد و آن را به گونه ای بازگویی کرد گویا آنکه اتفاق ساده ای رخ داده است. البته نهایتاً با کمک حضرت امام (ره) آزاد شد. در واقع سختی ها و ملامت ها را به سهولت فراموش می کرد.

رنجور بود و به دلیل سکتة مغزی تحرک او کاهش یافته بود، برای انجام وظیفه از هیچ کوششی دریغ نمی کرد و در اندیشه و عمل اخلاص داشت و در تمام جلساتی که دعوت می شد مقید به حضور به موقع بود. تقید به اصول انسانی از جانب او برای بنده تعجب آور بود و هرگز در اجلاس های بین المللی از آن تخطی نمی کرد. حقیقتاً آموخته هایش بخشی از وجودش شده بود.

اندیشه تقریبی و تکیه بر مشترکات از ویژگی های دیگرش بود. او شیعه و مؤمنی تمام عیار محسوب می شد. گاه در جلسات که مصائب اهل بیت (ع) بیان می شد از عمق وجود می گریست و هنگام قرائت قرآن اشک می ریخت. همچنین در مباحثه با علمای مذاهب دیگر بحث را به گونه ای مدیریت می کرد که پذیرش سخنانش برای دیگران آسان باشد و تأثیر رفتار و تعاملش با دیگران بیش از حرف هایش بود. مولانا در مثنوی می گوید:

می رود از سینه هادر سینه ها

از ره پنهان صلاح و کینه ها

این راه پنهان در تعامل ایشان وجود داشت.

بر خور داری از اکسیر نفوذ کلام

شیوه بحث آیت الله تسخیری اقناعی بود، زیرا در این شیوه مخاطب آرام می شود و اگر با احترام و ادب همراه باشد، اکسیری است که نظر انسان ها را تغییر می دهد و او از اکسیر نفوذ کلام به خوبی بهره مند بود. علاوه بر این، گذشت ویژگی بارزش بود. او به هیچ روی مجادله را نمی پسندید و به همین دلیل هرگز وارد مجادله علمی، سیاسی و حتی فرهنگی نمی شد. اگر در جایی مخالفتی می کرد، مخالفتش با شخص و شخصیت طرف مقابل نبود، بلکه با شیوه اقناعی بانظر او مخالفت می کرد.

فقه مقارن تدریس کرد و همین امر نقطه اشتراک و اتکایش در مواجهه با علمای اهل سنت بود. همچنین در مسائل مستحدثه فقهی صاحب نظر، در اصول فقه متبحر، تعلیم یافته مکتب شهید سید محمد باقر صدر و به مبانی اصولی مسلط بود. همچنین نظر اتش در سازمان همکاری اسلامی و مجمع فقه اسلامی وابسته به این سازمان مبتکرانه بود و اغلب پذیرفته می شد و در توجه مجامع فقهی بین المللی به فقه شیعه سهم فراوانی داشت. همواره در مجامع فقهی به دیده احترام به آیت الله تسخیری نگریسته می شد. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در پیامشان به مناسبت ارتحال مرحوم تسخیری او را زبان گویای اسلام و تشیع توصیف کردند، زیرا تسلطش به زبان و ادبیات عرب موجب شده بود که بتواند اندیشه هایش را به سهولت و در بهترین قالب ارائه کند و به عربی شعر می سرود و دیوان شعری هم دارد و برخی اشعارش در نجف به عنوان نوحه در دسته های عزاداری خوانده می شد. ویژگی دیگر او گوش دادن به سخنان طرف مقابل بود. حضرت علی (ع) در حکمت ۲۸۹ نهج البلاغه در توصیف یکی از برادران دینی اش می فرماید: «وَكَانَ عَلِيٌّ مَا يَسْمَعُ أَخْرَضَ مِنْهُ عَلِيٌّ أَنْ يَتَكَلَّمَ؛ به شنیدن بیش از سخن گفتن حریص بود.» این جمله درباره مرحوم تسخیری نیز صادق است. گاه ساعت ها به سخنان علمای مذاهب مختلف گوش فرامی داد و آنگاه پاسخی کوتاه و محترمانه را بیان می کرد. اصولاً انسان به دلیل تمایل به ابراز خود، مشتاق سخن گفتن است، ولی او اشتیاق وافر به شنیدن داشت و همین خصلت سبب شده بود تا همه با او احساس دوستی کنند.

اخلاص در اندیشه و عمل

با وجود اینکه تقریباً در ۲۰ سال پایانی عمر جسمش

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در پیامشان به مناسبت ارتحال مرحوم تسخیری او را زبان گویای اسلام و تشیع توصیف کردند، زیرا تسلطش به زبان و ادبیات عرب موجب شده بود که بتواند اندیشه هایش را به سهولت و در بهترین قالب ارائه کند



رئیس حزب اسلامی مالزی از آیت الله تسخیری می گوید

یک عمر در مسیر مبارزه

عبدالهادی آونگ در سال ۱۳۹۳ با تنی چند از اعضای شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی دیدار کرد. در این دیدار آیت الله محمد علی تسخیری، آیت الله محسن اراکی، حجت الاسلام حسن نواب و مولوی اسحاق مدنی حضور داشتند.

حزب اسلامی مالزی پس از درگذشت آیت الله تسخیری پیام تسلیتی به امضای عبدالهادی آونگ صادر و در آن تأکید کرد: فقدان وی به ویژه به خاطر کمک به وحدت مسلمانان و نقش او در مجمع جهانی تقریب برای جهان اسلام خسارت بزرگی است. امیدواریم روح مرحوم آیت الله تسخیری در زمره صالحانی باشد که مورد رحمت و مغفرت الهی قرار گرفتند.

آونگ معتقد است، مرحوم آیت الله تسخیری عمر بابرکت خود را در راه مبارزه با استعمار، استکبار، کفر و نفاق، که به دنبال تفرقه افکنی میان مذاهب اسلامی هستند، سپری کرد.



آونگ معتقد

است هیچ

فرقی میان

شیعه و سنی

نیست و افراد

متعصب

به تکفیر

یکدیگر

می پردازند

ساله معاون پیشین حزب اسلامی مالزی بار دیگر رهبری این حزب را بر عهده گیرد.

حزب اسلامی مالزی در انتخابات سال ۲۰۰۸ موفق شد کرسی های پارلمانی خود را از هفت کرسی به ۲۳ کرسی افزایش دهد و در سال ۲۰۱۳ نیز ۲۱ کرسی را به خود اختصاص داد.

آونگ معتقد است هیچ فرقی میان شیعه و سنی نیست و افراد متعصب به تکفیر یکدیگر می پردازند و علما و نخبگان کشورهای اسلامی باید برای تبلیغ جهانی اسلام با یکدیگر متحد شوند.

حزب اسلامی مالزی (پاس)، مهمترین حزب اسلام گرای این کشور است و ریشه های عقیدتی آن به جنبش اصلاح طلب اسلامی در مالایا، در آغاز قرن بیستم بازمی گردد. این حزب که رهبری سیاسی آن بر عهده عبدالهادی آونگ است، هدف نهایی خود را اداره کشور مالزی بر اساس شریعت اسلامی تعریف کرده است.

آونگ که رئیس پیشین حزب پاس بود، در انتخابات درونی حزب در ژوئن ۲۰۱۵ توانست با پیروزی بر رقبای خود از جمله «حمد آونگ» ۷۹

دیدگاه

تکمیل پروژه شیخ محمدتقی قمی در دارالتقريب قاهره

عواطف ابوشادی، بانوی مصری و استاد ادبیات عرب دانشگاه «عین شمس» این کشور معتقد است: آیت الله محمدعلی تسخیری شخصیتی آشنا به علوم اسلامی، اندیشه، فقه و سایر مسائل جهان اسلام بود. فعالیت های تقریبی او فقط به عنوان یک شغل نبود، بلکه اعتقادی بود که در رواج آنها نقش داشت.

ایمان این مرد بزرگ به وحدت و تقریب حد و مرزی نداشت. او سال ها با بیماری زیست، اما در ساعات بسیاری بدون هیچ لکنتی سخنرانی کرد و می توانست تمام رهبران جهان اسلام را در چارچوب مجمع جهانی تقریب گرد هم آورد. او مکمل پروژه شیخ محمدتقی قمی در دارالتقريب قاهره و وفادار به تقریب بود، گفتمانش ترمیم کننده شکاف های تقریبی بود و پایتخت های جهان عرب و اسلام او را به خوبی به یادمی آورد. ما باید دیگران را به راهی دعوت کنیم که آیت الله تسخیری همه را به آن فراخوانده بود و یاد مرحوم تسخیری را به سبب صبرش در راه تقریب گرامی بداریم.

من فقط یک بار با آیت الله تسخیری دیدار کردم که بسیار پر ثمر بود. کتاب ها و سخنرانی هایشان را مطالعه کرده ام و در فضای اینترنت با او در ارتباط بودم.

زمانی که شیخ قرضاوی و حارث الضاری، به مذهب شیعه حمله کردند، آیت الله تسخیری به هیچ یک از آنها پاسخی نداد؛ زیرا نمی پذیرفت که یکی از شیعیان علیه یک عالم اهل سنت سخن بگوید و مخالف اهانت به نمادهای اهل سنت از جمله صحابه یا همسران پیامبر (ص) بود.

دانشمندان و روحانیان شیعه و سنی شد. صدور فتوای محمود شلتوت در ۱۷ ربیع الاول ۱۳۷۸ مبنی بر جواز پیروی از فقه شیعه امامیه، همانند چهار مذهب فقهی اهل سنت، بزرگ ترین اقدام عملی در راه تقریب به شمار می آید.

در سال ۱۳۶۹ شمسی به ابتکار آیت الله خامنه ای، مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی تأسیس شد. این مجمع عهده دار تلاش های تقریبی در جهان اسلام است و همایش های وحدت را همه ساله با مشارکت اندیشمندان اسلامی در ایران و دیگر کشورهای اسلامی برگزار می کند.

پیوند برادری و دوستی میان من و آیت الله تسخیری طی کنفرانس ها و دیدارهای متوالی، که در راستای خدمت به اسلام و مسلمین برگزار می شد، محکم شد.

آنچه از ویژگی های آیت الله تسخیری برای من شگفت آور بود، مواضع چالشی او برای شناساندن انقلاب جدید به دنیایی بود که به هر چیزی که عنوان اسلام با آن همراه است با دیدی منفی می نگرد، به خصوص در حوزه سیاست.

آیت الله تسخیری تلاش کرد مذاهب اسلامی را، که با قید و بندهای استعمار از هم گسیخته شده اند، نزدیک کند. استعماری که در ظاهر ادعای آزادی و استقلال طلبی دارد اما در طول زمان جامعه اسلامی را دچار تهاجم فکری و تعصب های مذهبی و گرایش های قومی می کند.

از دیدگاه من، آیت الله تسخیری اندیشمندی وارسته، مسلط به زبان فاخر عربی قرآنی و برخوردار از حلم، آرامش و تواضع اخلاقی در رویارویی با چالش ها و اختلافات مذهبی میان شیعه و سنی بود؛ با وجود اینکه هر دو از اصول دین و قبله واحدی برخوردار هستند.

چالش جدی آیت الله تسخیری، محاصره شدن احزاب اسلامی از سوی استکبار جهانی و حتی کشورهای همسایه ای بود که با برتری طلبی مذهبی موجب تقویت جبهه کفر و نفاق شده اند. کشورهای اسلامی باز چه دست کشورهای مستکبر و مستبد قرار گرفتند و سازمان همکاری اسلامی هم که در اوج ضعف خود قرار دارد و از آن جز نام چیزی باقی نمانده است؛ او دار فانی را وداع گفت و به دیدار حق شتافت، در حالی که در اوج نیاز به دانش و درایتش بودیم، در برابر خواست پروردگار تسلیم هستیم، چرا که ما از خداییم و به سوی او بازمی گردیم.



وی می گوید: من آیت الله تسخیری را در کنفرانس هایی که مجمع تقریب مذاهب اسلامی در سال های نخست پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی ایران برگزار می کرد، شناختم. از همان زمان انقلاب اسلامی ایران کشورهای استکباری شرق و غرب را تهدید می کرد. امام خمینی (ره) هم یک شعار اسلامی ارائه داده بود: «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی».

از جمله اقدامات جمهوری اسلامی ایران احیای مجمع تقریب بود که چندین دهه کار آن برای ایجاد وحدت در امت اسلامی با شعارهای قومی گرایی و مذهب گرایی متوقف شده بود.

در سال ۱۳۱۷ شمسی محمدتقی قمی از ایران به مصر مهاجرت کرد و در قاهره دارالتقريب بین المذاهب الاسلامیه را تشکیل داد. مهم ترین دستاورد دارالتقريب پی ریزی راه های عملی اتحاد مسلمانان بود و این مرکز محل گردهمایی



چالش جدی

آیت الله

تسخیری،

محاصره

شدن احزاب

اسلامی

از سوی

استکبار

جهانی و حتی

همسایگانی

بود که با

برتری طلبی

مذهبی

موجب

تقویت جبهه

کفر و نفاق

شده اند

عضو پارلمان لبنان و عضو هیئت رئیسه جنبش امل بیان کرد

آیت الله تسخیری و علمای سطحی نگر

جنبش امل از تشکلهای سیاسی شیعی در لبنان است که اوایل دهه ۱۹۷۰م توسط امام موسی صدر و برای دفاع از شیعیان لبنان و مقابله نظامی با اسرائیل شکل گرفت. رهبری این جنبش، از ابتدای تشکیل بر عهده امام موسی صدر و بعد از وی، مصطفی چمران و از سال ۱۹۷۹م/۱۳۵۷ش بر عهده نبیه بری بود. در عملیات الجلیل و حمله اسرائیل به بیروت، جنبش امل همراه با دیگر گروههای لبنانی به مذاکرات با اسرائیل در قالب هیئت نجات ملی پیوست.

در پی این تغییر رویکرد، گروهی از نیروهای این جنبش جدا شدند و چندی بعد، حزب الله لبنان در پی آن شکل گرفت. از سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش، این جنبش به جریان سیاسی حاکم لبنان پیوست. ریاست مجلس و تصاحب تعدادی از کرسیهای مجلس لبنان، دستاورد تغییر نگرش این جنبش در دوره بعد از سید موسی صدر بود. با وجود این تغییر نگرش، در جنگ ۳۳ روزه اسرائیل علیه لبنان، این نهضت در کنار حزب الله به مقابله با اسرائیل برخاست.

خلیل حمدان، عضو پارلمان لبنان و عضو هیئت رئیسه جنبش امل معتقد است که آیت الله تسخیری در مسیر وحدت و تقریب گام گذاشت که مسیری سخت و پرمشقت بود و سختیهای بسیاری را در این راه متحمل شد، اما پافشاری و جدیت او باعث شد تا به چنین نتیجه بزرگی در این زمان دست یابد. او پرچمدار وحدت و تقریب بین مذاهب و دعوت کننده به گفت و گویی بود که ما به شدت هم اکنون جهت حل مشکلاتمان به آن نیازمندیم و هم اکنون فقدان این شخصیت را حس می کنیم. با آیت الله تسخیری در کنفرانسهای متعددی دیدار کردم. او به لبنان هم سفر می کرد و با جنبش امل دیدارهایی داشت و در آنها امکان گفت و گو در لبنان، منطقه عربی و اسلامی و دنیا را ارزیابی و همواره وجوه مشترک مذاهب اسلامی را جستجو

آیت الله
تسخیری
پرچمدار
وحدت و
تقریب بین
مذاهب و
دعوت کننده
به گفت و گویی
بود که ما
به شدت
هم اکنون
جهت حل
مشکلاتمان به
آن نیازمندیم

می کرد، از تمرکز بر اختلافات به شدت فاصله می گرفت و به دنبال جلب نظر برخی مبلغان دینی نبود، بلکه عمیق و دقیق می اندیشید و وحدت کلمه و وحدت مواضع را موجب کسب دستاوردهای مثبت برای جوامع اسلامی منطقه و جهان می دانست. او با کلامی صادقانه به اتحاد و دوستی دعوت می کرد. از همین رواز سخنان تحریک آمیز طایفه ای و مذهبی دوری می گزید و در

دیدگاه

فرد آمیخته با مهربانی در شفافیت او موج می زد

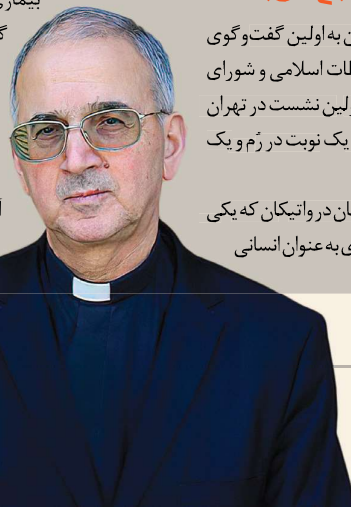
سابقه گفت و گوهای دینی بین جمهوری اسلامی ایران و واتیکان به اولین گفت و گوی مرکز گفت و گوی ادیان و فرهنگهای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و شورای پایی گفت و گوی ادیان واتیکان در سال ۱۳۷۳ بازمی گردد که اولین نشست در تهران برگزار و پیش از این، ۱۰ دور از گفت و گوها به صورت دو سالانه، یک نوبت در ژنوا و یک نوبت در تهران برگزار شده است.

خالد عکاشه، رئیس بخش اسلام شورای پایی گفت و گوی بین ادیان در واتیکان که یکی از اعضای شرکت کننده در این گفت و گوها بود، از آیت الله تسخیری به عنوان انسانی

خوش برخورد و خوش اخلاق یاد می کند که در کار خود در عرصه تقریب همیشه با صبر، حکمت و محبت برخورد می کرد و قدرت قانع کردن دیگران را داشت. و به رغم وجود بیماری در مسیر گفت و گوی میان ادیان لحظهای توقف نکرد. او در

گرامیداشت یاد و خاطره بزرگ مرد تقریب می نویسد:

ابتدا از خداوند بخشنده و مهربان می خواهم که آیت الله محمد علی تسخیری را غرق رحمت فراوان کند و در ملکوت نور و آرامش او را در زمره بندگان صالح قرار دهد. من با او برای گفت و گوی ادیان در تعامل بودم و ارتباطم با آن مرحوم مبتنی بر احترام بود و هم کلامی به زبان عربی به تقویت آن انجامید.





“
آیت الله
تسخیری
انسان
متواضع و
عالم بزرگی
بود که تا
واپسین
روزهای
عمر خود
به ارتباط با
دیگران و ارائه
رهنمودهای
لازم برای
پیشرفت
تقریب
ادامه داد. او
نماد واقعی
ارزش های
انسانی بود

چندین کنفرانس شاهد بودم که آیت الله تسخیری از همه های برخی مغرضان شیعه و غیر شیعه ابراز تأسف می کرد. این عالم بزرگوار از جمله روشنفکرانی بود که از دیرباز همه را به گفت و گوی ادیان و تمدن ها دعوت می کرد و بر این عقیده بود که گفت و گوی ادیان ضروری است، زیرا دنیا گرایش دینی دارد و دین بخشی از ویژگی های هویتی یک فرد و جامعه است. بنابراین گفت و گوی دینی امری بسیار مهم است که باید با هدف خدمت به بشریت و سعادت انسان انجام شود. همچنین، برای آیت الله تسخیری تجربه امام موسی صدر در دعوت به همزیستی مشترک و ردّ طایفه گری در لبنان جالب بود. امام موسی صدر توانست با همه قدرت در این مورد عمل کند و بر ردّ طایفه گری به عنوان یک بیماری بزرگ برای هر جامعه ای به ویژه لبنان تأکید می کرد.

آیت الله تسخیری انسان متواضع و عالم بزرگی بود که تا واپسین روزهای عمر خود به ارتباط با دیگران و ارائه رهنمودهای لازم برای پیشرفت تقریب ادامه داد. او نماد واقعی ارزش های انسانی بود. از تسخیری نمی توان جز به نیکی سخن گفت و راهش بعد از رفتنش نیز ادامه خواهد یافت. او ولایت پذیر بود و خود را بخش جدایی ناپذیری از جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) می دانست؛ انقلابی که تا به امروز به رهبری آیت الله خامنه ای (حفظه الله) ادامه داشته است.

دنیا، گسترش آزادی و احترام به بشر و حقوق بشر دعوت می کرد و از نظر ایشان مهم ترین هدف اسلام جهانی، انسان سازی بر اساس احترام به آزادی انسان بود. برخی مبلغان دینی از فرهنگ وحدت و تقریب فاصله گرفته اند و همین ها در مسیر پیشرفت تقریب سنگ اندازی کردند، حرکتی که به همت ایران شکل گرفت و یکی از پیشگامان آن آیت الله تسخیری بود. من در

دیدار با پیروان مذاهب مختلف و پیروان یک مذهب خاص، گفتمان وحدت کلمه را برگزیده بود. این عالم بزرگوار نظیر علمای بزرگ دیگر با چالش سطحی نگری برخی علما و افراطیونی روبه رو بود که به بهانه وجود اختلافات اندک در گوشه و کنار، مخالف همگرایی با دیگران هستند. آیت الله تسخیری در گفتمان خود همگان را به خدمت به مستمندان و مظلومان

گفت که مسیح کلمه خدا برای بشر است و کسی را توصیف می کند که در قرآن کریم از او با عنوان «کلیم الله» یاد شده است. هر کس که به سخنان آن مرحوم گوش می داد از دانش گسترده او، که به علوم دینی محدود نبود، شگفت زده می شد؛ گویی برای شنوندگان افق وسیعی را می گشود. مایلم که از بُعد خاصی از شخصیت او یاد کنم که آن خرد آمیخته با مهربانی بود و همین ویژگی او را برای پذیرش مسئولیت دبیر کلی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، که مرکز آن در تهران است، واجد شرایط کرد. پس از رحلتش، همه ما دلتنگ آیت الله تسخیری هستیم و به همین دلیل سخت تلاش می کنیم تا بذری را که او برای اصلاح روابط مسلمانان و روابط مسلمانان با پیروان ادیان دیگر، به ویژه مسیحیان، کاشته است به بار بنشانیم.

بنده بیش از ربع قرن در شورای پاپی گفت و گوی ادیان در واتیکان در بخش گفت و گوی بین اسلام و مسیحیت دبیر کمیته روابط دینی با مسلمانان و نیز هماهنگ کننده کمیته های گفت و گوی دائمی با سازمان ها و ارگان های اسلامی از جمله سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، که مرحوم تسخیری در آنجا فعالیت می کرد، بودم. ویژگی متمایز آیت الله تسخیری حیا و نرم خویی بود که آن را با لبخند دلنشینی نشان می داد. به یاد دارم او در یکی از کنفرانس های مشترک بین مجمع تقریب و شورای پاپی، بدون اینکه نامش در فهرست سخنرانان باشد، شرکت کرد و از روی فروتنی قصد سخن گفتن نداشت، اما به اصرار بسیاری از حاضران از جمله من سخنرانی کرد. در حافظه من سخن این شیخ دانشمند درباره عیسی مسیح (ع) ماندگار شده است. او

حجت الاسلام والمسلمین سید عیسی حسینی مزاری، رئیس مرکز فرهنگی و اجتماعی تبیان افغانستان و تحلیل‌گر برجسته مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بوده و بیش از ۱۰۰۰ مقاله، سخنرانی، گفت‌وگو و میزگرد دارد که در رسانه‌های داخلی و خارجی این کشور انعکاس وسیعی داشته است. حسینی مزاری در سال ۱۳۷۵، یک روز پس از سقوط کابل به دست طالبان این شهر را ترک کرد و عازم ایران شد و فعالیت‌های فراگیر خود را در مشهد دنبال کرد. وی می‌گوید: پر بارترین اجلاس‌های سالانه وحدت در تهران با مدیریت آیت الله تسخیری برگزار شد و من بیشترین ارتباط و تعامل را با مجمع جهانی تقریب در زمان مدیریت ایشان داشتم.

از آیت الله تسخیری و شخصیت ایشان برای ما بگویید.

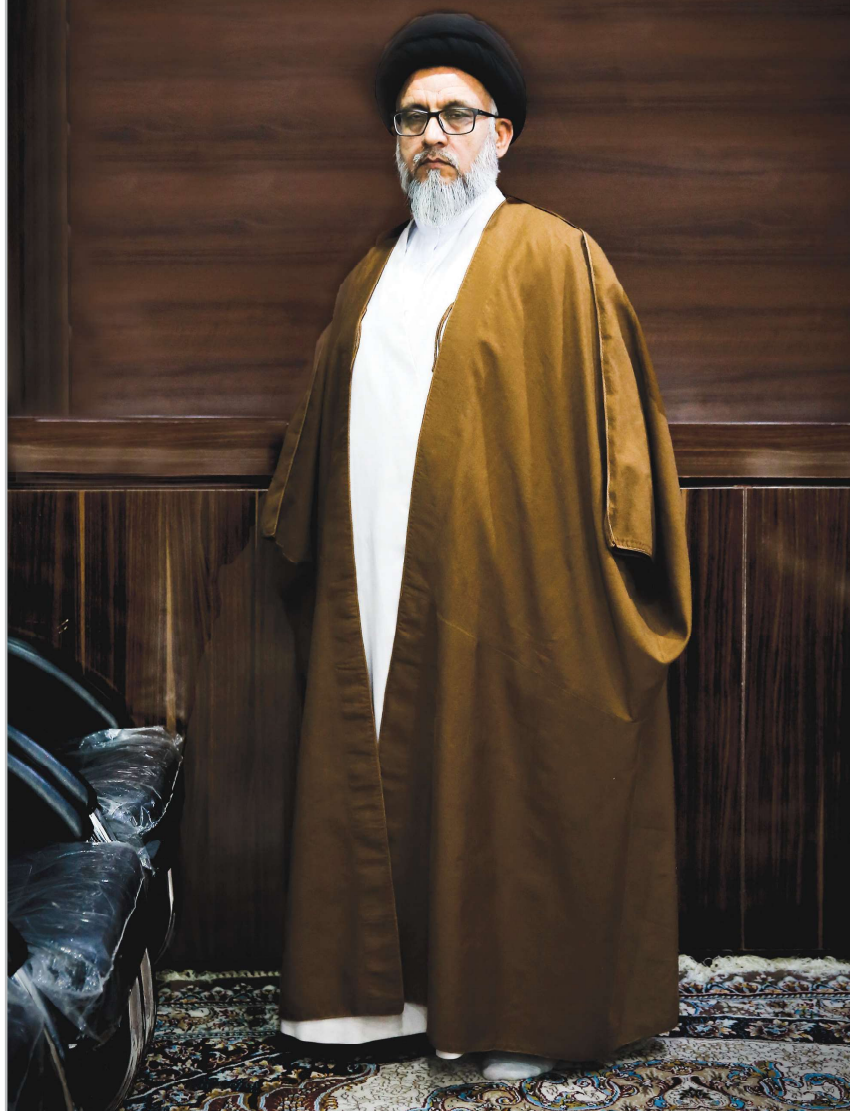
صحبت کردن در مورد شخصیت آیت الله تسخیری آن هم در این فرصت کم بسیار دشوار است اما آنچه از ایشان شخصیت تأثیرگذاری در عرصه تقریب ساخت، تمرکز روی هدف و برنامه تقریب بود. ایشان به خوبی درک کرده بود که حلقه مفقوده جهان اسلام هماهنگی و همسویی احاد پیروان مذاهب اسلامی است و برای رسیدن به هدف از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد و با کمترین امکانات و نیروها برای رسیدن به این هدف تلاش کرد.

حضرت آیت الله تسخیری ویژگی‌های متعددی داشت که هر کدامش برای من و امثال من راهگشا و جهت‌دهنده به منظور ادامه دادن راه ایشان و گسترش و تعمیق اندیشه تقریبی است، اما آنچه اینجانب را بیش از همه تحت تأثیر قرار داد تلاش و پشتکار خستگی‌ناپذیرشان بود. با توجه بر اینکه در سال‌های اخیر کسالت داشت، اما گاهی در ایران و گاه در کشورهای متعدد حضور می‌یافت و برای بارور کردن برنامه‌های تقریبی، مجاهدت به خرج می‌داد.

همانطور که می‌دانید آیت الله تسخیری کنفرانس‌های متعدد وحدت را در زمان فعالیت به عنوان دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در تهران برگزار کرد، فعالیت ایشان در این حوزه را

رئیس مرکز تبیان افغانستان روایت کرد

می‌دانست که حلقه مفقوده‌ی جهان اسلام چیست



گفت و گو

رایزنی با واتیکان برای تعامل دینی

آیت الله تسخیری همواره در رایزنی ها و دیدارهای خود برای ارتباط با ادیان دیگر و گشودن باب گفت و گو و همکاری با آنها ابتکار عمل به خرج می داد و معتقد بود که ملت ها، فرهنگ ها، ادیان و تمدن ها باید در فضایی توأم با تفاهم، احترام متقابل و اعتماد زندگی کنند. او در مسیر دور و درازش اهتمام می ورزید و بسیار تلاش می کرد. ما او را با این خصوصیات می شناسیم.

آیت الله تسخیری به گفت و گو و همکاری اسلام و مسیحیت نیز توجه ویژه ای می کرد و بدین منظور با واتیکان، شورای جهانی کلیساها و کلیساهای متعدد رایزنی می کرد که منجر به ایجاد فضایی آکنده از همکاری مثبت، ثمربخش و سازنده می شد. از نظر او ارزش های اخلاقی مشترک ادیان پایه و اساس محکمی برای همکاری آنها بود و در نوشتارها، گفتارها و دیدارهایش به ارزش های اخلاقی مرتبط با زندگی انسان و گفت و گوی ملت ها بسیار اهمیت می داد.

بدین ترتیب از آیت الله تسخیری یاد می کنیم تا رسالتی را که او به آن ایمان داشت و آن را اجرا می کرد، ادامه دهیم و باید گفت و گو و همکاری ادیان جزو اولویت ما باشد. احترام به او به معنای یادآوری ارزش های اخلاقی ای است که او به آنها ایمان داشت و اساس همه ادیان محسوب می شود و آنها را رکن ضروری روابط بین الملل می دانست. بنابراین شایسته است که آیت الله تسخیری در گفت و گوی ادیان الگو باشد.

جانلیق آرام اول

رهبان دینی ارمنه حوزه عالی سیلیسی لبنان

تا دنیای اسلام را با چالش بزرگی مواجه کند؛ چنانکه تقویت و ترویج افکار وهابیت و سلفیت و ایجاد گروه های تکفیری براساس این تفکرات از برنامه های درازمدت استکبار و در رأس آن آمریکاست.

چرا تا به امروز طرح تقریبی آیت الله تسخیری آن گونه که باید موفق نبوده است؟

دلیل موفق نشدن طرح تقریبی حضرت آیت الله تسخیری، که به دستور و راهنمایی رهبر انقلاب و ولی امر مسلمین، امام خامنه ای، اجرا شد، مواجهه با دو مانع بزرگ بود. یکی تلاش دشمن برای ناکامی آن؛ زیرا حربه زنگ زده استکبار ایجاد اختلاف میان پیروان مذاهب اسلامی است و طبعاً همان گونه که تاکنون از برنامه های سخت و نرم و گرم و سرد بهره می برد در زمان حیات آیت الله تسخیری نیز از این برنامه ها استفاده می کرد. دلیل دیگر نیز تفکرات و منش برخی به ظاهر عالم به ویژه در جوامع شیعی بود و من در جریان بودم که علمای شیعه چه موضعی علیه آیت الله تسخیری و برنامه های او داشتند و طبیعی است که نه تنها عده ای از علمای شیعی در ایران و عراق و سایر کشورها از این اقدام آیت الله تسخیری حمایت نمی کردند، بلکه موانعی را ایجاد می کردند و کمر به تخریب و تضعیف آن بسته بودند، به ویژه علمایی که عنوان و سمت رهبری شیعیان انگلیسی را یدک می کشند.

ولایت فقیه در اندیشه آیت الله تسخیری چه جایگاهی داشت؟

از آیت الله تسخیری می توان به عنوان یک فرد ولایی یاد کرد که تلاش برای موفقیت طرح تقریب را تکلیف خود می دانست که رهبرش، حضرت امام خامنه ای (مد ظله العالی)، به ایشان واگذار کرده بود؛ او برای اجرای این طرح به عنوان یک سرباز در این عرصه جنگید و شب و روز نداشت، از ملامت ملامت گران نمی ترسید و از کمبود امکانات هراسی نداشت و این تکلیف را همچون دستور قرآن با جان و دل پذیرا بود و برای اجرای آن تمام وجود مایه گذاشت.

چگونه دیدید؟

برگزاری مجالس سالانه تقریب در تهران کار بسیار دشواری به نظر می رسید و فکر می کنم پربارترین اجلاس ها در تهران با مدیریت ایشان برگزار شد و من بیشترین ارتباط و تعامل را با مجمع جهانی تقریب در زمان مدیریت ایشان داشتم.

فعالیت آیت الله تسخیری در تمام زمینه ها به سبب خلاقیت ایشان بود، مانند برگزاری مجمع سالیانه وحدت در تهران با حضور اندیشمندان شاخص دیگر کشورها و نیز حضور شخصیت های برجسته ایرانی در آن، به خصوص سخنرانی حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای در یکی از اجلاس ها که بنده در سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی حضور داشتم. البته مهم تر از این برگزاری نشست ها در دیگر کشورها از جمله افغانستان بود و جالب تر این بود که خودش نیز با داشتن کسالت در تمام اجلاس های خارج از ایران شرکت می کرد و حضور ایشان در کنفرانس های مختلف بین المللی را هم باید اضافه کرد.

برخورد آیت الله تسخیری با اهل سنت نه مثل برخورد ایشان با شیعیان بلکه گرم تر و صمیمانه تر بود و در تعامل با دیگران از ناب ترین سجایای اخلاقی بهره می برد و همین امر باعث شد که مجمع تقریب اسلامی نه فقط در جهان اسلام، بلکه در کل دنیا هم شناخته شود و هم تأثیر گذار باشد.

خلأ های پیش روی وحدت اسلامی به نظر شما چیست؟

مهمترین عاملی که باعث خلأ و حتی چالش در برابر گسترش و تعمیق اندیشه تقریبی می شود و حتی موانع جدی ای را ایجاد می کند، فقدان درک و شناخت متقابل پیروان مذاهب از همدیگر به دلیل نبود مطالعه دقیق متون و منابع طرفین و نیز نداشتن تحلیل درست از اوضاع و درک ضرورت تقریب در جوامع اسلامی است، در حالی که دشمن به درستی از این خلأ سود جسته و تاکنون بزرگترین ضربه ها را وارد و نه تنها موانع متعدد دیگری را بر سر راه گسترش و پیشرفت اندیشه تقریبی ایجاد کرده است، بلکه طرح های وسیعی را در دست دارد



برخورد آیت الله

تسخیری با اهل سنت نه

مثل برخورد

ایشان با

شیعیان

بلکه گرم تر

و صمیمانه تر

بود و در تعامل

با دیگران

از ناب ترین

سجایای

اخلاقی بهره

می برد

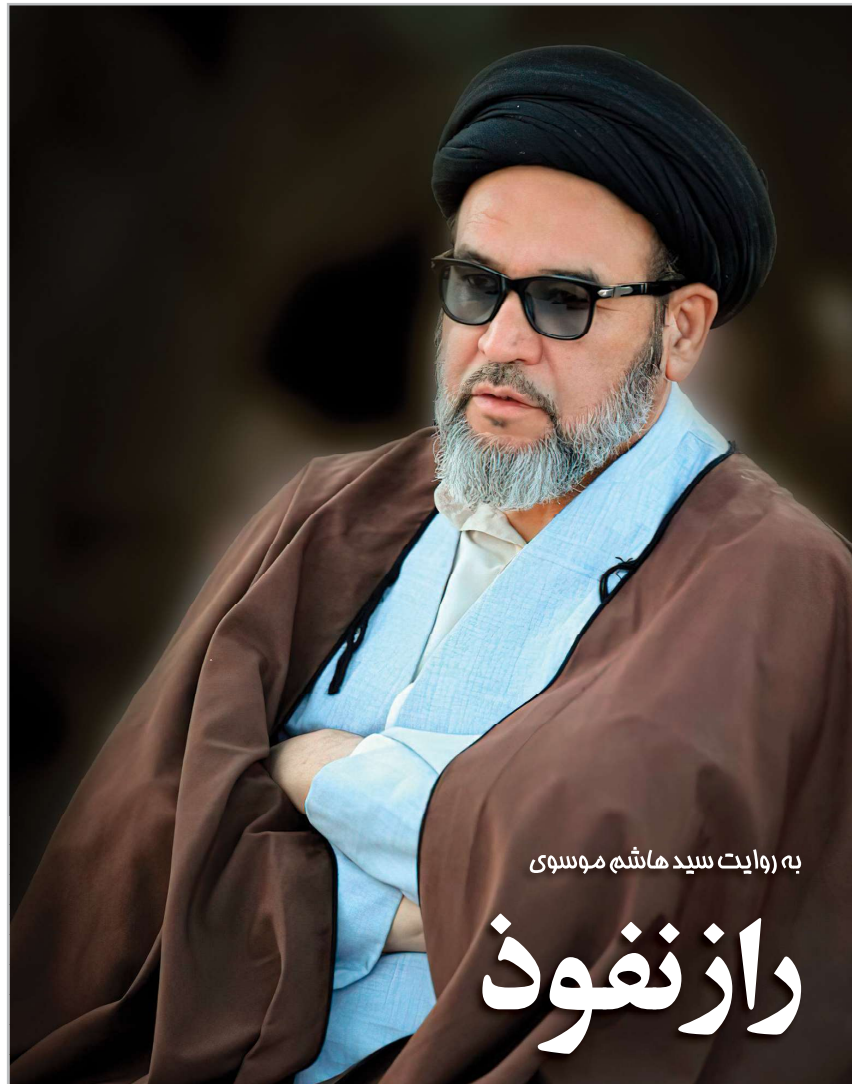
حزب وحدت مسلمین پاکستان که سید هاشم موسوی از اعضای آن است، دوم آگوست ۲۰۰۹ اعلام موجودیت کرد و دفتر مرکزی آن در اسلام آباد، پایتخت پاکستان است. مجلس وحدت مسلمین پاکستان از بزرگترین احزاب سیاسی در این کشور محسوب می شود و بر مبنای مکتب تشیع دوازده امامی تأسیس شده و به دنبال ایجاد یک دولت رفاه دموکراتیک اسلامی، با تأکید بر وحدت شیعه و سنی در این کشور است.

سید هاشم موسوی، نماینده مجلس وحدت مسلمین پاکستان و امام جمعه کویته، می گوید که از نظر آیت الله تسخیری کسانی عالم هستند که به منظور وحدت و تقریب بکوشند و دلیل نفوذ کلام مرحوم تسخیری نیز تلاش برای اتحاد مسلمانان بود، زیرا اتحاد شعاری بسیار پرمغز و زیباست که هر انسانی را جذب می کند.

وی تأکید می کند طبق دیدگاه مرحوم تسخیری، کسانی عالم اند که در راستای وحدت و تقریب بکوشند، چون به ویژه در زمان ما، که دشمنان قسم خورده اسلام برای محو این دین مبین صفارایی کرده اند، ضرورت دارد که مسلمانان با یکدیگر متحد باشند و کسی که این ضرورت را احساس نکند، حتی اگر از علم و دانش برخوردار باشد، علمش مضراست.

نظر تان را درباره شخصیت آیت الله تسخیری بیان کنید.

او یکی از یاران صمیمی حضرت امام خمینی (ره) بود که با زحمات شبانه روزی در راستای تحقق



به روایت سید هاشم موسوی

راز نفوذ

دیدگاه

حاضر همیشه مافیل تقریبی

رفعت سید احمد، مدیر مرکز مطالعات و تحقیقات یافا در قاهره دارای فوق لیسانس علوم سیاسی دین و حکومت و دکترای فلسفه علوم سیاسی است و به عنوان محقق و پژوهشگر علوم اسلامی تألیفات ارزنده ای دارد که بخشی از آن هادر حوزه تاریخ فلسطین و مقاومت به رشته تحریر در آمده است. وی درباره شخصیت علامه تسخیری می گوید: بیش از ۲۰ سال با آیت الله تسخیری آشنا بودم و در بزرگداشت انقلاب اسلامی ایران و سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) با ایشان در تهران دیدار کردم. همچنین در دفترشان و در نشست هایی که از سوی جمعی علمای مسلمان برگزار می شد با ایشان تعامل داشتم.

آیت الله تسخیری گشاده رو، خوش اخلاق، دوستدار مسلمانان و همه مذاهب بود و با لحنی بسیار آرام سخن می زد و همواره لبخندی زیبا بر لب داشت که موجب نزدیک شدن او به دیگران می شد. همچنین اندیشه ای درست و روشن داشت که بسیار تأثیر گذار بود. مهمترین دلیل تأثیر سخنان آیت الله تسخیری دقت نظر علمی ایشان در درک جامعه اسلامی بود. ایشان مهمترین مسئله ای را که باعث تفرقه سیاسی می شود و غرب از آن سوء استفاده می کند، مسئله شیعه و سنی می دانست و این مسئله را آشکارا مطرح کرد و وحدت اسلامی را خواستار شد.

به نظر آیت الله تسخیری گروه هایی که از اختلاف شیعه و سنی بهره می برند، استعمار غربی، رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا هستند. مهمترین سیاستی که ایشان بر آن تکیه می کرد، سیاست تقریب و نزدیکی قلب های مسلمانان بود تا بتوانند با دشمن

دیدگاه

منادی وحدت باشیوه‌ای قرآن پسند

در کنفرانس‌ها، اجتماعات و سفرهایی که به کشورهای مختلف داشتیم، آیت‌الله تسخیری را مخلص به اسلام و امت، بیدار، فهیم، درد آشنا و مجاهد یافتیم. متنفر از تفرقه و نفاق بود و همه تلاشش را در راه تحکیم برادری مسلمانان مبذول کرد. کشور به کشور، قاره به قاره، شهر به شهر، منبر به منبر، اجلاس به اجلاس و حوزه به حوزه می‌رفت و برای ایجاد اخوت و زدودن نفاق و اختلاف تلاش می‌کرد. از شیوه قرآن‌پسند، حکمت و موعظه حسنه استفاده می‌کرد. راه‌های اختلاف را می‌بست و دروازه‌های همدیگر‌پذیری و احترام را می‌گشود. باهل سنت صمیمانه و به دیده احترام رفتار می‌کرد. طرح وحدت گرایانه آیت‌الله تسخیری آن گونه که باید موفق نشد، زیرا برخی علما و افراط‌گرایان مذهبی با پررنگ نشان دادن اختلاف، برای محبوبیت خود نزد پیروانشان تلاش می‌کردند و دست‌های پلید و جهل عده‌ای از مذهبی‌ها نیز در این میان تأثیرگذار بود و برخی نیز این برادری را، برنتابیدند و راه برادری و اخوت را بستند.

مولوی حبیب‌الله حسام

رئیس شورای اخوت اسلامی افغانستان



آیت‌الله تسخیری شخصیتی مجتهد، داندنه قرآن و حدیث و آگاه به علوم عقلی و نقلی بود. توجه و زحمات او به منظور تقریب مذاهب و اتحاد مسلمانان از سایر تلاش‌هایش بارزتر است و باید مسلمانان به طور عام و علما به طور خاص او را الگو قرار دهند

کسانی را برجسته و مطرح کنند که بر طبل نفاق، دورویی، آدم‌کشی و ترویج خشونت می‌کوبند و آنان را تشویق می‌کنند و در مقابل، کسانی را که به اتحاد مسلمین و تقریب مذاهب علاقه‌مندند و در این باره فعال‌اند تضعیف می‌کنند تا به اهداف شومشان برسند.

چگونه اجتهاد، متفکر و نظریه‌پرداز بودن و خلافت آیت‌الله تسخیری سبب موفقیت او در عرصه بین‌الملل شد؟

اسلام به معنای سلم، سلامتی، امنیت و محبت است و در زمانی که منافع دشمنان اسلام و استکبار جهانی به خطر افتاده است، باید مجتهد حساسیت‌ها را درک و متفکر به مشکلات توجه کند و این مسائل را با اصل حفظ کيان دين در نظر بگیرد و جانش را نثار کند. بدین ترتیب آیت‌الله تسخیری این مسائل را دریافت و در سطح بین‌الملل فعالیت کرد و در پی زحمات او، اکنون ندای اتحاد و تقریب در دنیا شنیده می‌شود که نشانه تفکر، اجتهاد و عظمت فکری اوست.

با توجه به میراث آیت‌الله تسخیری، برای ادامه راه آن مرحوم باید بیشتر به کدام یک از ویژگی‌های ایشان توجه کرد؟

او شخصیتی مجتهد، قرآن و حدیث‌دان و آگاه به علوم عقلی و نقلی بود. توجه و زحمات او به منظور تقریب مذاهب و اتحاد مسلمانان از سایر تلاش‌هایش بارزتر است و باید مسلمانان به طور عام و علما به طور خاص او را الگو قرار دهند و برای یکپارچگی مسلمانان و تقریب مذاهب بکوشند.

اهداف امام (ره) و انقلاب گام برداشت، زیرا یکی از اهداف ارزشمند امام (ره)، وحدت امت اسلامی بود و آیت‌الله تسخیری در این باره نقش مؤثر و پررنگی را ایفا کرد.

راز محبوبیت و نفوذ کلام ایشان در جهان اسلام چه بود؟

راز نفوذ کلام او تلاش برای اتحاد مسلمانان بود که شعاری بسیار پرمغز و زیباست که هر انسانی را جذب می‌کند. علاوه بر این، او عالمی دینی، آشنا به فقه پیامبر (ص) و زیان‌شناس متبرک به قرآن و معارف اهل بیت (ع) بود.

چرا به نظر آیت‌الله تسخیری علما باید مسئولیت تقریب مذاهب را برعهده بگیرند؟

طبق دیدگاه او، کسانی عالم‌اند که در راستای وحدت و تقریب بکوشند، چون به ویژه در زمان ما، که دشمنان قسم‌خورده اسلام برای محو این دین مبین صف‌آرایی کرده‌اند، ضرورت دارد که مسلمانان با یکدیگر متحد باشند و کسی که این ضرورت را احساس نکند، حتی اگر از علم و دانش برخوردار باشد، علمش مضر است و چنین فردی در زمره عالمانی نیست که به نفع بشر گام بردارد.

چرا بسیاری از اندیشمندان طرفدار تقریب مذاهب به حاشیه رانده شده‌اند و فعالیت‌های آنان تضعیف شده است؟

چون دشمنان اسلام از این اتحاد رنج می‌برند و منافعشان به خطر افتاده است و سعی می‌کنند

واقعی مبارزه کنند و به سمت تفرقه و از هم گسیختگی، پیش نروند.

مهمترین امری که آیت‌الله تسخیری در سراسر زندگی خود در نگارش دهها کتاب، صدها مقاله و پژوهش و حضور در کنفرانس‌ها به آن اهمیت می‌داد، تقریب مذاهب به خصوص شیعه و سنی بود، هر جا سخن از تقریب به میان می‌آید، درباره آیت‌الله تسخیری نیز سخنانی بیان می‌شود و نام ایشان در این عرصه به یادگار ماند، چراکه او عملاً در دعوت به تقریب بسیار تأثیرگذار و صادق بود و سنی و شیعه، او را تصدیق می‌کردند.

زمانی که این مرد بزرگ سیاست‌های جهانی را مطالعه می‌کرد، دریافت که یکی از دلایل بزرگ تفرقه در میان مردم، اختلاف آنها در ادیان است، با وجود اینکه اصل ادیان مخالف جنگ و تنش و خواستار گفت و گو هستند. از این رو آیت‌الله تسخیری



محبت الاسلام والمسلمین طالب مسین خزرچی :

تقریب را تکلیف دینی می دانست

حجت الاسلام والمسلمین شیخ طالب حسین خزرچی، دبیر کل مرکز اسلامی برزیل، که در زمان حیات آیت الله محمد علی تسخیری سال های زیادی با او تعامل داشت، مرحوم تسخیری را یک شخصیت جهانی توصیف کرد و گفت: او همواره در برزیل دغدغه مسائل اسلامی را داشت و روند فعالیت های اسلامی در این کشور را از ماحوایمی شد.

ابتدا نظر خود را درباره شخصیت مرحوم

آیت الله محمد علی تسخیری بیان کنید؟

او از جمله شخصیت های جهانی و دارای اخلاق والا، آرامشی خاص و رقت قلب بود و دچار انفعال نمی شد و از یک توشه فرهنگی و اسلامی شامل افکار دینی، عقاید، فرهنگ ها و عادات امت ها برخوردار بود. در امت اسلامی افراد کمی چنین شخصیتی داشته اند؛ شخصیتی که منحصربه فرد، مؤمن، متقی، عابد و بسیار زاهد باشد. آیت الله تسخیری در کار خود اخلاص داشت و در سخنانش بسیار صادق بود. وقتی صحبت می کرد، از جان و دل سخن می گفت. دغدغه اش این بود که چگونه این امت متفرق شده و چگونه استکبار جهانی از نقطه ضعف های آن سوء استفاده کرده است. بسیار علاقه مند بود که تقریب رخ دهد و امت اسلامی به هم نزدیک شود.

فلسفه تقریب مذاهب اسلامی را از دیدگاه

آیت الله تسخیری چگونه ارزیابی می کنید؟

او شخصیتی ممتاز بود، حتی زمانی که دچار بیماری شده بود و درد داشت برزیل را رها نکرد و در اوج بیماری و با وجود دوری راه به این کشور آمد. تقریب مذاهب از نظر او مانند نماز و روزه واجب بود و با اینکه بدن ضعیفی داشت اما همتش موجب

می شد که کارها پیش برود. آیت الله تسخیری از جمله شخصیت هایی بود که اگر در سازمان کوچکی منصب ناچیزی به او داده می شد، آن پست و سازمان را بزرگ می کرد. فلسفه تقریب برای او به منزله واجب دینی و یک کار محمدی، علوی، فاطمی، حسینی و امام صادقی بود و آن را بر اساس شیوه اهل بیت (ع) پیش می برد و من هرگز او را ناراحت یا خسته ندیدم. مجمع جهانی اهل بیت (ع)، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ثمره تلاش های اوست. بسیار با فرهنگ، عالم، آگاه از اتفاقات جهان، نویسنده و مترجم بود و میراث بر جای مانده از او یک ذخیره به شمار می رود.

چه چیزی موجب شد که مرحوم تسخیری گفت و گوی ادیان را به طور گسترده مطرح کند؟

گفت و گوی ادیان در قیاس با تقریب مذاهب دامنه گسترده تری دارد. تقریب مذاهب به داخل خانه اسلام مربوط می شود اما گفت و گوی ادیان دایره بزرگتری را در بر می گیرد. مرحوم تسخیری بر اساس این واجب دینی که باید دیگران را در تعامل و رفتار اجتماعی انسان دانست، عمل می کرد، زیرا همه مادران انسانیت مشترکیم.



فلسفه تقریب

برای او به

منزله واجب

دینی و یک

کار محمدی،

علوی،

فاطمی،

حسینی و

امام صادقی

بود و آن را

بر اساس

شیوه اهل

بیت (ع) پیش

می برد و من

هرگز او را

ناراحت یا

خسته ندیدم

گفت و گوی پیروان ادیان آسمانی اهمیت فراوانی دارد، زیرا دوری آنها از یکدیگر می تواند آثار بدی را در جوامع بر جای بگذارد. همچنین، شیوه اهل بیت (ع) و رسول خدا (ص) این بود که با مسیحیان و یهودیان دیدار و گفت و گوی کردند و این یک سنت فرهنگی اسلامی است. دشمنان انسانیت دوست دارند که همه از هم دور باشند اما آقای تسخیری به شیوه امام علی (ع) رفتار کرد.

چه موانعی بر سر راه تقریب وجود دارد؟

در طول سال های گذشته برای حفظ وحدت مسائل بسیاری در نشست های علمای امت، فرهیختگان، اندیشمندان و نویسندگان مطرح شده است، اما این افراد درصد کمی از جامعه خودشان را تشکیل می دهند و در کشور خود قدرت تصمیم گیری ندارند. آنان در کشورهای خود صاحب نفوذ نیستند و این تصمیمات در کشورها اجرایی نمی شود. بنابراین این مورد مشکل بزرگی در راه تحقق وحدت محسوب می شود.

برگزاری نشست ها و دیدارهای تقریبی ارزشمند است و خداوند جمهوری اسلامی ایران را در این راه حفظ کند، اما بر سر راه اجرای تصمیم هایی که در این نشست ها اتخاذ می شود مشکلات



او معتقد بود
که مراکز
تشیع باید
به مراکز
نشر محبت
اهل بیت (ع)
تبدیل شوند
و به من
می گفت
که باید
افکار و محبت
اهل بیت (ع)
را نشر دهید



در پایان اگر خاطره ای از ایشان دارید بگویید.
خاطرات بسیار خوبی با آقای تسخیری دارم. من او را به عنوان یک عالم، استاد، مربی و مرجع می شناختم. گاه در مورد برخی مشکلات با ایشان درد دل می کردم اما او هرگز از مسائل و مشکلات دوری یا فرار نمی کرد، بلکه می کوشید تا راه حلی را ارائه دهد و به منزله برادر بزرگی بود که از قدیم الایام و از نجف با هم در ارتباط بودیم. آیت الله تسخیری ارتباط بسیاری با مؤسسات و مراکز اسلامی آفریقا داشت. زمانی که مسئول سازمان تبلیغات اسلامی بود، در سال ۱۹۸۵ از من خواست که به همراه خانواده به مؤسسه «بلال مسلم میشن» وابسته به مجمع شیعیان «خوجه اثنی عشری» در آفریقا بروم. من به آنجا رفتم و بعد از یکی دو سال برگشتم. در سال ۱۹۸۹ از من خواست که به برزیل بروم و گفت که اگر شرایط آنجا خوب بود، همان جا بمان و من از آن سال تا کنون در برزیل هستم. او معتقد بود که مراکز تشیع باید به مراکز نشر محبت اهل بیت (ع) تبدیل شوند و به من می گفت که باید افکار و محبت اهل بیت (ع) را نشر دهید. هر بار که مرا می دید از من می پرسید که چه فعالیتی دارید؟ وضعیت مراکز اسلامی در برزیل چگونه است؟ من هم مشکلات را می گفتم و نظر ایشان را بیان می کردند.

متحد شوند و بر اساس قاعده تفرقه بینداز و حکومت کن رفتار می کند. بنابراین سیاست های استعماری در راستای تفرقه انگیزی میان مسلمانان پیش می رود، در حالی که با وجود اتحاد، قدرت هم شکل می گیرد. از طرف دیگر برخی علما، عالمان تقریب را دوست ندارند و به آنها اتهام می زنند، زیرا نمی خواهند صدای آنها به گوش مردم برسد. خدا رحمت کند شیخ تسخیری را که چقدر تحمل کرد. چقدر علیه او صحبت کردند و حتی او را کافر خواندند اما او بسیار تلاش کرد تا پرچم اسلام را بالا نگه دارد.

او فرزند نجف اشرف بود و در کوچه پس کوچه های نجف با مفاهیم مکتب امام علی (ع) بزرگ شد. او شاگرد سید محمد باقر صدر بود. البته هر کسی که بخواهد در راه وحدت قدم بردارد باید خود را قربانی کند. برای آیت الله تسخیری اصلاً شخصیت خودش مهم نبود، بلکه او فقط به اسلام و قدرت آن اهمیت می داد و به هیچ یک از سنگ اندازی ها و موانعی که بر سر راه او قرار می گرفت توجه نمی کرد، در حالی که برخی علما اگر مورد اتهام قرار بگیرند، ناراحت و منزوی می شوند، اما آقای تسخیری هرگز به این سخنان اهمیت نداد و بسیار در این راه صبور بود.

بسیاری وجود دارد. بسیاری جوامع از اصول تقریب بی خبرند و متأسفانه برخی گروه های مسلمان نه تنها نمی گذارند که این تصمیمات در کشورشان مطرح شود، بلکه علیه آن فعالیت می کنند و دوست ندارند که تقریب در میان مسلمانان مطرح شود. مانع دیگر بر سر راه تقریب جهل مردم است. همچنین دشمنان اسلام علاقه فراوانی دارند که همیشه میان مسلمانان دشمنی وجود داشته باشد. امام خمینی (ره) فرمود: کسی که می خواهد میان مسلمانان دشمنی ایجاد کند مسلمان نیست، خواه شیعه باشد و خواه سنی. برخی خود را به طاغوت ها و سازمان های اطلاعاتی بین المللی فروخته اند. آنان در حال اجرای اهداف دشمنان اسلام هستند. البته این اقدامات بر علما و اندیشمندان تأثیری ندارد، بلکه بر مردم و جامعه اسلامی، که در اکثریت هستند، تأثیر می گذارد.

چه چیزی باعث شد که آیت الله تسخیری با وجود اینکه در مسیر رسیدن به اهدافش مخالفانی داشت و حتی به طرفداری از ایران و شیعه متهم شد، از پیمودن راه تقریب و وحدت اسلامی خسته نشود؟
استکبار جهانی نمی خواهد که مسلمانان با یکدیگر



تبیین عقلانی اصل اسلامی «لا اکراه فی الدین»

مجمع وحدت اسلامی عراق وامدار اوست

سابقه ارتباط حجت الاسلام سید علی العلق، دبیر کل مجمع وحدت اسلامی عراق با آیت الله تسخیری به سال ۱۹۸۰ بازمی گردد؛ زمانی که با هم در حزب دعوت اسلامی عراق فعالیت داشتند، وی معتقد است که مرحوم تسخیری فقیهی عالیقدر و اندیشمندی بزرگ بود و شخصیتی کارزماتیک داشت. العلق این گونه بر ایمان روایت کرد: آیت الله تسخیری با گشاده رویی کلام دیگران را تصدیق می کرد و در برابر آنان تواضع به خرج می داد. همین امر سبب نفوذ او در دل های دیگران و زمینه ساز پذیرش اندیشه اش شد.

شیخ تقریب در حمایت از مهاجران عراقی، که از ظلم نظام طاغوت گریخته بودند و ایران در فراهم کردن شرایط مناسب برای اقامت آنها نقش در خوری داشت، بسیار می کوشید. همچنین، از فعالیت اسلامی و جهادی علیه حزب جنایتکار بعث حمایت و مجاهدان عراقی را برای مقابله با تجاوز صدام علیه ایران بسیج می کرد و به برادران خود محبت می ورزید. علاوه بر این، او در تأسیس مدارس حوزوی در شهر مقدس قم برای طلاب عرب زبان و انتشار نخستین مجله عربی درباره کودکان مسلمان نقش بسزایی داشت و از حامیان سرسخت ولی فقیه و نظام جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و سپس حضرت آیت الله خامنه ای (دام ظلّه) بود. او به فعالیتش در راستای آگاهی اسلامی، ایمان راسخی داشت و روشش در ارائه افکار و مفاهیم عمیق اسلامی جذاب بود که سبب موفقیت طرح تبلیغی اش شد.

تأثیر پذیری از قرآن و سیره اهل بیت (ع)
آیت الله تسخیری در نقد اندیشه دیگران از روش استادش، شهید سید محمد باقر صدر، بهره می گرفت و تألیفاتش عمیق و متأثر از قرآن بود و برای دعوت به خدا از سیره اهل بیت (ع) استفاده می کرد. وجود او مملو از عشق به اسلام، وحدت مسلمانان و مقابله با فرقه گرایی بود و برای تقویت بنیان امت اسلامی، دفع خطر تفرقه در جهان اسلام و شکست نقشه های دشمنان در ایجاد اختلافات فکری و عقیدتی، رسالت تقریب را به دوش کشید، چرا که دشمنان در صدد بودند که از پیشرفت امت اسلامی جلوگیری کنند و مسلمانان را به جنگ و درگیری داخلی مشغول سازند تا در برابر بیگانگان سرفروا آورند. همچنین، او در برگزاری بسیاری از نشست ها و کنفرانس هادر جهان اسلام نقش پررنگی داشت و طرح های تقریبی ارائه می داد و نزد شخصیت های

گرا نقدر مذاهب اسلامی در سایر کشورها محترم بود. آیت الله تسخیری از مشترکات ادیان همچون عدالت، حقوق بشر و تسامح ادیان آسمانی به گفت و گوی ادیان رسید و پایه های روابط انسانی میان اندیشمندان دینی را مستحکم کرد و نیز برای تحقق صلح جهانی، آزادی دین و تحکیم پایه های همزیستی میان پیروان ادیان کوشید و اصل اسلامی «لا اکراه فی الدین» عدم اجبار در پذیرش دین را بر اساس احترام به عقل انسان و آزادی اندیشه تبیین کرد و بر دیدگاه اسلام درباره حمایت از اقلیت های دینی و احترام به حقوق شهروندی آنها، به این شرط که به قوانین کشور اسلامی پایبند باشند، تأکید می کرد.

اشاعه مفهوم گفت و گوی تمدن ها

زمانی که دولت های استکباری بر اساس منافع سیاسی و گرایش شخصی عمل می کردند و برای ایجاد درگیری دینی در جوامع می کوشیدند و پس از آنکه غرب مفهوم درگیری تمدن ها را به جای گفت و گوی تمدن ها مطرح کرد، آیت الله تسخیری به همراه گروهی از اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان در تبیین مفهوم گفت و گوی تمدن ها و آثار مهم آن در تحقق صلح جهانی و نیز ضرورت از بین بردن جنگ میان ملت ها و تشریح عواقب خطرناک آن سهم قابل توجهی داشت.



آیت الله

تسخیری در

نقد اندیشه

دیگران

از روش

استادش،

شهید

سید محمد

باقر صدر،

بهره می گرفت

و تألیفاتش

عمیق و متأثر

از قرآن بود و

برای دعوت به

خدا از سیره

اهل بیت (ع)

استفاده

می کرد

آیت الله تسخیری بار اصلی تقریب مذاهب را برعهده علما نهاد و آنان را وارثان انبیا، سازنده نسل آینده و آگاه به اصول تقریب می دانست، زیرا علما بیشترین تخصص را در بررسی دین اسلام، قرآن و شریعت و نیز بیشترین تأثیر را برای دفاع از منافع والای امت اسلامی دارند. همچنین، او سربازی بود که در صحنه دفاع از اسلام حضور یافت و به شهات دشمنان پاسخ داد و در مجامع علمی و کنفرانس های بین المللی حامل پیام اسلام، اهداف و سیاست های آن برای خدمت به امت اسلامی بود. سخن گفتن از خدمات آیت الله تسخیری و تلاش های بی وقفه اش در این مجال نمی گنجد و سخنان را با ستایش نقش مهم او در حمایت از تقریب در عراق به پایان می برم، چرا که «مجمع وحدت اسلامی عراق» را با هدف تقریب مذاهب اسلامی تأسیس کردیم و او با پشتیبانی دفتر حضرت آیت الله خامنه ای یکی از حامیان اصلی ما بود.

سراج

ویژه‌نامه
سالگرد مرحوم
آیت الله محمدعلی تسخیری

تفسیری که
چراغ راه شد



گزارشی از اثری قرآنی به قلم مرحوم آیت الله تسخیری

حول القرآن مقالات ومحاضرات

«قرآن، کتاب هدایت و شعله فروزان معرفت و راهنمای انسان برای یک زندگی جاودانه است. قرآن کتاب راهنمای چگونه زیستن است و چگونگی رفتار را در مقابل خداوند و تعامل با دیگر انسان ها به پیروان و علاقمندان آموزش می دهد. بی شک زندگی حقیقی و حیات طیبه در پرتو عمل به دستور ها و رهنمود های این کتاب شکل گرفته و رستگاری انسان را در دو جهان تضمین می کند. از این رو با توجه به نقش هدایتی و تربیتی این کتاب به میزانی که انسان آموز ها و دستور های قرآن را مورد عنایت قرار دهد، به موفقیت رسیده و هر آینه اگر بدان بی اعتنائی کند، زبان و خسران خواهد دید. قرآن به مامی آموز د که زندگی را بر اساس عفو، عدالت، انسانیت، احسان و صداقت برنامه ریزی کنیم تا به رستگاری در دو جهان نائل آییم.»

آیت الله تسخیری در مقدمه کتاب ارزشمند «حول القرآن مقالات و محاضرات» - که با تدوین و تنظیم آقای تحسین البدری منتشر شده است - به نقش تربیتی فردی و اجتماعی قرآن اشاره کرده و نمونه هایی را بر شمرده است.

آیت الله تسخیری در فصل نخست با عنوان «مقدمه بر علم قرآن» فصل اول: مقدمه ای بر علوم در قرآن، نخست به تعریف علم پرداخته و سپس به روند تلاش های قرآنی اشاره می کند. ایشان در ادامه به شماری از ویژگی های عام قرآنی از جمله اسمای قرآن و اینکه چرا قرآن احسن الحدیث شمرده شده و دلایل فضیلت قرآن بر دیگر کتب، ارزش و جایگاه آن کتاب در هر عصر و زمان و ویژگی شفافیت قرآن کریم، برخی اخبار غیبی در آن کتاب آسمانی و فضیلت تمسک و چنگ زدن به دامن قرآن، اشاره کرده و در باب هر یک مطالب آگاهی بخش و گاه بدیعی ارائه می نماید.

در فصل دوم، مولف محترم به تاریخ قرآن، نزول دفعی و تدریجی قرآن بر قلب حضرت ختمی مرتبت، ویژگی های نزول قرآن و چپستی نزول آیات پرداخته و در مورد هر یک توضیح داده است. در فصل سوم، مولف اندیشمند و صاحب نظر به موضوع تفاوت آیات مکی و مدنی، رویکردهای سه گانه در تفسیر آیات مکی و مدنی، شیوه شناخت آیات مکی از مدنی و اهمیت هر یک، شبیه مکی یا مدنی بودن آیات و تفاوت های آنها سخن گفته است.

در فصل چهارم ایشان به حکمت و فلسفه آیات متشابه و محکم در قرآن و اهمیت هر یک و اندیشه های مفسران در آن باب اعجاز در قرآن و ارزش و جایگاه آن، قرآن در برگزیده کلیت امور بوده و به تفصیل نمی پردازد، کلیت گرایی و احیاناً پردازش جزئیات سخن رفته است. در این جستار مولف اندیشمند درباره آیات محکم و متشابه و ارائه مفهوم اصطلاحی آنها در علوم قرآنی مطالبی را آورده است که برای پژوهشگران علوم قرآنی بسیار ارزشمند و ضروری است. وی ضمن اشاره به آیات محکم و متشابه، به تفاوت های هر یک اشاره کرده و جایگاه ارزشمند و خدشه ناپذیر آنها را در قرآن آشکار کرده است.

در فصل پنجم به قرآن به عنوان کتابی که از تحریف و دستبرد مصون مانده، اشاره شده است و در اهمیت آن به پاره ای مسائل اشاره شده است. در فصل ششم به روایت درباره قرآن در اصول کافی، نقش تربیتی آن کتاب در زندگی مسلمانان، گسترش و افزایش دایره فهم پیروان و تحریف قرآن از منظر شیخ

آیت الله
تسخیری در
مقدمه کتاب
ارزشمند
«حول القرآن
مقالات و
محاضرات»
به نقش
تربیتی فردی
و اجتماعی
قرآن اشاره
کرده و
نمونه هایی
را بر شمرده
است. این
کتاب
مباحثی
پیرامون
قرآن است
که در یک
مقدمه و دو
بخش سامان
یافته است

قرآن کریم نیز همین است.

به باور آیت الله تسخیری: قرآن کریم عالی ترین سند اسلام ریسمان محکم الهی در زمین است و نقش موثر در تربیت فرد و جامعه دارد. قرآن در واقع ابر رحمت الهی است که بر دل های انسان ها نازل شده و بذر ترکیه، علم و تقوا را که خداوند در نهاد انسان به ودیعه نهاده و آبیاری می کند. قرآن با کلمات و گفتار متین و مقدس خود نور هدایت و تربیت الهی را بر دل انسان می تاباند؛ قرآن وسیله تقرب به بارگاه الهی است و اگر تدبیر لازم در آن صورت پذیرد در جهت جذب انسان ها و به ویژه دل های بیدار و مستعد جوانان و نوجوانان به سوی تربیت اسلامی خواهد بود. قرآن سلاح کارآمد تربیتی است که عمل به فحوائ آن می تواند رستگاری آدمیان را تضمین و تامین کند.

در باره «المختصر المفید»

تفسیری معقول و اجتهادی

واقعیت این است که قرن پانزدهم هجری قمری، قرن شکوفایی اسلام در اندیشه و رزی و تالیف مجموعه ای از کتب مناسب با نیازهای زمانه، جوامع اسلامی و جهان است. آغاز این قرن با پیدایش و پیروزی انقلاب اسلامی همراه بوده و ادامه آن نیز تحولات و رخداد های بسیار به همراه داشت که بر تحولات فرهنگی، دینی و اجتماعی عصر حاضر موثر بوده است. در این قرن کتب بسیاری از سوی علمای اسلامی و اندیشمندان مسلمان، پژوهشگران غیر مسلمان و حتی دشمنان اسلام نگاشته شده که در جهان اسلام به پیدایش جنبش بیداری اسلامی و در جهان به پذیرش جایگاه و اهمیت آیین اسلام منجر گردیده است. از جمله کتبی که در یک قرن اخیر بدان عنایت بسیار شده، ارائه تفسیر از قرآن است. خوشبختانه در عصر حاضر در سیر تطور تفسیر، تحولات بس مهم فکری و فرهنگی پدید آمده است که هر کدام از این تحولات در مقطع خود نشان دهنده شرایط فرهنگی حاکم بر زمان مفسران و برخورد آنها با واقعیات و دشواری های زمانه بوده و در رفع مشکلات جوامع اسلامی راه گشا و سودمند بوده است. در دوران معاصر، اندیشمندان جوامع اسلامی با یکدیگر آشنایی و پیوند بیشتری پیدا کرده است و همین امر



کلینی پرداخته شده است. فصل هفتم این بخش به بررسی وحی و اعجاز در قرآن، شرق شناسی و پیوند آن با مطالعه قرآن و دین اسلام، شرق شناسی و دشواری های فهم قرآن، دلایل اشتباهات شرق شناسان و نتایج آن اشتباهات اختصاص یافته است. به باور آیت الله تسخیری، قرآن برای آن نازل شده است که اخلاق انسانی را ارتقا بخشد، نیایش را که هدف از خلقت در آن نهفته است، در آدمی نهادینه کند.

در بخش دوم آیت الله تسخیری به موضوع تفسیر قرآن و خصوصیات آن علم اشاره کرده و به بررسی انواع تفاسیر و اهداف مفسران پرداخته و در مورد هر یک توضیحاتی متوسط ارائه داده است. در فصل دوم این بخش، نویسندگان جمعند نمونه هایی از تفاسیر را ذکر کرده و در مورد اهمیت و جایگاه آنها و برخی موارد مهم در قرآن از جمله حقوق والدین، خصوصیات گفتگو با علما و اندیشمندان، رسالت و وظایف انبیاء، نگاه برخی از ادیبان ادب به بلاغت و فصاحت قرآن و برخی دیگر موضوعات مصداقی اشاره شده و درباره هر یک سخن به

میان آمده است. در این بخش هم چنین به روابط بین الملل از دید قرآن، روابط با دیگران و قانون اساسی و جایگاه آن از نظر قرآن اشاره رفته است. ایشان در این کتاب به محکم و متشابه اشاره کرده و نظریه بسیار جالبی را مطرح می سازد که در آثار دیگر کمتر بدان اشاره شده است.

قرآن کریم در پی بیان مفاهیم والایی از جهان غیب بر می آید و آن را به درک و فهم مردم نزدیک می سازد و در عین حال درک و فهم مردم را ناتوان از دریافت مستقیم مطلب می یابد. به شیوه تشبیه متوسل می گردد؛ ولی از آنجا که تشبیه هم عامل سازنده و مثبتی در نزدیک سازی معناست و هم به دلیل تداخل معانی میان تشبیه و تشبیه به، عاملی منفی به شمار می آید، در آیات شریفه قرآن بر ایده ارجاع متشابهات به آیات حکماتی تکیه می شود که هیچ دلالت گمانی در آن راه ندارد و بدین ترتیب، روند تشبیه، نقش نزدیک ساز خود را بی آنکه انحراف و تصور منحرفان مطرح گردد ایفا می کند؛ احتمالاً مهم ترین تحلیل در خصوص ایده وجود «محکم و متشابه» در



آیت الله

تسخیری

برای تألیف

المختصر

بیشترین

تلاش را

انجام داد، ما

هفت هشت

تفسیر بزرگ

را جلوی خود

باز می کردیم

و تفسیر

هر آیه را در

این تفاسیر

می خواندیم.

بعد با توافق

با هم آیه

را تفسیر

می کردیم

بر اندیشه و آثار آنها تأثیر گذارده است. پیش از این مفسران عمدتاً نگاه کتابخانه‌ای به آیات قرآن داشته‌اند و قصد و غرض آنها روشنگری از نکات مبهم و پیچیده آیات قرآنی با نگاهی فرد گرایانه و نه چندان مرتبط با امور اجتماعی و سیاسی بوده است. در این رویکرد حتی اگر آموزه‌ها و احکام دینی را از قرآن می‌جستند، عمدتاً از این منظر بود که وظیفه فرد چیست و چه باید بیندیشد و چگونه عمل کند که رضای خداوند متعال و دوری از آتش دوزخ را به همراه داشته باشد.

از این رو در تفسیر موضوعاتی که به مسائل جوامع در سطح کلان عنایت داشته و راه حل ارائه دهد، کمتر مشهود بود؛ از جمله مقوله‌هایی چون جایگاه زنان، آزادی، عدالت اجتماعی، توسعه و پیشرفت، فلسفه، تاریخ، علل عقب ماندگی مسلمانان، مبارزه با استبداد، مبارزه با انحطاط، فقر و فساد اجتماعی، علیرغم نیاز جوامع اسلامی در تفسیرها راهی نداشتند و عنایت لازم بدانها مبذول نمی‌شد. این بدان دلیل بود که رویکرد اصلی تفسیر عنایت و تمرکز بر آخرت‌گرایی مفسران بود و برای مسائل مادی اهمیت چندانی قائل نبودند. اما دشواریهای زمانه و عقب افتادگی جوامع اسلامی موجب گردید که اندیشمندان و علمای متعهد با دیدی کاربردی به قرآن رجوع کرده، از آن همچون چراغ روشنایی بخش و همواره کننده راه انسان در این جهان و در پیوند با افراد و جامعه بهره ببرند و چاره دردها و نگرانی‌های خود را از آن بجویند.

در این میان تفسیر گرانسنگ «المختصر المفید» شایسته ذکر و تامل است. این کتاب اثر مشترک آیت الله محمد علی تسخیری و حجت الاسلام والمسلمین محمد سعید نعمانی است. این تفسیر گرانسنگ که تمامی قرآن را دربر می‌گیرد، به زبان عربی و در سه جلد توسط دو تن از شاگردان برجسته آیت الله شهید صدر نگاشته شده است. به گفته نویسندگان، هدف از نگارش این کتاب، ارائه تفسیری مشتمل بر مسائل عقیدتی، اجتماعی و فکری آیین اسلام با استفاده از دستاوردهای عصر حاضر است و تعالیم آن شهید بزرگوار در سراسر کتاب جاری و ساری است. این تفسیر در آغاز در مجله «التوحید الاسلامی» نشریه سازمان

تبلیغات اسلامی به چاپ رسید، سپس توسط مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به صورت کتاب در سال ۱۳۷۱ ش/ ۱۹۹۲ م چاپ و منتشر شد.

از آنجا که رویکرد مولفان، ارائه تفسیری مجمل و در عین حال پویا بوده، نویسندگان راهی میانه تفسیر و ترجمه را برگزیده و در نکات توضیحی به فشرده‌گی، مناسبت و همبستگی مطالب عنایت داشته‌اند. با توجه به تسلط کامل نویسندگان به زبان عربی، علوم قرآنی و نیازهای زمانه جوامع اسلامی، آنها تلاش کرده‌اند در تفسیر آیات به جنبه تربیتی و هدایتی قرآن در پیوند با دشواری‌های زندگی اجتماعی و حوادث زمانه نظر داشته، با افزودن روایات و احادیث اهل بیت (ع) بر غنا و روشنی مطلب بیفزایند. نویسندگان در مقدمه آورده‌اند که بنا به گفته پیامبر و غیر قابل انکار بودن حدیث ثقلین، قرآن و اهل بیت (ع) دو منبع لایزال و قابل اتکا بوده و فهم قرآن و بسیاری از امور دینی بدون درک کلام ائمه و مراجعه به آنها میسر و متصور نیست؛ چنانکه در مقدمه خود آورده‌اند: بسم الله هر سوره جزوی از آن سوره و در پیوند مستقیم با همان آیات است. این دو ویژگی رویکرد ویژه مذهبی مولفان را آشکار ساخته، بر غنای کتاب می‌افزاید.

در المختصر المفید به دشواری‌های زندگی مسلمانان نیز اشاره شده و راه حل‌های قرآنی نیز ارائه گردیده است. تحولات و پیشرفت‌های حاصله در این قرن موجب شد که اندیشمندان و علمای بزرگ اسلام به ارزیابی و مقایسه جوامع اسلامی و دیگر کشورها برآمده و به درک کاستی‌ها و رفع آنها نائل آیند. این نگرش به پذیرش طرح بازگشت به قرآن و فهم عمیق آموزه‌های دینی منجر شده و تحولات شگفت و موثری را در زمینه‌های نظری و عملی پدید آورد در این راستا کتاب‌های تفسیری بسیاری در دنیای اسلام از سوی علمای بزرگ اسلامی نگاشته شد و جنبش بازگشت به قرآن اهمیت بیشتری یافت. تفسیر مختصر و مفید نیز از آن شمار است که هدف از آن، علاوه بر جلب رضایت الهی، ارتقا و بهبود شرایط مردم مسلمان و ترغیب آنها به رجوع به قرآن نیل به عدالت اقتصادی و دیگر خواسته‌های دنیوی و نیازهای اجتماعی براساس موازین شرعی

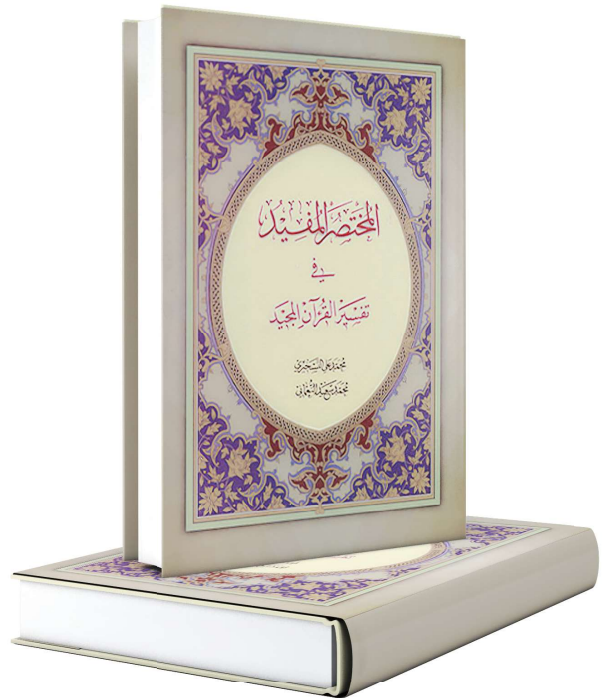
و آموزه‌های الهی بود. در سراسر این تفسیر، عنایت به برقراری حکومت دینی به عنوان راه حل اصیل و یگانه رفع مشکلات مسلمانان مشاهده می‌شود.

در این تفسیر دو گرایش بیش از همه چشمگیر است: نخست اتکای به عقل و معارف اهل بیت در فهم قرآن و دیگری، تلاش برای ایجاد نوعی همگرایی بین قرآن و مولفه‌های جدید زندگی. تلاش نویسندگان در تفسیر خود اولویت بخشی به اصلاح جامعه و تربیت جوانان مسلمان براساس آموزه‌های دینی بوده است. از آنجا که نویسندگان از پرورش یافتگان مکتب اهل بیت (ع) بوده، به حقانیت و اصالت بنیادهای فکری آن اعتقاد راسخ دارند، از این رو در این تفسیر شیعی ضمن تعامل و تعاطی همه جانبه با تفاسیر اهل سنت تلاش کرده‌اند با بهره‌مندی از معارف اهل بیت (ع) امتیاز تمسک به آن بزرگواران را به خواننده غیر شیعه یادآور شوند و بدین وسیله هویت فکری، مذهبی، عقلائی و استدلالی فقه شیعه را آشکار سازند. با این همه آنها به پیروی از اهل بیت (ع) به همگرایی امت اسلامی نظر داشته و برای تقریب مذاهب، اهمیت بسیار قائل شده‌اند. از این رو مشاهده می‌شود که در این کتاب ضمن تاکید و تصریح بر اصول، سطح مبادلات کلامی و گفتگوی مذهبی ارتقا یافته و از دایره‌های مذهبی و تعصبات خشک فرقه‌ای اجتناب شده است. از این رو می‌توان گفت که تفسیر مختصر و مفید را رویکرد تقریبی نگاشته شده و در آن زمینه نیز موثر واقع گشته است.

یکی از ویژگی‌های این تفسیر آن است که نخست به بازگویی کلیاتی از محتوا و پیام سوره پرداخته و سپس واژه‌های کلیدی و مشکل مورد بررسی قرار گرفته است و در خلال تفسیر آیات برخی نکته‌های ادبی و استفاده‌های اجتماعی و تربیتی نیز عنوان شده است. از ویژگی‌های دیگر این تفسیر روشمندی، استناد به منابع، ارجاع مطالب و تهیه فهرست‌های متنوع است که برای خواننده پژوهشگر بسیار راهگشا بوده و به دیگر خوانندگان نیز این اطمینان را می‌دهد که نویسندگان از بسیاری از منابع اصیل و ارزشمند بهره برده‌اند. یکی از ابعاد چشمگیر تفسیر مختصر و مفید علیرغم کم حجم بودن



**تفسیر
«المختصر
المفید» اثر
مشترک آیت الله
محمد علی
تسخیری و
حجت الاسلام
والمسلمین
محمد سعید
نعمانی است.
این تفسیر
گرانسنگ که
تمامی قرآن را
دربر می‌گیرد،
به زبان عربی
و در سه جلد
توسط دو تن
از شاگردان
برجسته آیت الله
شهید صدر
نگاشته شده
است**



آن، جامعیت آن است. این ویژگی از اندیشه و گرایش های اجتماعی نویسندگان و عنایت آنها به مسائل جهان اسلام سرچشمه می گیرد. در این تفسیر به مباحثی مانند آموزش، عدالت اجتماعی، حکومت، آزادی، رفع فقر، نظم اجتماعی، مشکلات امت اسلامی، علل عقب ماندگی مسلمانان، حقوق زن و مباحث دیگر اندیشه های غالب مانند کمونیسم و پاسخ به شبهات آنها عنایت ویژه شده است. نویسندگان هدف نخست و اصلی خود را از ارائه این تفسیر، همانان پاسخ گویی به نیازهای جهان معاصر و اقناع نسل جوانی می دانند که به اسلام به عنوان یک مکتب نجات بخش اعتقاد داشته و برای رفع دشواری ها و مشکلات زندگی بدان رجوع می کنند. در واقع بررسی مسائل و مشکلات اجتماعی جهان اسلام، روز آمد بودن و تالیف به زبان عربی از مهمترین امتیازات این تفسیر است.

روش مفسران بدین منوال است که پس از ذکر آیه یا آیاتی از قرآن مجید، نخست به ترجمه پرداخته و چنانچه شان نزولی یا روایتی از طریق اهل بیت (ع) نقل شده باشد، می آورند و توضیح می دهند. آنگاه پیام آیه را شرح و

توضیح داده و گاهی با حوادث زمانی و مکانی را بر آن می افزایند. گفتنی است که شیوه کلی نویسندگان در این تفسیر، اجتهادی است و لذا به بحث های عقلی و نکات استدلالی متناسب با توجه نشان داده، بحث های موضوعی مستقل متناسب با آیه را عنوان کرده است.

گرچه کار ترجمه در این تفسیر تحت اللفظی نیست، اما وفاداری به متن و تاثیر پذیری از ساختار زبان عربی کاملاً رعایت شده است. به ویژه آنکه نویسندگان به رموز زبان عربی و نکته های بلاغی و فصاحتی آن احاطه و علاقه بسیار دارند. البته در بسیاری از موارد تفسیر از دقت و استحکام خاصی برخوردار است، ولی گاهی نیز این ویژگی فراموش می گردد. با این همه در تمامی کتاب دقت، احتیاط و ژرف نگری نویسندگان مشهود و ملموس است.

این تفسیر معنا و روح پر جاذبه ای را از قرآن ارائه داده است. نگارش این تفسیر گامی است در تبیین جاذبه های آن نسخه آسمانی که از صدر اسلام تا به امروز هر کسی که خاضعانه در برابر آن قرار گرفت، از آن متأثر و بهره مند گردید و به سعادت ابدی نائل شد. آیت الله تسخیری در مراسم رونمایی تفسیر مختصر

و مفید چنین گفت: نگارش این اثر بزرگ به پیشنهاد و حمایت شهید صدر آغاز شده و این اندیشمند بزرگ، زمانی که خلاء تفسیری مختصر و کامل از قرآن کریم را احساس کرد، همواره بر تدوین تفسیر مختصر از آیات قرآنی با هدف هدایت نسل جوان تاکید می کرد.

به باور آیت الله تسخیری: واقعیت این است که تفسیرهای مختصری که هم اکنون در دسترس است، یا به صورت واژه ای، آیات قرآنی را تفسیر می کنند و یا به بررسی جنبه زیبایی ادبی قرآن کریم عنایت دارند؛ اما در این تفسیر با تکیه بر نظریات شهید صدر و با هدف درک کامل مخاطب از مفاهیم قرآنی، هر یک از صفحات قرآن کریم به طور کامل تفسیر شده و نکات اجتماعی و سیاسی آیات قرآن کریم نیز مورد توجه قرار گرفته است.

همانگی و مطابقت این کتاب با رویکرد اهل بیت (ع) و توجه به تقریب بین مذاهب اسلامی از دیگر ویژگی های این تفسیر است. به باور نویسنده، تفسیرهای قرآن کریم نباید با هدف حمله به یک مذهب اسلامی نوشته شود، بلکه باید مطابق آیات الهی که منادی وحدتند، برای عموم مذاهب، کاربرد داشته باشد. ویژگی دیگر این تفسیر، دوری از ابهام و ترجیح قول «اصح» است.

نویسندگان تفسیر مختصر، خود را متعهد و مکلف دیده اند تفسیر هر صفحه از قرآن تنها در یک صفحه ارائه شود؛ زیرا در عصر سرعت و نبود فرصت، اختصار می تواند راهگشا باشد؛ برای مثال سوره کافرون تنها در چند سطر تفسیر شده است. نویسندگان ضمن باور به وحدت موضوعی بین آیات قرآن کریم، تلاش کرده اند که تا حد امکان پیام اصلی را تبیین و بر برداشت جامع از آیات تاکید کنند تا بتوانند پیام خدا را به مخاطب منتقل کرده، گاهی در جهت محور یابی قرآن کریم بردارند. به باور نویسندگان تمامی آیات قرآن داعیه دار و منادی تقریب و وحدت است و مسلمانان می توانند جهت تقویت حس تقریب، به جنبه تفسیر قرآن بیشتر اهمیت دهند؛ چرا که قرآن کریم همواره مصداق «دعونا الی کلمه سواء» است.

ماخذ: درخشش اندیشه و جوشش آگاهی
در آثار آیت الله تسخیری

آیت الله
تسخیری
در مراسم
رونمایی
تفسیر
مختصر و
مفید چنین
گفت: نگارش
این اثر بزرگ
به پیشنهاد و
حمایت شهید
صدر آغاز
شده و این
اندیشمند
بزرگ، زمانی
که خلاء
تفسیری
مختصر و
کامل از
قرآن کریم
را احساس
کرد، همواره
بر تدوین
تفسیر
مختصر از
آیات قرآنی با
هدف هدایت
نسل جوان
تاکید می کرد

وقتی از آیت الله تسخیری می گوید، غم از دست رفتن برادر در چهره اش موج می زند؛ او سال های زیادی را در کنار برادر سپری کرده و از جای خالی کسی می گوید که نماز شب قرین بیش از نیمی از عمرش بود و می توان خلوص، اخلاق خوب و تهذیب نفسش را ثمره این عبادت دانست. شیخ محمد مهدی تسخیری؛ رئیس سابق مرکز بین المللی گفت و گوی ادیان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، بر ایمان این گونه از برادر روایت کرد.

آیت الله تسخیری از نظر فردی و اجتماعی شخصیتی چندبعدی داشت، ولی آنچه بیشتر در وجودش دیده می شد، تربیت و تزکیه نفس بود. انسان هایی که در این مسیر از خان اول نگذرنند، نمی توانند به خان های بعدی قدم بگذارند. بنابراین او در تهذیب نفس تلاش فراوانی کرد؛ تا جایی که به یاد دارم حدود پنجاه سال با وضوی نماز شب نماز صبح می خواند؛ حتی بیشتر مطالعات و تألیفاتش بعد از نماز صبح و تازمانی بود که می خواست به اداره برود.

شاگرد مکتب امام صادق (ع)

با افراد دیگر به گونه ای رفتار می کرد که گویی در حال یادگیری است و دلیل برتری او در مباحث علمی، تسلط بر نفسش بود و در مکتب و ایده و جمع محو بودن نه در بحث فردی. لذا من آیت الله تسخیری را یکی از شاگردان خوب مکتب امام صادق (ع) می دانم، زیرا تسلط بر نفس و شکاندن غرور منشأ قرآنی دارد و از کلام اهل بیت (ع) که یکی از نقلین (قرآن و عترت) است، برای فهم و درک قرآن بهره می جست.

برادر در کلام برادر

با وضوی نماز شب نماز صبح می خواند



گفت و گو

دعوت به درک درست قرآن

تعمق در اندیشه اسلامی، شفافیت در گفتار و میانه روی در تحلیل، طینت پاک و تعامل با دیگران در کمال انسانیت از ویژگی های گفتمان تبلیغی آیت الله تسخیری، بود. کسانی که در فعالیت های مختلف برای اعتلای وحدت با او همگام بودند، عظمت رسالتش را درک کردند.

او در زمره مبلغان مؤثر، میانه رو، واقع گرا و خواهان دوستی و تسامح بود و دعوت به گفت و گوی تمدن ها و ادیان را ضروری می دانست و می گفت که اگر گفت و گو براساس اصل برابری و حقیقت جویی پیروان ادیان باشد، ثمربخش خواهد بود. به نظر او مسلمان آگاه در گفت و گو با دیگران از هیچ اختلاف و مشکلی رنج نمی برد، زیرا منطقی برخورد می کند و با ارائه استدلال برای روشن شدن حقیقت و ردّ باطل می کوشد.

آیت الله تسخیری مسئولیت تقریب را بر عهده علما و اندیشمندان گذاشت و بدون تعصب، دیگران را به درک درست قرآن دعوت کرد. او برای زنان امتیازات گوناگونی قائل بود که جایگاه شایسته ای را به آنان به عنوان مادر، همسر، دختر و خواهر می دهد و از آنان در برابر بد اخلاقی ها محافظت می کند. او شخصیتی جذاب، تواضع و حیا داشت، و عاشق پروردگار بود، با لبخند، خوش رویی و همچون جوینده حقیقت حرفش را بیان می کرد که موجب محبوبیتش شد و چهره های برجسته جهان اسلام او را به نشست ها و گردهمایی های علمی دعوت می کردند تا سبب غنای دانششان شود و از اخلاق و رفتارش بهره مند شوند.

عبدالرزاق قسوم

رئیس جمعیت علمای مسلمان الجزایر



آیت الله تسخیری از

نظر فردی

و اجتماعی

شخصیتی

چند بُعدی

داشت، ولی

آنچه بیشتر

در وجودش

دید می شد،

تربیت

و تزکیه

نفس بود.

انسان هایی

که در این

مسیر از خان

اول نگذردند،

نمی توانند

به خان های

بعدی قدم

بگذارند

داشتیم. وقتی با یکدیگر بحث می کردند، اشعاری را که ۳۰ یا چهل سال پیش سروده شده بود، چنان می خواند که گویی به تازگی سروده است.

یکی از اتفاقاتی که برای آیت الله تسخیری رخ داد این بود که حزب بعث او را به زندان انداخت، زیرا تظاهرات کنندگان اشعاری را که او به عربی سروده بود، در عاشورای سال ۱۹۶۹ در قالب شعار سر داده بودند. سپس او محکوم به اعدام و با وساطت امام خمینی (ره) آزاد شد و به ایران آمد. بعدها تفسیر قرآن را پی گرفت و پس از انقلاب، تفسیر ۱۰ جزء نخست را چاپ کرد. حدود ۱۵ سال پیش، بعد از اینکه سردبیری نشریه رساله التقرب را بر عهده گرفتیم، با او مشورت کردم و خواستم که ادامه تفسیر را بنویسد. ایشان موافقت کردند و با توجه به همت بالایی که داشتند، این تفسیر به سرانجام رسید. در هر شماره از نشریه دوازده صفحه از تفسیر را منتشر می کردیم. با توجه به نظم خاص ایشان در تألیف، حدود هشت سال طول کشید تا بقیه اجزای تفسیر را تکمیل کردند.

زحمات دیگران را فراموش نمی کرد

ایشان هیچ وقت زحمات دیگران را فراموش نمی کرد و از حجت الاسلام والمسلمین حاج سید محمد رضا صفوی برای کمک در ویراستاری تشکر فراوانی کرد. بدین ترتیب این تفسیر آماده شد. با توجه به فعالیت گسترده آیت الله تسخیری، کمتر دیده ام که یک مدیر اجرایی بیش از ۵۵ اثر را درباره موضوعات اقتصادی، تمدن، روابط بین الملل، فقه، اصول و تفسیر نوشته و بیش از ۱۷ کتاب را ترجمه کرده باشد.

علاوه بر این، او در جوانی در محضر آیت الله صدر حضور یافت و شیفته شخصیتش شد، زیرا شهید صدر ذهنی خلاق داشت و زمانی که حوزه ها به مباحثی مانند فلسفه، اقتصاد و روان شناسی نمی پرداختند، او در این زمینه ها کار و اصرار می کرد که افراد مستعد به مباحث خاصی بپردازند، زیرا ذکاوت خاصی در شناسایی آنان داشت. البته تعداد طلبه های خوش فکر و جوانی که در محضرش حاضر می شدند کم نبودند، ولی فقط به برخی افراد توصیه هایی می کرد. به آیت الله تسخیری و حاج آقا محمد سعید نعمانی، دوست دیرینش، نیز سفارش کرد که تفسیر قرآن را انجام دهند.

آیت الله سید محمد باقر صدر علاوه بر فقه است یک نابغه بود. او خیلی زود به درجه اجتهاد رسید، و مرجعیت او برای نسل جوان و روشنفکر جامعه اهمیت داشت. همچنین، در آن زمان کمونیست ها و بعثی ها ستم می کردند و آیت الله سید محسن حکیم فتوا داد: «لشیوعیه کفر و الحاد؛ کمونیست کفر و الحاد است.» در چنین شرایطی شهید صدر توانست به موارد بحث برانگیز در جامعه بپردازد و جوانان را جذب کند و آیت الله تسخیری هم در زمره آنها بود و در آن هنگام درس فقه می خواند.

حافظه عجیبی داشت

همچنین، مرحوم آیت الله تسخیری حافظه عجیبی داشت؛ مثلاً اگر فردی را ۳۰ سال پیش دیده و با او گفت و گو کرده باشد، هم اسم و هم موضوع بحثشان را به خوبی به خاطر می آورد؛ حتی گاهی نشست هایی با مرحوم پسر خاله مان، آیت الله حاج سید هاشم هاشمی،

بگذاریم تا تفسیر نگاشته شود. این تفسیر مورد تأیید و پسند بزرگان بسیاری از جمله مقام معظم رهبری، آیت الله سید محمد حسین فضل الله، سید محمد باقر حکیم و آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی قرار گرفت. با استناد به نظر دیگران، اثر تقریباً متمایزی بود و امتیازات خاص خود را داشت.

از چه سالی کار آغاز شد؟ و تا چه زمانی ادامه داشت؟

المختصر تقریباً دو سال قبل از انقلاب یعنی سال ۵۵ آغاز شد و چند سال پیش پایان یافت. ابتدای کار در همان مدرسه خوانسار انجام شد و بعد در قم در منزل ما ادامه یافت و وقتی به تهران آمدم، در منزل ما یا ایشان روی تفسیر کار می کردم.

با توجه به این که دو نفر بودید این کار مشکلی ایجاد نمی کرد و اختلاف نظر و سلیقه در تفسیر پیش نمی آمد؟

ما بیش از ۵۰ سال که از نجف و بعد هم قم با یکدیگر دوست و همراه بودیم، بنابراین در بیشتر دیدگاه ها و بزرگ مسائل کلی با یکدیگر اتفاق نظر داشتیم. در موارد اختلافی هم با یکدیگر بحث می کردیم تا به توافق برسیم.

از کدام منابع تفسیری بهره بردید؟

تفسیرهای معتبر مانند المیزان علامه طباطبائی، نمونه آیت الله مکارم شیرازی، تبیان شیخ طوسی، مجمع البیان طبرسی، فی ظلال القرآن سید قطب و المنار استفاده شد. پیشنهاد شهید صدر بود که این تفسیر به صورت مختصر نوشته شود تا قابل حمل باشد، زیرا انسان در هر حالتی بی نیاز از قرآن نیست.

معلومات ذهنی شما و آیت الله تسخیری در حدی بود که می توانستید، تفسیر مفصل تری بنویسید. چرا اختصار را انتخاب کردید؟

این پیشنهاد شهید صدر بود که این تفسیر به صورت مختصر نوشته شود که قابل حمل باشد. به هر حال انسان در هر حالتی بی نیاز از قرآن نیست.

درباره ی یک عمر همکاری با آیت الله نعمانی

المختصر المفید؛ تفسیری مفید اما جامع

حجت الاسلام محمد سعید نعمانی، مدیر مجمع اندیشه اسلامی قم، در تألیف «تفسیر المختصر المفید» تفسیر القرآن المجید با آیت الله تسخیری همکاری کرد. وی در این مسیر، که سال های متمادی به طول انجامید، تجربیاتی را کسب کرد و ناگفته هایی از هم نشینی با شیخ تقریب دارد. تفسیر «المختصر» از یادگارهای این دوستی و الفت دیرینه است که پنجاه و اندی سال به طول انجامید، او با مرور خاطرات این پنج دهه از دوستی دیرینه گفت: این تفسیر مورد تأیید و پسند بسیاری از بزرگان از جمله مقام معظم رهبری قرار گرفت.

از آیت الله تسخیری و شخصیت ایشان بگویند و اینکه ایشان را چگونه دیدید؟

برایم بسیار دشوار است که درباره شخصی که بیشتر عمرم را با او گذراندم صحبت کنم. در طول پنجاه و اندی سال زمان بسیاری را با هم به سر بردیم و از یکدیگر کوچکترین ناراحتی به دل نداشتیم. ایشان جامع الاطراف بود. خداوند به ایشان روحی با لطافتی خاص، فکر، علم، رفتار و سلوکی بی نظیر عطا کرده بود.

نحوه شروع تألیف تفسیر المختصر چگونه بود و کلید کار چگونه زده شد؟

این موضوع به ۴۵ سال قبل و پیش از انقلاب بازمی گردد که نامه ای از شهید و استاد ما، آیت الله شهید محمد باقر صدر، خطاب به بزرگترین شاگردش، سید کاظم حائری، رسید که خواسته بودند تفسیر مختصر اما جامعی نوشته شود که جنبه های اجتماعی را دربرگیرد، مستند به روایات ائمه (ع) باشد و وحدت امت اسلامی را مد نظر قرار دهد. پیشنهاد ایشان این بود که یک صفحه قرآن کریم باشد و یک صفحه تفسیر. شهید صدر برای نوشتن این تفسیر من و آیت الله تسخیری را در نظر گرفت. آیت الله حائری ما را در جریان قرار دادند و کار را شروع کردیم. در آن

زمان مدرسه ای در خوانسار تأسیس شده بود. ابن الرضا، یکی از علمای بزرگ شهر خوانسار، ما را به این مدرسه دعوت کرد و دو ماهی در آن مدرسه بودیم و نگارش این تفسیر از همانجا شروع شد. آیت الله تسخیری برای تألیف المختصر بیشترین تلاش را انجام داد، ما هفت هشت تفسیر بزرگ را جلوی خود باز می کردیم و تفسیر هر آیه را در این تفاسیر می خواندیم. بعد با توافق با هم آیه را تفسیر می کردیم. بعد از تفسیر چند جزء، نزد آیت الله حائری رفتیم و تفسیر را به ایشان نشان دادیم. ایشان هم تأیید کردند. بعد نامه ای به آیت الله شهید صدر فرستادند که این کار آغاز شده است و من آن را تأیید می کنم. سپس شهید صدر ابراز خرسندی کردند.

پس از انقلاب من و آیت الله تسخیری برای ایجاد پلی میان جمهوری اسلامی ایران نوپا و جهان عرب مشغول فعالیت های تبلیغی شدیم. لذا در نوشتن تفسیر وقفه افتاد. سرانجام چند سال قبل تصمیم گرفتیم همه کارها را کنار



این برداشت‌های افراط‌گرایانه را کنار می‌گذاشتید و تلاش می‌کردید برداشتی را به مخاطب ارائه دهید که هم قابل فهم باشد و هم رویکردهای افراط گرایانه را از بین ببرد؟

در قرآن آمده است: «مِنْهُ آيَاتٌ مُّحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ»؛ یعنی آیاتی هست که تفسیر آنها بسیار روشن و واضح است که آیات محکم محسوب می‌شود و در مورد آیات متشابه نیز هر کسی می‌تواند آنها را موافق با حالات، تفکرات و روحیات خود تفسیر کند. در مواردی که دیدگاه‌ها و تصورات مختلفی وجود دارد، عترت بهترین مفسر قرآن است. ما هم در این زمینه چنین عمل می‌کردیم.

آیا مواعی هم در کار بود؟ در زمان رویارویی با آیاتی که تفسیر آنها سخت بود و چند روز وقت می‌گرفت، چگونه عمل می‌کردید؟

بله طبیعی است. گاه ما در دو ساعتی که می‌نشستیم گاه یک آیه یا دو آیه و گاهی نیز بیشتر را تفسیر می‌کردیم. شکی نیست که برخی آیات نیاز به مراجعه بیشتری دارد. اما مشکل قابل توجهی نداشتیم و همه مسائل خیلی راحت حل می‌شد.

اگر بخواهید این تفسیر را در یک جمله معرفی کنید، چه می‌گویید؟ مهمترین ویژگی این تفسیر در چه چیزی نهفته است؟

از نام آن پیداست مختصر و مفید. اختصار و اینکه سعی کرده ضمن بیان تمام موارد مخاطب را در شرایط آیه قرار دهد، مهم‌ترین ویژگی این کتاب است.

آیا خاطره‌ای ناگفته از زمان نوشتن تفسیر دارید؟

گاهی با مطالب پیچیده‌ای روبه‌رو می‌شدیم و ناچار بودیم از تعابیری که شاید برای عموم سنگین باشد، استفاده کنیم. من می‌گفتم: آقا اگر ما این را به همین صورت عرضه کنیم، شاید افراد بسیاری متوجه نشوند. ایشان مثل همیشه با لبخند می‌گفتند که کسی که در این حد اطلاعات ندارد، تفسیر ما را نخواند و از تفسیر دیگری استفاده کند.



مختلفی آن را توزیع کردند.

بسیاری معتقدند رویکرد این تفسیر تقریبی است. با توجه به این که فرمودید از روایات شیعیه و سنی در تفسیر قرآن بهره برده‌اید. چگونه این دو با هم جمع شد و توانستید با رویکرد تقریبی این تفسیر را ارائه دهید؟

ما در مجمع جهانی تقریب تأکید می‌کردیم که مشترکات وسیعی با اهل سنت داریم؛ هر چند در برخی موارد اختلاف داشته باشیم. در تفسیر المیزان هم روایات اهل سنت استفاده شده است. منبع اصلی ما روایات شیعی بود، اما این امر مانع نشد که از روایات اهل سنت استفاده نکنیم. تلاش کردیم که به مسائل ثنوی بسنده نکنیم و وجه کاربردی را نیز مد نظر قرار دهیم. به هر حال این هنر است که چکیده تفاسیر مفصل را، که گاه به ۲۰ جلد می‌رسد، در تفسیری یک جلدی بگنجانیم.

با توجه به این که این تفسیر در ایران نوشته شده چرا عربی است و آیا ترجمه این تفسیر را توصیه می‌کنید؟

آیت‌الله شهید صدر پیشنهاد داد که تفسیر به زبان عربی نوشته شود و ما هم این پیشنهاد را عملی کردیم. البته شایسته است که این اثر ارزشمند به دیگر زبان‌ها نیز ترجمه شود.

فرقه‌های مختلف اسلامی از جمله بنیادگراها و داعشی‌ها هر یک برداشت خود را از قرآن ارائه می‌دهند. چگونه

روش تفسیری المختصر چه روشی بود؟ آیا از روش قرآن به قرآن بهره بردید یا روش عقلی یا دیگر روش‌های تفسیری؟

تلاش کردیم از نظر دیگران استفاده کنیم. البته برای تفسیر یک آیه، آیات مرتبط را نیز در نظر می‌گرفتیم. کسی که این تفسیر را بخواند، متوجه می‌شود که نه خیلی سطحی است و نه خیلی پیچیده که فهم آن مشکل باشد و برای قشر فرهنگی و فرهیخته و دانشجویان قابل استفاده است.

آیت‌الله تسخیری همواره تأکید داشتند که این تفسیر را برای جوانان نوشته‌اند، آیا این تفسیر برای گروه خاصی نوشته شد؟

به هر حال مقصود از جوانان، جوان تحصیل کرده و دانشگاه دیده است. بسیاری از شخصیت‌های اهل فکر که در جریان‌های مختلفی هم حضور داشتند از جمله یکی از نویسندگان بزرگ و ژورنالیست‌های عراقی از این تفسیر بسیار تعریف کرده و اظهار داشتند که استفاده زیادی از این تفسیر کرده‌اند.

این تفسیر میان چه کسانی توزیع شد و آیا کسانی که این تفسیر را خواندند اگر نقدی بر آن داشتند به شما منتقل می‌کردند؟

ابتدا ۱۰ جزء اول این تفسیر را معاونت بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی چاپ کرد. سپس بعد از اتمام کار، مجمع تقریب مذاهب اسلامی آن را چاپ کرد و بعد هم دوبار به همت مجمع جهانی اهل بیت (ع) چاپ شد و این نهادها با توجه به امکاناتی که داشتند در جاهای

آیت‌الله
تسخیری
برای تألیف
المختصر
بیشترین
تلاش را
انجام داد، ما
هفت هشت
تفسیر بزرگ
را جلوی خود
باز می‌کردیم
و تفسیر
هر آیه را در
این تفاسیر
می‌خواندیم.
بعد با توافق
با هم آیه
را تفسیر
می‌کردیم

در میزگردی درباره شفعیت و تفسیر آیت الله تسخیری بیان شد؛

تفسیر آیت الله تسخیری تجمیع معنایی تمام آیات بایک رویکرد تقریبی بود

در میزگرد بررسی تفسیر «المختصر المفید فی تفسیر القرآن المجید» مطرح شد که از آغاز تا پایان این تفسیر روح تقریب مذاهب رعایت شده و از این نظر اهمیت دارد که ظواهر برخی آیات قرآن مخالف تقریب است و تجمیع تفسیری تمام آیات با رویکردی تقریبی دشوار است. آیت الله تسخیری در این راه با احتیاط علمی از اصول خارج نشد و با گزیده گویی تفسیری با الفاظ کم، اما کثرت معنایی نگاشت. به مناسبت چهلمین روز درگذشت آیت الله تسخیری، خبرگزاری ایکننا میزگردی با حضور حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی تسخیری، رئیس مرکز گفت و گوی ادیان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و حجت الاسلام والمسلمین بهمن اکبری، رابزن سابق فرهنگی ایران در عمان برگزار کرد و چگونگی شکل گیری، روش و ویژگی های این تفسیر را به بحث و بررسی گذاشت. مشروح این میزگرد در ادامه از نظر می گذرد.

ایکننا - برای ورود به بحث خوب است که از ویژگی های مؤلف و شخصیت آیت الله تسخیری شروع کنیم.

تسخیری: در قرآن کریم تأکید شده که علما و دانشمندان زنده هستند. البته این تعبیر قرآن در رابطه با شهید است: «وَلَا تُحْسِنُ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُمُوتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران/۱۶۹)، شهدا را زنده می پندارد چون برای جامعه بشری منشأ اثر هستند. شخصیت آیت الله تسخیری (رحمه الله علیه) شخصیت چندبعدی هم از نظر فردی و هم اجتماعی است، ولی آنچه بیشتر وجهه همت ایشان بود، تربیت و تزکیه نفس بود.

شک نکنید انسان هایی که در این مسیر از خوان اول نگذرند، به خوان های بعدی نمی توانند مسلط باشند؛ لذا در تهذیب، تربیت نفس، تکاندن و تحقیر این نفس تلاش فراوانی داشت. تا جایی که به یاد دارم حدود پنجاه سال، ایشان با وضوی نماز شب نماز صبح را ادامه می کرد. حتی بیشتر مطالعات و تألیفات شان بعد از نماز صبح و تا زمانی بود که می خواستند به اداره بروند. این از تربیت نفس است و هر زمانی که بادیگری می نشستند به گونه ای رفتار می کردند که گویی همواره در حال یادگیری است.

به یاد ندارم که سخن کسی را قطع کرده باشد. حتی اگر فکر می کرد که طرف حرف بی ربطی می گوید، باز تمام حرف او را گوش می کرد. وقتی گفت و گوی ایشان را با دیگران مشاهده می کردم، یادگفت و گوی آن زندیق بافضل، یکی از شاگردان امام صادق (ع)، می افتادم که وقتی یکبار بحثش تند شد، پرسید که مفضل تو پیرو کدام مکتبی؟ پاسخ داد که شاگرد امام صادق (ع) هستم. گفت: بعید می دانم؛ زیرا مادر محضر امام صادق (ع) حرف های بسیار تندتری از آنچه نزد شما گفتم می زنیم و حتی کار به فحاشی و تهمت مانسبت به ایشان می رسد، اما ایشان همه را گوش می دهد، به گونه ای که باور می کنیم که در بحث بر او غلبه کرده ایم، اما بعد از بحث ما سخن خود را شروع می کند و مسائل را یکی یکی پاسخ می دهد. تو اگر پیرو آن مکتبی هستی باید به این صورت برخورد کنی نه اینکه مکتب خود را بر مکتب امام صادق (ع) تحمیل کنی.

تسلط بر نفس آیت الله تسخیری منشأ قرآنی داشت

من آیت الله تسخیری را یکی از شاگردان خوب مکتب امام صادق (ع) می دانم. این تسلط بر نفس و شکاندن

غرور و تربیت نفس که منشأ قرآنی دارد، چون اهل بیت (ع) یکی از ثقلین فهم و درک قرآن است. مهم ترین عنصر هم همین است، عنصر پیروزی ایشان در ملاقات ها، مباحث علمی و سعه صدرش به خاطر این است که تسلط عجیبی بر نفسش داشت؛ لذا خود را محود و مکتب و ایده می دید، محود و وجود جمعی می دید تا یک بحث فردی.

اکبری: آیت الله تسخیری استاد ما در حوزه روابط فرهنگی بین المللی بود؛ ایشان در طول بیست و هفت سال فعالیت های بین المللی فرهنگی سمت بزرگی، مرادی و استادی داشت. از خبرگزاری ایکننا نیز تشکر می کنم که به نیکی این میزگرد را برای بزرگداشت و معرفی تفسیر قرآن کریم این مرد بزرگ و دوست و برادرش جناب نعمانی برگزار کرده است؛ این اقدام ایکننا مصداق بهترین موضوع در بهترین مکان و در بهترین موقعیت است.

در همین مقدمه گفت و گو، طرح این مسئله که چگونه باید به شخصیت حضرت آیت الله تسخیری بنگریم، موضوع مهمی است. بیش از آنکه نیاز به شخصیت ستایی داشته باشیم و فقط از کرامات این مرد بزرگ بگوئیم، باید شخصیت شناسی کنیم و شخصیت فرهنگی این بزرگوار را معرفی کنیم. شخصیت شناسی به تحلیل گفتمان و دال مرکزی گفتمان اندیشه ورزی او برمی گردد؛ باید ببینیم آیت الله تسخیری در طول عمر و حیات با برکتش که خیلی هم طولانی نبود، اما عمق فراوانی داشت، به چه موضوع مهمی می اندیشیده است و دال مرکزی حیات او چیست؟

تهذیب نفس: دال مرکزی گفتمان آیت الله تسخیری کمتر عالم دینی وجود دارد که از قبل از انقلاب دغدغه جهان اسلام را داشته باشد؛ یعنی او مترصد این بود که چگونه می تواند به جهان اسلام خدمتی کند، در بحث نگاه تفسیری نیز شخصیت ایشان را باید به عنوان مفسر، با چنین رویکردی تحلیل کرد. نزدیک به سه دهه (از دهه هفتاد تا کنون) در ارتباط با ایشان بودم؛ نخست در مجمع جهانی اهل بیت (ع) که تا آخرین روزها در ارتباط مستقیم و غیر مستقیم بودم. اخیراً هم که در زمان تصدی رابزن فرهنگی در عمان که ایشان برای شرکت در همایش بررسی فقهی نظام پولی و مالی که سازمان همکاری های اسلامی بر گزار کرده بود، به عمان تشریف آوردند. از نگاه بنده دال مرکزی گفتمان آیت الله تسخیری این مرد بزرگ به تهذیب نفس یا تربیت و تعالی روح برای نیل به کمال انسانی در راستای هدف بزرگ جهان

“
**حجت الاسلام
والمسلمین
محمد مهدی
تسخیری:
من آیت الله
تسخیری
را یکی از
شاگردان
خوب
مکتب امام
صادق (ع)
می دانم. این
تسلط بر نفس
و شکاندن
غرور و تربیت
نفس که منشأ
قرآنی دارد،
چون اهل
بیت (ع) یکی
از ثقلین فهم
و درک قرآن
است**



باقر صدر می دانست.

اسلامی می نگریست. نگاه او محدود به مرزهای کشور نبود بلکه به جهان اسلام یا بی مرزی جهان اسلام اهتمام داشت. به طور طبیعی از ذکاوت، هوش و نبوغ برخوردار بود و این هوشمندی در رفتار جهانی او نیز دیده می شد؛ نوع مذاکرات و ورود و خروج به بحث و مواجهه کنشی و روشی او با یک جمع فرهیخته و... بیان گر گفتمان درونی بود که در رفتار او ظهور می کرد، اگر بخواهیم یک فرد را تحلیل کنیم، یک فردی را به تعبیر هایدگر در عرصه ذهن و زبان بشناسیم؛ باید گفتمان او را تحلیل کرد.

او عمیقاً اهل مدارا (مداراة الناس) بود. اهل رعایت حقوق افراد بود، اهل تقوی و تهذیب بود، این در منش او هم ظهور می کرد. وقتی این مرد را در عرصه مدیریتی می دیدیم، همین گونه بود، یعنی میان گفتار و کردار او جدایی نبود. آسیب گسیختگی عمل و نظر که معمولاً در افراد دیده می شود در او نبود؛ زیرا بسیاری اهل علم اند، اما اهل عمل نیستند، به شهادت قاطع می توان گفت که مرحوم تسخیری توانمند مرد نظر و عمل بود. مردی بود که در رفتارش نظرگاه خود را نیز تعمیم و تجسم می داد. جالب است که این جهان اسلامی بودنش را به توصیه استاد و مرادش مرحوم شهید آیت الله سید محمد

اخیراً در سفری که به مسقط تشریف آوردند، به استقبال ایشان رفتیم. بحث رساله کارشناسی ارشد همسر ما بعنوان «تاثیر دانش روان شناسی بر تفسیر قرآن» مطرح شد. ایشان بلافاصله پرسیدند که در این رساله ای که درباره تفسیر قرآن نوشته اید، به آثار سید قطب و تفسیر «فی ظلال القرآن» نیز توجه کرده اید؟ سپس درباره تفسیر «فی ظلال القرآن» و در بحث موسیقی آیات آن قدر مستدل و مسلط نکاتی را بیان کرد که گویا همین چند لحظه پیش متن تفسیر را خوانده اند. این استحضار و ذکاوت در کمتر کسی دیده می شود، مخصوصاً فردی که از مدتهاست از بیماری صعب العلاج رنج می برد. ایشان نزدیک به ۱۵ سال در بیماری سخت بود، یعنی نصف بدن ایشان در کنترل نبود، اما این بیماری از هوشیاری، هوشمندی و نشاط او کم نمی کرد.

ایکنا - ایشان چگونه وارد بحث تفسیر شد؟ به توصیه استادش، شهید صدر، اشاره کردید. این کار گویا حدود سی سال هم طول می کشد. تسخیری: آیت الله سید محمد باقر صدر واقعاً نابغه دهر بود. شخصیتی است که در نوجوانی به اجتهاد رسد، معروف است که ایشان از کسی تقلید نکرد، یعنی قبل از اینکه به سن تکلیف برسد به درجه اجتهاد می رسد. مرجعیت ایشان هم تقریباً مرجعیتی بود که برای نسل جوان و روشنفکر جامعه بود، آن زمان هم زمانی بود که کمونیستی هاو بعضی هایلاد می کردند، به گونه ای که فتوای معروف آیت الله سید محسن حکیم هم مبنی بر این است که «الشیوعه کفر و الحاد»؛ کمونیست کفر و الحاد است. در آن شرایط بود که آقای صدر توانست با مباحث جدید در فلسفه، اقتصاد، روان شناسی و جامعه شناسی و چیزهایی که ابتلای جامعه آن دوران بود ورود کند و جوانان را جذب کند. آیت الله تسخیری هم از همان جوانان است. هر چند که درس فقه می خواند، اما این تیپ جوانان را آیت الله صدر جذب کرد.

ایشان هر چه بیشتر در محضر آقای صدر حضور پیدا می کردند جاذبه آقای صدر او را شایسته خودش می کرد. زمانی که آیت الله صدر به شهادت رسید وضعیت شاگردانش عجیب بود، آقای صدر ذهنی خلاق داشت. در زمانی که حوزه ها به مباحثی مانند اقتصاد، روان شناسی و... ورود نمی کردند، ایشان در این زمینه ها کار می کرد، در صورتی که اکثراً به موضوعات مبتلا به روز و راند می شدند. ایشان نسبت به افرادی که استعداد داشتند اصرار می کرد که

آمادگی و حضور ذهن در گفت و گو

یاد دارم که چندین بار این رؤیا را بر اینم گفت که در عالم خواب دیدم که استاد آقای صدر به من اشاره ای کرد که خوش دارم که بعد از من تو ادامه دهنده اندیشه جهان اسلامی من باشی. او یک روحانی در رتبه ای بود که قطعاً مجتهدی جامع الشرایط شمرده می شد؛ تسلطشان به «رد الفروع الی الاصول» کم نظیر بود. در سال ۱۳۶۸ رساله ای درباره «نظری اجمالی بر مبانی مصرف» نوشته بودم. چون بحث اقتصادی بود و آیت الله تسخیری هم دیدگاه های اقتصادی شهید صدر را به خوبی در نظر داشت، برای بررسی آن خدمت ایشان رسیدم. یادم هست که ایشان گویی طلبه نوجوانی که همین دیروز این بحث ها را خوانده است، کاملاً آماده مباحثه علمی بود. انسان از استحضار ذهنی دقیق او تعجب می کرد که آدمی که در گیر حوزه اجراست و کار مدیریتی می کند، چگونه می تواند این گونه استحضار ذهنی داشته باشد. وقتی سخن از بحث علمی می کردید، این مرد آماده بود مانند جوانی پانزده ساله و شاداب برای بحث و گفت و گو همیشه آماده بود.

حجت الاسلام
والمسلمین
بهمن اکبری:
نگاه او محدود
به مرزهای
کشور نبود
بلکه به جهان
اسلام یا
بی مرزی جهان
اسلام اهتمام
داشت. به
طور طبیعی
از ذکاوت،
هوش و نبوغ
برخوردار بود و
این هوشمندی
در رفتار جهانی
او نیز دیده
می شد؛ نوع
مذاکرات و
ورود و خروج به
بحث و مواجهه
کنشی و روشی
او با یک جمع
فرهیخته و...
بیان گر گفتمان
درونی بود که
در رفتار او
ظهور می کرد



اختصار به این معنی که در عین حال که مفاهیم کلی را حفظ می کنید، به تعبیر معروف «خیر الکلام ماقل و دل» بنویسید. نگارش با قلت کلمات و کثرت معنا کار هر کسی نیست. این مرد بزرگ در این موضوع با نوشتن تفسیر خود را نشان داد.

مثلاً ایشان در تفسیر سوره کافرون در سه سطر روح کلی این تفسیر را تبیین می کند و تشخیص و توضیح می دهد که چگونه این قرآن را فهمیدم. مشرکان به چیزهای موهوم ایمان داشتند و فکر می کردند که اینها امور وراثتی است و هنگام ظهور پیامبر (ص) رو به سازش آورده اند و به این مسئله رسیدند که ما از لحاظ اعتقادی نزدیک هستیم. آن ها معتقد بودند که یک سال الهه ما و سال دیگر خدای شما را می پرستیم که خداوند با نزول آیه «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ» رأیی قاطع در این سوره آورده است و دو خط کاملاً متناقض و جداگانه را نشان می دهد؛ این تفسیر کل سوره کافرون است.

تفسیر قرآن؛ تجربه زیسته آیت الله تسخیری
ویژگی مهم تر آیت الله تسخیری شناخت چارچوب های معرفتی اسلام بود. به این معنا که او مجذوب مفاهیم قرآنی بود. در کمتر جایی بود که مثلاً در حوزه اندیشه و روانه سخن بگویم و ایشان به قرآن استناد کنند. این نکته نشان می دهد که ایشان با قرآن زیست کرده است. تفسیر قرآن ایشان تجربه زیسته ایشان است. من هم علاقه مندی ام به قرآن زیاد است و همواره تلاش کرده ام که قرآن را به عنوان یک بحث فرارشته ای یا بینارشته ای به عنوان محور یا متن قرار دهم. به همین سبب وقتی تفسیر ایشان منتشر شد، مدت ها این کتاب روی میز کارم قرار داشت و از آن استفاده می کردم و آیاتی از قرآن را که همه ما روزانه می خواندیم، سعی کردم از این تفسیر بخوانم، چون جالب است که معادل هر یک صفحه قرآن، یک صفحه تفسیر قرار دارد.

این تفسیر از حیث میزان کلمات هم محدود است. این مسئله مفسر را خیلی محدود می کند. نویسنده اگر محدود باشد که مثلاً این مقدار تفسیر را در یک صفحه بنویسد، این کار قدرت، ذوق ادبی و همین طور تسلط می خواهد تا اینکه اصل محوری در تفسیر از دست نرود. روزی از ایشان پرسیدم که تفاوت تفسیر شما با دیگر تفاسیر چیست؟ همان طور که می دانید سایت «التفسیر» بیش از پنجاه تفسیر را در فضای وب بازنشر کرده و تفاسیر را به تفاسیر اهل سنت، تفاسیر اهل سنت صوفی، تفاسیر

که تمرکزشان را بر کارهایی که نیاز انقلاب اسلامی بود گذاشته بودند، ادامه کار میسر نشد. کمتر دیدم یک مدیر اجرایی بالای ۵۵ تألیف در زمینه های مختلف اقتصاد، تمدن، روابط بین الملل، فقه، اصول، تفسیر... داشته باشد و بیش از ۱۷ کتاب را هم ترجمه کند. حدود ۱۵ سال پیش، بعد از سردبیری رساله التقریب با ایشان مشورت کردم و گفتم که در مقدمه مجله «رساله الاسلام» تفسیر شیخ شلتوت را آوردم. شما هم لطف کنید و ادامه آن ۱۰ جزء را برای ما بنویسید. موافقت کردند و با توجه به همت خوبی که داشتند، این تفسیر به انجام رسید. برای هر شماره دوازده صفحه منتشر می کردیم. این روال با توجه به انضباطی که داشتند در حدود هشت سال طول کشید تا بقیه اجزاء تفسیر را تکمیل کردند و یک مرور و ویراستاری جدیدی بر آن انجام دادند. ایشان هیچ وقت زحمات دیگران را فراموش نمی کرد از حاج سید محمد رضا صفوی برای کمک در ویراستاری تشکر فراوانی داشتند. این تفسیر به این صورت ظهور پیدا کرد.

ایکنا-حجت الاسلام تسخیری به نوآوری های شهید صدر و ویژگی های شاگردش آیت الله تسخیری در حوزه اشاره کردند. جناب اکبری، شما نیز درباره ویژگی های تفسیر و ورود آیت الله تسخیری به این زمینه توضیح دهید.
اکبری: «المختصر المفید فی تفسیر القرآن المجید» یکی از آثار ماندگار این مرد بزرگ در کنار دیگر آثاری بود که پدید آوردند. ویژگی مهم قلم آیت الله تسخیری بر خور داری از ادبیات فاخر بود. ایشان معلم ادبیات و استاد ادب عرب بود، به همین علت می توانست هم کامل و هم مختصر نویسی باشد، زیرا مختصر نویسی کار هر کسی نیست.

به مباحث خاصی وارد شوند. شهید صدر ذکاوت خاصی هم در شناسایی افراد داشت. به این صورت نبود که طلبه هایی که در محضرش حاضر می شدند کم باشند، بلکه طلبه های خوش فکر و جوان تعدادشان زیاد بود، اما ایشان در حین تدریس، در حین اشکالی که از طلبه ها بروز می کرد، احساس می کرد که در این افراد استعدادی وجود دارد. آیت الله تسخیر حافظه ای عجیب و غریبی داشت. مثلاً اگر فردی را سی سال پیش دیده باشد و با همدیگر بحث کرده باشند، هم اسم و هم اینکه بحثی که در میانشان رد و بدل شده بود را به خوبی به خاطر می آورد. حتی بعضی وقت ها نشست هایی با مرحوم پسر خاله مان آیت الله حاج سید هاشم هاشمی داشتیم. وقتی با همدیگر بحث می کردند اشعاری را متعلق به سی یا چهل سال پیش را باز خوانی می کردند که گویی همین الان سرودماند. این حافظه بسیار کمک کرد که بحث هایش را دست چین کند و به آنها رجوع کند. مرحوم شهید صدر این شخصیت ها را کشف می کرد؛ لذا به بعضی مأموریت ها می داد، به ایشان و حاج آقای نعمانی دوست دیرین ایشان سفارش کرد که شما بحث تفسیر قرآن را در پیش بگیرید. مسائلی پیش آمد و حزب بعث آیت الله تسخیری را به خاطر اشعاری که در عربی سروده بود و در قیام عاشورای سال ۱۹۶۹ میلادی توسط تظاهر کنندگان خوانده شده بود، به زندان انداخت و محکوم به اعدام شد که با وساطت امام آزاد شدند و به ایران آمدند. در ایران هم این بحث را پی گرفتند و پس از انقلاب ده جزء نخست آن را چاپ کردند. در آن زمان حدود ۵۰۰ نسخه از آن را به بیروت فرستادند که در طول دو هفته با استقبال جوانان خریدار شد. بنده به ایشان گفتم که اگر ممکن است جزء های دیگری را هم ادامه بدهد، اما از آنجایی

“
**حجت الاسلام
والمسلمین
بهمن اکبری:
«المختصر
المفید فی
تفسیر القرآن
المجید» یکی از
آثار ماندگار این
مرد بزرگ در
کنار دیگر آثاری
بود که پدید
آوردند. ویژگی
مهم قلم آیت الله
تسخیری
بر خور داری از
ادبیات فاخر
بود. ایشان معلم
ادبیات و استاد
ادب عرب بود،
به همین علت
می توانست
هم کامل و هم
مختصر نویسی
باشد**

اهل سنت سلفی، تفاسیر عرفانی، تفاسیر اباضی، تفاسیر زیدی، تفاسیر شیعی و... تقسیم بندی کرده است. تفاوت های این گونه تفاسیر کاملاً معلوم است، مثلاً تفاسیر عرفانی رویکردشان مشخص است، رویکرد تفاسیر ادبی همچون تفسیر کشاف زمخشری هم روشن است. ایشان در پاسخ یک جمله گفتند: ما از آغاز تا پایان تفسیر، روح تقریب مذاهب را رعایت کرده ایم. این موضوع بسیار مهم است و به سادگی نمی توان این را گفت؛ زیرا در قرآن ممکن است به آیاتی برخورد کنید که ظواهر آن مخالف تقریب باشد. چگونه می شود انسان با یک رویکرد تقریبی تمام قرآن را تجميع معنایی تفسیری کند. سپس آن عمق معنی را در کلمات اندک بگذارد و به گونه ای باشد که بتواند پای آن نوشته را هم امضا کند تا بشود به آن مراجعه کرد. یک عالم دینی مانند آیت الله تسخیری که به دنبال شهرت و کتاب سازی نیست، این احتیاط بینشی و علمی را داشته تا از اصول بیرون نرود. وی در صدد بود که در تفسیر اندک گو و گزیده گو باشد؛ لذا تفسیر ایشان در عین اندکی الفاظ دارای کثرت معنایی و مفید است. رویکرد اختصار نیز برای او مهم بوده است؛ آن چنان که از نام تفسیر او نمایان است: «المختصر المفید». مفید بودن نیز رویکرد مهمی است، زیرا او نمی خواسته پر گوئی کند، ولی کم سود باشد، بلکه می خواسته به نهایت اختصار به معانی عمیق اشاره کند. این مفید بودن هم در نگاه او که رویکرد تقریبی داشته که بسیار رهگشا بوده است؛ تقریبی در جهان اسلام و نه در جهان داخل مرزهای شیعی؛ چرا که برخی از تفاسیر ویژه منابر و مساجد داخلی است؛ نمی توانید هر تفسیری را در عرصه بین الملل عرضه کنید و بگویید: «هاؤُمُ اقْرَؤُا کِتَابِیةً» بیاید این کتاب را بخوانید. در صورتی که المختصر المفید کتابی است که می توان در دست گرفت و به جهان اسلام عرضه کرد؛ زیرا هیچ گونه خللی به اندیشه تقریب در این تفسیر دیده نمی شود.

اندیشه تقریب: به مثابه راهبرد همیشگی

این تفسیر به این نحو نیست که بخواهد مفاهیم بی ربط را بهم پیچسباند و به طور مصنوعی داعیه تقریب و وحدت داشته باشد، بلکه کاملاً این رویکرد در تفسیر وی عمیق است؛ ایشان با تمام وجود حس کرده بود که تقریب و وحدت امری ضروری و مسئله جهانی است. ایشان حداقل شصت سال از عمر خود را در گرو ضرورت یابی در جهان اسلام گذرانده بوده

و به همین خاطر از آسیب بزرگ فقدان هماهنگی، انسجام و یکپارچگی در جهان اسلام رنج می برد؛ اندیشه تقریب را نه یک تاکتیک مقطعی، بلکه همچون یک استراتژی همیشگی، راهبرد و مأموریت کلیدی و به عبارتی یک چشم انداز نهایی می دانست که قابل حذف نیست. ایشان شهید و شاهد حوزه تقریب است، برخی از اندیشه های تقریبی ایشان باعث می شد که در حوزه فکری خرافی و سنتی، این مرد بزرگ به عنوان یک هنجار شکن قلمداد شود. موضوع بعدی که ایشان در تفسیر لحاظ می کردند و به زبان آورده بودند رویکرد منبع معرفتی اهل بیت (ع) بود؛ یعنی تقریب را به عنوان رویکرد اجتماعی جهان اسلامی می پذیرفت، اما از متن و اصالت خارج نمی شد. وی در تفسیر به شدت متن محور بود، و اصالت را در حفظ و بهره وری تفسیر از منابع اهل بیت (ع) تلقی می کردند. به دلیل روایت «إِنِّي تَارَكْتُكُمْ الْفَقْلَيْنِ مَا إِنِ تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا- كِتَابُ اللَّهِ وَعَثَرَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يُفْتَرَقَا حَتَّى يَرَدَا عَلَيَّ الْخَوْصُ» که اهل سنت و شیعیان نقل کرده اند؛ به هر حال ایشان می دانست که این دو نقل است که می توانند با هم در تبیین متن و مراد الهی به مدد مفسر آیند و یا مقصود خداوند را از آفرینش هستی و انسان معنادار کنند؛ بنابراین ایشان تأکید می کرد که منبع من در تفسیر روایات اهل بیت (ع) است.

جمع دور و بگرد متناقض نمادر تفسیر

می بینید که یک شخصیت می آید و دو موضوع به ظاهر پارادوکسیکال (تناقض نما) را با هم جمع می کند؛ از یک سو می خواهد تقریبی باشد و به این موضوع در تفسیرش امانت ورزانه باقی می ماند، ولی از سوی دیگر می خواهد از منبع اهل بیت (ع) برخوردار باشد. معمولاً مامیان رویکردهای تقریبی و توجه به منبع اهل بیت (ع) تعارض ظاهری می بینیم، اما ایشان هیچ پارادوکسی نمی دیده است، معتقد بود که این دو با هم وفاق کلی و تام دارند که این هم از هنرهای این مرد بوده است، اما چرا این هنر را داشت؟

چون جهان پیرامونی خود را به خوبی می شناخت. کسی که از حد چار دیواری خانه خود بیرون نرفته و سیر آفاق نکرده است، سیر انفسش هم سیر انفسی کم و کوتاهی خواهد بود. سیر فی الارض از ویژگی های بارز این انسان بزرگ و استاد عظیم الشأن و مفسر قرآن بود که به او کمک می کرد تا قرآن را درست بفهمد و درست تفسیر کند. می بینید که سیر

آفاق کمک کرده که ایشان به عنوان یک عالم عصری شناخته شود، این تفسیر مرهون وجود مفسری است که اصالت را با معاصرت تلفیق کرده است، تجدد و عصری زیستن را با اندیشه های کهن اصل و عمیق اسطوره ای که می توانست در بُن مایه های حیات فکری اندیشه روزانه یک عالم باشد، با هم گره زد. بسیاری خوب سخن می گویند، اما سخن شایسته و مناسب و خوب نمی گویند و برخی بالعکس؛ اما این مرد بزرگ به نظر می رسد هر دو را با هم داشت. همان طور که گفته شد، اقبال و استقبالی که از این تفسیر در محیط جامعه عربی همچون لبنان به عنوان یک پایگاه نشر عالم اسلام و کتب اسلامی دیده می شود، به علت این درک از معاصرت و زمان بود که این تفسیر را خواندنی کرد. این را فقط شیعیان و یا عامه مردم نمی خواندند بلکه نخبگان جامعه عرب نیز از آن استقبال کرده بودند.

اختصار و معاصرت در تفسیر

در کنار مؤلفه ها اختصار و معاصرت در موضوع باید توجه به جوانان را نیز قرار دهیم؛ او برای مخاطبان جوان می نوشت و آرزو می کرد که ای کاش این تفسیر به صورت کتاب های پالتویی در آید تا جوانان بتوانند آن را بخوانند. مسئله مهم جوان گرایی دغدغه ایشان بوده است که این تفسیر در محیط پرنشاط جوانان خوانده شود. او نذر نکرده بود که تفسیری بنویسد تا ثواب اخروی ببرد، بلکه نیل به هدایت عمه به ویژه جوانان برایش مهم بوده است. چون بسیاری را می بینیم که چهل سال می نشینند و تفسیر می نویسند، اما چه می نویسند و برای که می نویسند معلوم نیست، انسان برای خودش که چیزی نمی نویسد، می گویند ثواب دارد که متن الهی را بخوانیم و بنویسیم.

آیا ناظر به یک مخاطبی است که سخن را بخواند گرچه پیامبر اکرم (ص) مخاطب قرآن بود، اما این طور نیست، جوان امروز ما مخاطب قرآن نباشد. بلکه باید ملازم قرآن باشد، مخاطب قرآن باشد، از قرآن بهره برداری کند؛ لذا ایشان توجه به جوانان را در این اختصار و معاصرت کاملاً لحاظ کرده است و مطمئن کلماتی را که استفاده می کرده قابل فهم عمومی بوده است. در جهان عرب برای عده ای که ادبیات فاخر دارند، نبوده است که مایه مباهات، فخر و ... باشد. بنابراین چون این مرد بزرگ روح اصلی اسلام را فهم کرده بود، فهم کلی خود را در تفسیرش توانسته اظهار و ابراز کند.

حجت الاسلام
والمسلمین
بهمن اکبری:
در کنار
مؤلفه ها
اختصار و
معاصرت
در موضوع
باید توجه به
جوانان را نیز
قرار دهیم؛ او
برای مخاطبان
جوان
می نوشت و
آرزو می کرد
که ای کاش
این تفسیر
به صورت
کتاب های
پالتویی در آید
تا جوانان
بتوانند آن را
بخوانند

عبدالهادی فقهی زاده، معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و استاد گروه قرآن و حدیث دانشگاه تهران، معتقد است آیت الله تسخیری دانشمندی فرزانه و روشن اندیش و در همه عرصه های حضور، مایه فخر و مباهات بود و عمر بابرکت خویش را وقف تعالی امت اسلامی و ترویج اندیشه های اسلام ناب کرد و منشأ خدمات بزرگی در عرصه های گوناگون علمی، فرهنگی و اجتماعی و نمادی شایسته از علمای مکتب اهل بیت (ع) بود.

فقهی زاده تاکنون مقالات و پژوهش های متعددی با موضوعات قرآنی به رشته تحریر درآورده که از آن جمله «هویت حقیقی انسان از دیدگاه قرآن و حدیث»، «آفرینش انسان از دیدگاه قرآن و حدیث»، «معناشناسی فی سبیل الله در قرآن کریم، مورد پژوهی انفاق، جهاد با مال و ابتناء ذی القربی و مساکین» و «نقد نظریه قائلان به تناسب سوره ها در قرآن» بوده است.

همچنین «تاریخ گذاری سوره حج، درنگی در مکی یا مدنی بودن سوره و نقش آن در تفسیر»، «نقش آیات تعلیل در سوره احزاب»، «تحلیل و بررسی دیدگاه مفسران درباره آیات نسخ» و «مؤلفه های خدامحوری و آثار آن در زندگی از دیدگاه قرآن و روایات» از دیگر پژوهش هایی است که به قلم معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نوشته شده است.

فقهی زاده درصدد است که با همکاری یکی



گفت و گو با عبدالهادی فقهی زاده

المختصر ناظر به نیازهاست

گفت و گو

عالم دین شناس

جهان اسلام موضع واحدی را اتخاذ کنند. بنابراین، خدمات آقای تسخیری در جهان اسلام بی نظیر است و با رحلت ایشان جای خالی اش احساس می شود.

همچنین، مرحوم تسخیری با امیر جماعت اسلامی پاکستان، مرحوم قاضی حسین احمد، ارتباط خوبی داشت و سال ها پیش به دعوت او در سمیناری شرکت کرد و مقاله ای را ارائه داد که حاوی مسائل روز جهان بود و بعدها در مجله ترجمان القرآن جماعت اسلامی چاپ شد.

بنده از سال ۸۲ با او آشنا شدم. همیشه وقتی به تهران می آمدم برای عرض ارادت به دیدارش می رفتم. او همواره حال قاضی حسین احمد را از من جویا می شد. بعد از رحلت حسین احمد، آیت الله تسخیری تأکید کرد که فرزندش همراه من در کنفرانس وحدت اسلامی حضور یابد و این پیام را به فرزند او رساندم.

آیت الله تسخیری شخصیتی اسلامی بود که به جهان اسلام و گروه ها و نهضت های اسلامی محبت بسیاری می ورزید و می کوشید که میان آنها اتحاد ایجاد کند. او سفیر انقلاب اسلامی ایران بود، اندیشه و پیام انقلاب را به گروه های اسلامی انتقال داد، با شخصیت های دینی و احزاب و نهضت های اسلامی پاکستان تعامل خوبی داشت و روابطش با آنها براساس اصول شریعت اسلامی بود. هدفش این بود که روابط انقلاب اسلامی ایران را با نهضت های اسلامی و علمای جهان اسلام احیا کند و می خواست نهضت ها و شخصیت های دینی روابط دوستانه ای با یکدیگر داشته باشند و در امور

از مترجمان برجسته کشور تفسیر «المختصر المفید فی تفسیر القرآن المجید» شیخ تسخیری را به فارسی برگرداند و این ترجمه در کمتر از دو سال منتشر شود. به نظر او، تسلط زبانی مؤلفان، نگاه ارزنده فرهنگی و نیز روش و گرایش تفسیری این اثر، در عین اختصار، توانسته است آن را به جایگاه رفیعی برساند.

چرا تصمیم گرفتید که المختصر را به فارسی ترجمه کنید؟

با این تفسیر آشنایی داشتم و می دانستم که آیت الله تسخیری و شیخ محمد سعید نعمانی با تریب آیت الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر شروع به نگارش این تفسیر کردند. چندی پیش آقای محمد رضا نوراللهیان، از فعالان فرهنگ دینی، به ما ترجمه این تفسیر را پیشنهاد دادند و پس از بررسی، دریافتیم که این تفسیر ویژگی های مهمی دارد که شایسته است به زبان فارسی ترجمه شود و در اختیار فارسی زبانان قرار بگیرد. بدین ترتیب ترجمه این اثر را در دستور کار قرار دادیم.

شما به تنهایی ترجمه این اثر را انجام خواهید داد یا شخص دیگری هم با جنابعالی همکاری می کند؟

این اثر تفسیر فشرده کل قرآن است و گستردگی خاصی دارد. لذا یکی از مترجمان برجسته و دوستان شایسته ام، محمد تقدیمی صابری، را به این کار دعوت کرده ام. ان شاء الله این اثر را به خوبی ترجمه خواهیم کرد و اکنون مقدمات کار فراهم شده است.

آقای تقدیمی صابری چه مسئولیتی دارند؟

او از پژوهشگران و مترجمان بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی و فارغ التحصیل رشته قرآن و حدیث در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای تفسیر تطبیقی قرآن کریم است و از نظر علمی شایستگی لازم را برای این کار دارد.

با توجه به آشنایی با المختصر المفید، آیا فکر می کنید در ترجمه مشکلی خواهید داشت؟

این کار به دقت علمی نیاز دارد و سعی می کنیم که به مقتضیات علمی پایبند باشیم و امیدوارم که با مشکلی مواجه نشویم. کلان نگری نویسندگان محترم، بیان دیدگاه های کلی شهید صدر، گرایش تقریبی، توجه به دردهای عمده جهان اسلام و نگرستن به قرآن از دریچه کتاب زندگی موارد مهمی هستند که در این تفسیر به آنها پرداخته شده و دیدگاه کلی نویسندگان آن اجتماعی و مبتنی بر نیازهای نسل امروز است.

مبانی و روش نویسندگان المختصر را چگونه ارزیابی می کنید؟

درصدم مقاله ای را در مورد مبانی و روش آیت الله تسخیری و حجت الاسلام نعمانی در این تفسیر بنویسم. البته تسلط زبانی مؤلفان، نگاه ارزنده فرهنگی و نیز روش و گرایش تفسیری این اثر توانسته است که آن را، در عین اختصار، به جایگاه رفیعی برساند. امیدواریم

این ویژگی ها در متن فارسی هم انعکاس یابد.

بازه زمانی خاصی را برای این کار در نظر گرفته اید؟

قصد داریم تا پایان بهار ۱۴۰۱ ترجمه علمی و نگارش پانوشته های تکمیلی را انجام دهیم تا این اثر یک ترجمه صرف نباشد و این کتاب یک سال و نیم دیگر وارد بازار نشر شود.

انتشارات خاصی را برای چاپ کتاب مشخص کرده اید؟

چند مرکز همچون بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، انتشارات بوستان کتاب و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی را برای این کار در نظر گرفته ایم، اما هنوز تصمیمی نگرفته ایم و چون این کتاب جایگاه علمی شایسته ای دارد باید انتشارات فاخری آن را منتشر کند. البته یکی از جاهایی را که پیشنهاد داده ام، مرکز طبع و نشر قرآن کریم جمهوری اسلامی ایران است و اگر در مذاکره با آن به نتیجه برسیم، ممکن است عهده دار انتشار این اثر شود.

صحبت پایانی.

المختصر تفسیری دردمندانه، دغدغه مند و ناظر به نیازهاست. این اثر در زبان عربی مخاطبان بسیاری دارد و در زبان فارسی نیز دانشگاهیان، مبلغان دینی، حوزویان و غیرحوزویان می توانند از آن بهره مند شوند و دقت نظر مؤلفانش را دریابند. اطمینان داریم که به لطف خداوند، زمینه استفاده نسل های قدیم و جدید از این تفسیر فراهم خواهد شد.

۶۶
المختصر
تفسیری
دردمندانه،
دغدغه مند
و ناظر به
نیازهاست.
این اثر در
زبان عربی
مخاطبان
بسیاری دارد
و در زبان
فارسی نیز
دانشگاهیان،
مبلغان دینی،
حوزویان و
غیرحوزویان
می توانند از
آن بهره مند
شوند و دقت
نظر مؤلفانش
را دریابند

نمی شد، بلکه روی مسائل مختلف تمرکز می کرد.

همچنین، آثارش به زبان های عربی و فارسی چاپ شده و کتاب ها، مقالات و سخنرانی هایش میراثی علمی است که باید از آنها بهره برد. او کارشناس امور بین المللی و روابط جهان اسلام بود و باید سمیناری جهانی برای شخصیت علمی و انقلابی اش برگزار و مقالات متعددی درباره شخصیت و اقدامات او به زبان های فارسی، عربی، ترکی، انگلیسی، اردو و پشتو نوشته شود.

مولانا عبدالرحمان نورزای (نورزی)
امام جمعه اهل سنت مسجد جامع «سفیر» کویته پاکستان

یاد مرحوم تسخیری در قلب ما جاودان است. او دین شناسی بود که روح معارف را می شناخت و شکی نیست که عالمی ربانی و وارث علم انبیا بود و همیشه به احیای وحدت اسلامی می اندیشید و می خواست که در جهان اسلام اندیشه دینی و روابط اسلامی را تجدید کند و در این باره بسیار کوشید. علاوه بر این، او مبارز انقلابی جهان اسلام و شخصیتی قدرشناس بود. زمانی که دبیر کل مجمع تقریب وحدت اسلامی بود یا در سازمان ارشاد اسلامی فعالیت می کرد، همیشه علمای جهان اسلام را به وحدت و استقلال فرامی خواند و می کوشید که پیام بیداری اسلامی را به آنها انتقال دهد. او متفکری بود که میان تشکلهای اسلامی مانند اخوان المسلمین، نهضت آزادی بخش فلسطین، علمای اهل سنت، نهضت های اسلامی افغانستان و حزب الله لبنان روابط دوستانه ای را برقرار کرد. در واقع اندیشه او به اتحاد شیعه و سنی محدود

پایه گذار گفت و گوی قرآنی در عرصه بین الملل

المختصر؛ همسو با جریان اعتدال گرای فهم قرآن

سید حسن عصمتی، پژوهشگر قرآنی و راین فرهنگی سابق ایران در کشورهای تونس و سنگال مقاله ای عربی درباره تفسیر «المختصر المفید فی تفسیر القرآن المجید» با عنوان «الشیخ التسخیری مفسراً» به رشته تحریر در آورده که در نوع خود جالب توجه بوده و نکات خوبی را درباره این تفسیر بیان کرده است، در این مقاله تأکید شده است که روح تقریب در المختصر بسیار نمودار دور و بگرد تقریبی خوبی با تأکید بر افکار اهل بیت (ع) در آن دیده می شود.

عصمتی معتقد است المختصر یکی از تفاسیری است که به تقویت و توسعه تفکر قرآنی اعتدال گرا در جهان اسلام کمک خواهد کرد و حتی می تواند در کشورهای غیر مسلمان و در میان ادیان مسیحیت، یهودیت، بودایی و هندو مخاطب داشته باشد.

ابتدا درباره مقاله خود و ایده نوشتن آن توضیح دهید و اینکه چه زمانی با تفسیر المختصر آشنا شدید و تصمیم گرفتید که در مورد آن مقاله بنویسید.

حدوداً ۶۵ سال پیش و قبل از رفتن به مأموریت سنگال، به عنوان راین فرهنگی، یکی از فعالان فرهنگی با من تماس گرفت که قرار است درباره شخصیت آیت الله تسخیری یادنامه ای تهیه کنیم. من نیز به دلیل فعالیت بین المللی آیت الله تسخیری و سابقه همکاری با ایشان در مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و سازمان فرهنگ و ارتباطات، آمادگی خود را برای ارائه مکتوب فهم خود از تفسیر المختصر اعلام کردم و سپس مقاله «الشیخ التسخیری مفسراً» را نوشتم و در مجلات مختلف منتشر شد. در مجموع این مقاله نگاهی کلی به المختصر دارد و می تواند گام خوبی برای بررسی بیشتر این تفسیر باشد.

تفسیر المختصر را چگونه دیدید؟

در یک اظهار نظر کلی با نگاه به جریان های گوناگون فهم قرآن در جهان معاصر، می توان گفت که «تفسیر المختصر المفید فی تفسیر القرآن المجید» کتابی همسو با جریان میانه رو و اعتدال گرای فهم قرآن در جهان اسلام است؛ جریانی که در کشورهای دارای مسلمان مانند ایران، تونس، عمان، مالزی، اندونزی، عراق و آلمان محافل قرآن پژوهی اروپا و آمریکا طرفدارانی فراوان و مکتوباتی بسیار دارد و می تواند به همبستگی مسلمانان با یکدیگر و دیگر انسانها کمک کند. در واقع المختصر یکی از تفاسیری است که به تقویت و توسعه تفکر قرآنی اعتدال گرا در جهان اسلام کمک خواهد کرد و حتی می تواند در کشورهای غیرمسلمان و در میان ادیان مسیحیت، یهودیت، بودایی و هندو مخاطب داشته باشد. ویژگی های دیگر تفسیر المختصر این است که ادبیات فاخری در آن به کار رفته است و نگاه قرآنی اهل بیت (ع) در آن موج می زند؛ نگاهی که در غالب احادیث اهل بیت علیهم السلام مشاهده می شود. به عنوان یک کارشناس قرآنی در عرصه بین المللی نظرم این است که نگاه قرآنی اهل بیت (ع) در جهان مظلوم واقع شده و المختصر این مظلومیت را جبران کرده و توانسته است به سهم خود نگاه قرآنی اهل بیت (ع) را به مخاطبان منتقل کند و جای کار بسیاری دارد. این کتاب یکی از دست مایه های مهمی است که

می تواند به ایران در حوزه دیپلماسی قرآنی و ارتقای قرآن در حوزه فعالیت های فرهنگی بین المللی کمک کند.

درباره بخش های مختلف مقاله توضیح دهید.

مقاله «الشیخ التسخیری مفسراً» به سه بحث توجه کرده است: یکی مبحث جهانی نگرانی یعنی نگاهی جهانی به مخاطب؛ دوم معنویت که تجسم آن در این تفسیر و در مورد نکات اخلاقی و اجتماعی دیده می شود، یعنی نویسندگان آن، مرحوم تسخیری و حجت الاسلام شیخ محمد سعید نعمانی، نکات اخلاقی ضروری را در بخشی از آیات به مخاطب منتقل کرده اند. سوم بحث واقع گرایی است. مرحوم تسخیری و آقای نعمانی با توجه به فعالیتشان در حوزه بین الملل و تعامل با ملت های دیگر، این واقع گرایی را در تفسیر خود نشان داده اند و این تفسیر هم به آرمان گرایی و هم به واقعیت گرایی توجه کرده است.

اگر بخواهیم نگاه کلی تری داشته باشیم، باید بگوییم که چنین تفاسیری در جهان اسلام معاصر سابقه داشته است و در گفت و گوهای که مرحوم تسخیری داشتند به تفسیر المنتخب، که در مصر چاپ شد، اشاره و شباهت ها و تفاوت های تفسیر خود را با این تفسیر مصری بیان کردند، یعنی آن تفسیر بر المختصر تقدم زمانی دارد. پس معلوم می شود که مختصر نویسی تفسیر، که بحث روز است، در مصر و دیگر کشورها مانند عربستان هم وجود داشته، اما آیا آثار تفسیری قرآن پژوهان سعودی هم بر این تفسیر مقدم بوده است یا خیر؟ باید در مورد آن تحقیق کرد.

به هر حال تلاش برای نگارش تفاسیر مختصر و ارائه آن به مخاطب معاصر کوششی است که در جهان اسلام با محوریت ایران و مصر و عربستان شکل گرفته و این گونه فعالیت های قرآنی یکی از نقاط قوت برای تقویت و توسعه همگرایی بین کشورهای جهان اسلام، مانند ایران و عربستان به عنوان دو کشور قدرتمند جهان اسلام، است. در واقع تکیه بر این مشترکات، از جمله ایده مختصر نویسی تفسیر در بین قرآن پژوهان سعودی و فعالان قرآنی کشور ما، وجود داشته که حلقه وصل ایران فارسی و جهان عربی است، چون آیت الله تسخیری یکی از حلقه های مهم این دو جریان بودند و در تفسیر ایشان نیز هویداست. آیت الله تسخیری با همین فهم قرآنی خود توانست نمونه ای مقتدر

از دیپلماسی قرآنی جمهوری اسلامی ایران را با محوریت گفت و گوهای قرآنی به نمایش بگذارد و روش ها و تاکتیک های او در مذاکراتی که با عالمان و اندیشمندان جهان داشت و استفاده از آیات قرآن نیز از مهمترین ویژگی های او بود و این اثر میراثی مهم است که از مرحوم تسخیری به جا مانده و شایسته نقد و تحلیل است.

ویژگی دیگری که در فهم آیت الله تسخیری از قرآن باید مورد توجه قرار گیرد، انگاره های فقهی ایشان در تفسیر با محوریت فقه مقارن (مقارنه فقه اهل سنت و فقه شیعه و بیان نقاط قوت و ضعف هر کدام) است. او با تکیه بر فهم قرآنی اش توانست که در نهاد مهمی مانند مجمع فقه جده، که عضو آن بود، اثر گذار باشد. من افتخار داشتم که در دهه شصت شاگرد درس فقه مقارن آیت الله تسخیری و شهید سید محمد باقر حکیم در دانشگاه امام صادق باشم.

البته امثال مرحوم تسخیری کم هستند، زیرا نقطه قوت شخصیت قرآنی ایشان مهارت او در استفاده از روش گفت و گوی قرآن محور بود؛ همان روشی که در قرآن کریم دیده می شود. مرحوم تسخیری توانست با استفاده از قرآن و آموزه های آن از دیپلماسی قرآنی در عرصه ارتباطات فرهنگی بین المللی به خوبی استفاده کند. در واقع زیرکی آیت الله تسخیری این بود که از این گفت و گوی قرآنی در فقه استفاده کرد، یعنی به خوبی توانست با مخاطب عرب زبان خود مانند سعودی ها و سایر مسلمانان عرب زبان در مذاهب مختلف اسلامی، که گاه بسیار متعصب هستند، ارتباط برقرار کند.

او هم در عرصه ارتباطات فرهنگی بین المللی فعال بود و هم در عرصه گفت و گوی ادیان و خیلی خوب با رهبران ادیان مختلف ارتباط برقرار می کرد و آنها نیز بسیار به ایشان علاقه مند بودند و اخلاق محمدی را، که از قرآن و سنت فرا گرفته بود، در تعامل با رهبران سایر ادیان جهان یا رهبران اهل سنت اجرا می کرد.

ویژگی دیگری که در ارزیابی تفسیر المختصر باید به آن توجه کرد این است که مخاطب نخست این تفسیر مخاطب عرب زبان است و این اثر به راحتی می تواند با ذهن یک انسان عرب زبان تعامل برقرار کند. مؤلفان تفسیر المختصر به زبان عربی و پیچیدگی های آن مسلط بودند. مرحوم تسخیری در نشست گفته بود: «من از عالمان یمنی مانند بدرالدین الحوثی در نگارش تفسیر کمک گرفته ام و ایشان یک سری نقادانی و لغوی بر تفسیر المختصر

وارد کرده و من آنها را در تفسیر اعمال کردم.» ما می دانیم که یمنی ها در حوزه لغت قرآنی در طول تاریخ بسیار قوی بوده اند. در جهان عرب تفسیر المختصر المفید را می توان مانند تفسیر نور حجت - الاسلام قرآنی در جهان فارسی زبان قلمداد کرد؛ تفسیری که تلاش می کنند فهم خود از قرآن را در قالب پیام های کوتاه به مخاطبان برسانند. این گونه تفاسیر ظرفیت فراوانی برای استفاده در عرصه ارتباطات فرهنگی بین المللی دارند. بنابراین مرحوم تسخیری المختصر المفید را برای مخاطب جهان عرب با تأکید بر روش پیام رسانی نگاشته و خوب است که تفسیر ایشان به زبان فارسی و دیگر زبان ها ترجمه شود.

ویژگی دیگر این تفسیر که در مقاله ما به آن اشاره کرده ام توجه به بُعد جهانی قرآن و مفاهیم آن است. مرحوم تسخیری در جایی گفته بود: «عولمه الدین ضروره فطریه» یعنی جهانی بودن دین ضرورتی فطری است. این سخن به این حقیقت اشاره می کند که دین اسلام را باید جهانی دید. اسلام دینی منطقه ای یا قاره ای نیست و به مذهب خاصی هم وابسته نیست. مخاطب اسلام و قرآن انسانیت است و توجه به این حقیقت یکی از ویژگی های مهم تفسیر المختصر است. بنابراین ما نباید فهم قرآن را منحصر به تشیع یا تسنن یا آن را آسیایی و آفریقایی بدانیم، بلکه ظرفیت قرآن جهانی است و منحصر به مسلمانان یا غیر مسلمانان نیست. لذا سخن آیت الله تسخیری درباره جهانی بودن دین بسیار مهم است و باید در عرصه ارتباطات فرهنگی بین المللی به آن توجه کرد.

نکته دیگری که درباره اهداف این تفسیر بیان کرده اند، ساختن آینده جامعه انسانی در پرتو قرآن است، یعنی ما با قرآن به دنبال ساختن یک جامعه انسانی قرآنی باشیم. این نه تنها یک آرمان است، بلکه امری قابل اجراست. بنابراین جهانی دیدن قرآن، توجه به اخلاق و تلاش برای توسعه معنویت موجود در قرآن با نگاه به واقعیت های جهان معاصر از ویژگی های المختصر است.

در نگارش مقاله «الشیخ التسخیری مفسراً» به چه نکات برجسته دیگری درباره تفسیر المختصر اشاره کرده اید؟

در مقاله ام اشاراتی کوتاه اما گویا به تفسیر مرحوم تسخیری و آقای نعمانی کرده ام که در عناوین زیر به آنها می پردازم:

۱- استفاده از هنر تصویر سازی

از نکات مهم مختصر بودن این تفسیر آن است که آیت الله تسخیری تصریح کرده که از تفسیر فی ظلال القرآن سید قطب استفاده کرده است. می دانید که مرحوم سید قطب در تفسیر خود از موضوع تصویر الفنی للقرآن الکریم به خوبی بهره برده و توانسته است نقش قرآن را در تصویر سازی حقایق هستی برای نفوذ به خیال مخاطب به زیبایی بیان کند. مرحوم تسخیری و آقای نعمانی نیز در نگارش تفسیر خود با اثرپذیری از سید قطب توانسته اند که فهم خود را از قرآن در قالب عباراتی بیان کنند که به راحتی بتواند با ذهن و خیال مخاطب عرب زبان ارتباط برقرار کند.

۲- روحیه تقریبی

روح تقریب در این تفسیر بسیار نمود دارد و رویکرد تقریبی خوبی با تأکید بر افکار اهل بیت (ع) دیده می شود، چرا که یکی از پایه های مهم تقریب مذاهب اسلامی، توجه به فهم قرآنی اهل بیت (ع) است.

۳- گرایش اجتماعی و فلسفی

بالتبع بررسی مبانی و روش هایی که در این تفسیر وجود دارد نیازمند پژوهشی مستقل و مفصل است اما یکی از گرایش های معروف آن گرایش اجتماعی و فلسفی است. مرحوم تسخیری شاگرد مرحوم سید محمد باقر صدر و شیخ محمد رضا مظفر بود و حتماً از فهم اجتماعی و منطقی فلسفی این استادان در نگارش تفسیر خود استفاده کرده است. به نظر می رسد که ایشان بحث گفت و گوی قرآنی و چگونگی تعامل با جهان و اهل سنت را بیشتر از مرحوم صدر اخذ کرده و منطق گفت و گو را بیشتر از مرحوم مظفر گرفته اند. امروزه داشتن فهم اجتماعی و برخورداری از منطق گفت و گو برای ارائه فهم قرآن به مخاطب بسیار مهم است و تفسیر المختصر نمونه ای خوب برای الگوگیری است.

همانطور که گفتید آیت الله تسخیری شاگرد علامه محمد رضا مظفر بودند. از پیشینه علمی مرحوم مظفر بگوئید.

مرحوم شیخ محمد رضا مظفر از علمای نجف اشرف بودند و خدمات علمی بسیاری انجام دادند. یکی از مباحثی که ایشان روی آن تمرکز داشتند، اصول فقه بود که در حوزه های علمیه به «اصول

فقه مظفر» معروف است. البته در حوزه منطق و فلسفه هم فعالیت می کردند. می توان گفت مرحوم تسخیری ذهن اصولی و منطقی، گرایش اجتماعی و نگاه سیاسی در تفسیر را از مرحوم مظفر و شهید صدر فرا گرفته بود و این دو بزرگوار نقش مهمی در شخصیت مرحوم تسخیری و آقای نعمانی داشتند.

روش تفسیری المختصر چیست؟

روش تفسیر ترکیبی است. ما در این تفسیر روش تفسیر قرآن با قرآن، روش تفسیر قرآن با روایات، روش تفسیر قرآن با استفاده از آموزه های فلسفی، روش تفسیر قرآن با دستاوردهای علوم اجتماعی و روش تفسیر مدرن را می بینیم؛ مثلاً در این اثر به بحث انسانیت و انسان گرایی، که یکی از مبانی مهم فهم مدرن از قرآن است، توجه شده و نکته مهم این است که این روش ها طبق برداشت و فهم آیت الله تسخیری و آقای نعمانی بیان شده، یعنی ما برای درک روش هر تفسیر باید به فهم نویسندگان آن تفسیر توجه کنیم. بنابراین قبل از هر چیز شخصیت شناسی نویسندگان برای بررسی سایر جهات علمی تفسیر اهمیت دارد.

به نظر شما چه نقدهایی به تفسیر المختصر وارد است؟

نقد و بررسی این تفسیر نیاز به پژوهش دارد و من این کار را نکرده ام اما در یک نقد و بررسی کلی می توانم مطالبی را که به نظر می رسد خدمت شما و خوانندگان عزیز و قرآن دوست خبرگزاری قرآنی ایکنابگویم:

۱- مقدمه مختصر

در این تفسیر مقدمه مختصر و مفید است اما اگر مقدمه آن به جای دو صفحه، چهار صفحه می بود بهتر بود، چرا که مقدمه کنونی بیش از حد موجز است. برای مثال مقدمه تفسیر علامه طباطبایی کوتاه و گویاست و مفسر به بسیاری از مطالب مورد نظرش برای نگارش تفسیر اشاره کرده است. به نظرم لازم بود که مقدمه تفسیر المختصر مفصل تر باشد تا خواننده بهتر بتواند با مبانی، روش و گرایش های مفسران آن آشنا شود.

۲- ضرورت کثرت منابع

نکته دیگر استفاده از منابع است. نویسندگان این تفسیر باید بیشتر به استفاده از منابع مهم



پژوهشگران

به ویژه

قرآن پژوهان

کشورمان

همانند مرحوم

تسخیری

به رویکرد

بین المللی

در فهم قرآن

توجه کنند و

از تلاش علمی

برای تبیین

مبانی و اصول

«گفت و گوی

قرآنی»

(الحوار القرآنی)

که مورد توجه

مفسرانی

مانند مرحوم

تسخیری بود

غافل نشوند

در یک جمله مرحوم آیت الله تسخیری را توصیف کنید.
پایه گذار گفت و گوی قرآنی در عرصه بین الملل.

آیا خاطره ای از مرحوم تسخیری دارید که در ذهنتان ماندگار شده باشد؟

من از نظر کاری با مرحوم تسخیری کم و بیش همکاری می کردم، اما خاطره ای از قول یکی از محافظان ایشان شنیده ام. او می گفت که در خارج از کشور وقتی آیت الله تسخیری در هتل تلویزیون می دیدند، در جواب مجری تلویزیون که سلام کرده بود، جواب سلام او را داده بودند، یعنی ادب این مرد ناخود آگاه بود و یک انسان چقدر می تواند مهربان و خوش اخلاق باشد که حتی به مجری تلویزیون هم جواب سلام بدهد.

همچنین، پشتکار ایشان در انجام کارها به رغم جسم رنجورشان از خاطرات ماندگار همه افرادی است که او را می شناختند و فراموش شدنی نیست. او به عنوان فردی که ارتباطات بین المللی داشت و مشاور فرهنگی مقام معظم رهبری در امور جهان اسلام بود، همواره شاداب به نظر می رسید و این شادابی قرآنی در وجود او نهادینه شده بود.

در پایان اگر نکته ای هست، بیان کنید.

در پایان سخنانم یک پیشنهاد و یک توصیه دارم. توصیه من این است که با توجه به شخصیت قرآنی مرحوم تسخیری و موفقیتی که او در عرصه بین الملل داشت، شایسته و بایسته است که دستگاه دیپلماسی ایرانی از ظرفیت شگرف و عمیق قرآن و مفاهیم آن (دیپلماسی قرآنی با محوریت گفتمان قرآنی) در ارتباطات گوناگون با جهان غفلت نکند، زیرا هر جا غفلت کرده ایم متضرر شده ایم. تجارب مرحوم تسخیری و بسیاری از فعالان قرآنی بین المللی نشان داده است که دیپلماسی قرآنی ایران مخاطبان بسیاری در جهان دارد. پیشنهاد من این است که پژوهشگران به ویژه قرآن پژوهان کشورمان همانند مرحوم تسخیری به رویکرد بین المللی در فهم قرآن توجه کنند و از تلاش علمی برای تبیین مبانی و اصول «گفت و گوی قرآنی» (الحوار القرآنی) که مورد توجه مفسرانی مانند مرحوم تسخیری بود غافل نشوند. انجام این پژوهش های بنیادی می تواند پشتوانه علمی خوبی برای راه اندازی «تالارهای گفت و گوی علمی بین المللی قرآنی» با محوریت جمهوری اسلامی ایران باشد.



مرحوم تسخیری از گفتمان قرآنی در عرصه بین المللی به خوبی استفاده می کرد؛ به نظر من قلب و عقل مرحوم تسخیری در صدد بود که دستگاه دیپلماسی جهان اسلام به دیپلماسی قرآنی به مثابه «ارتباطات بین المللی قرآن محور» توجه کند و از ظرفیت آن در تعاملات دینی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بهره ببرد. دیپلماسی قرآنی یعنی محوریت انسانیت، صلح و گفت و گو در مذاکرات، تعاملات و مناسبات بین المللی. در واقع وقتی سیاست از قرآن دور شود، به دروغ، ستم و خشونت منتهی مانند خشم داعش تبدیل می شود.

همچنین مرحوم تسخیری اخلاق بسیار خوبی داشت. همه کسانی که او را می شناختند اذعان کرده اند که اخلاق ایشان قرآنی بود. او با همین اخلاق قرآنی مروج عملی گفتمان قرآنی بود.

اگر بخواهید در یک جمله تفسیر المختصر را توصیف کنید، چه می گوئید؟

می توان گفت المختصر تفسیر تقریب گرای به روزی است، یعنی تفسیری که فهم قرآنی مفسران و قرآن پژوهان مذاهب اسلامی به ویژه شیعه و اهل سنت را به خوبی در کنار هم گذاشته و تلاش برای تثبیت و ترویج روح همگرایی در حوزه تفاسیر قرآنی، روح این تفسیر است. این تفسیر جزو تفاسیر همگرایانه جهان اسلام محسوب می شود و جهان اسلام بسیار نیازمند همگرایی است. البته روش مرحوم تسخیری در تعامل با جهان اسلام یاب به طور کلی جهان، از ادیان ابراهیمی گرفته تا مذاهب اسلامی، موفق بود و باید تحلیل شود. هندسه فهم قرآنی مرحوم تسخیری موضوعی است که باید درباره آن تحقیق علمی و دانشگاهی انجام و از نگاه های مختلف بررسی شود.

جهان اسلام، که همسو با افکار خودشان است، توجه می کردند. این حرفم با توجه به شخصیت بین المللی نویسندگان است. مرحوم تسخیری چهره ای بین المللی بود و زمانی که چنین فردی تفسیری می نویسد، باید به منابع بیشتری توجه کند. البته الحق و الانصاف با توجه به مسئولیت های اجرایی فراوان مرحوم تسخیری و جناب نعمانی باید به آنها برای نوشتن چنین تفسیری، که چندین دهه به صورت غیرمداوم برای آن زحمت کشیده شده، دست مریزاد گفت.

گفتید که آیت الله تسخیری با تکیه بر قرآن، گفتمان قرآنی را تبیین کردند و در این تفسیر از خود به یادگار گذاشتند. منظور از گفتمان قرآنی چیست؟

گفتمان قرآنی به این معناست که ارتباط خود با مخاطب، چه ارتباط فرهنگی و چه ارتباط علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، را با آموزه های قرآن دنبال کنیم. برای مثال آیت الله تسخیری در همایش «نقش تفسیر متون مقدس برای ایجاد جهانی عاری از خشونت» شرکت کردند، یعنی برای پیش بردن بحث ادیان، از قرآن به عنوان یک گفتمان در گفت و گوی بین ادیان بهره بردند یا در مراسمی، که در حاشیه نمایشگاه بین المللی قرآن برگزار می شد، شرکت و بحث های قرآنی را مطرح می کردند. این امر گفتمان سازی است. بنابراین، چرا ما نباید گفت و گوهای قرآنی در جهان و ارتباطات بین المللی را با محوریت دیپلماسی قرآنی پیش ببریم؟ این امر مسئله مهمی است، زیرا مثلاً در حوزه «قرآن و هنر» کارهای بااهمیتی وجود دارد؛ از فیلم و سریال گرفته تا تلاوت، خوشنویسی و معماری.

“
المختصر
تفسیر
تقریب گرای
به روزی
است، یعنی
تفسیری که
فهم قرآنی و
مفسران و
قرآن پژوهان
مذاهب
اسلامی به
ویژه شیعه
واهل سنت
را به خوبی
در کنار هم
گذاشته
است



کتابی که نیل به هدایت عامه را هدف قرار داد

خط و مشی امام صادق (ع) و معصومین در المختصر

به گفته حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا نوراللهیان، استاد و محقق حوزه علمیه و مشاور ارشد رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، آیت الله تسخیری مرد اداره کنفرانس های عظیم در کشورهای عربی، آسیای شرقی و جنوب آسیا بود و از مسائل اسلام و حیثیت مسلمین و تشیع دفاع می کرد. نوراللهیان تفسیر «المختصر المفید فی تفسیر القرآن المجید» را اثری کم نظیر در سده اخیر می داند و می گوید: این تفسیر با وجود روایی، اجتماعی و سیاسی بودن، منادی وحدت است و برای عموم مذاهب کاربرد دارد.

شهادت صدر در صد بدو تفسیری نوشته شود که اگر جوانی ۱۰ دقیقه آن را مطالعه کند، مطالبی را یاد بگیرد و احساس کند که نورانیت قرآن را گرفته است

می کرد چقدر در تفسیر المختصر نمودار دارد؟ شهید صدر در صد بدو تفسیری نوشته شود که اگر جوانی ۱۰ دقیقه آن را مطالعه کند، مطالبی را یاد بگیرد و احساس کند که نورانیت قرآن را گرفته است. بنابراین با وجود اینکه در المختصر مسائل اجتماعی، ادبی، عرفانی و سیاسی مطرح شده، به قدری همه چیز مختصر بیان شده که خارج از حوصله یک جوان نیست. بدین ترتیب آیت الله تسخیری و یار بافضیلت او به آرزوی شهید صدر جامه عمل پوشانند.

دربار ویژگی های المختصر سخن بگوید. این تفسیر در بین تفاسیر صد سال اخیر کم نظیر است و به پیشنهاد علامه شهید سید محمد باقر صدر (علی نحو مقرر) نوشته شد، زیرا آیت الله تسخیری و آقای محمد سعید نعمانی دو شاگرد مستعد و فعال او بودند. همچنین، تفسیر معروف جناب ری شهری عرفانی، تفسیر طنطاوی اجتماعی، تفسیر علامه طباطبایی برهانی - فلسفی و تفسیر سید قطب (فی ضلال القرآن) سیاسی است، اما شهید صدر تأکید می کرد که

ویژگی هایی که شهید صدر بر آن ها تأکید

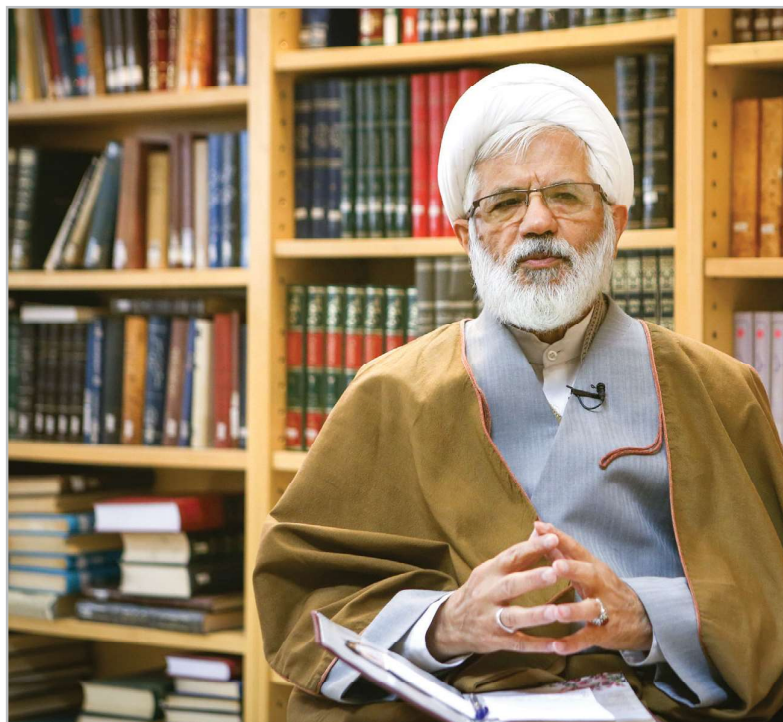
دیدگاه

پرورش یافته دامان قرآن و اهل بیت (ع)

ساحل مقصود هدایت کرد و نه از تاریکی شب هراسی به دل داشت و نه از موج فتنه ها خسته می شد. با وجود آنکه در سالهای اخیر ضعف جسمانی هم داشت، بانیری ایمان ضعف جسمانی اش را جبران می کرد و لحظه ای از تبلیغ رسالت الهی غافل نمی شد. این شخصیت برجسته و پرورش یافته دامان قرآن و اهل بیت (ع) خود را به محاسن و مکارم اخلاق اسلامی مزین کرده بود و به همین دلیل تئوری های تقریبی اش با اعمال خالصانه همراه بود و تأثیر فراوانی در انقلاب فکری نخبگان داشت. در این سفر پرخطر خار مغیلان ملامت ها می کرد، ولی ایشان غمی نداشت، چون به ضرورت تقریب و تبلیغ اعتقاد داشت، نه اینکه به عنوان تاکتیک از آن استفاده کند، چرا که این گونه رفتارها آرمان های او را بی نتیجه می گذاشت. علامه به خوبی می دانست که تقریب مذاهب از طریق ارتباط علما و نخبگان مختلف امکان پذیر است. لذا به سراغ تک تک مؤسسات و

آیت الله تسخیری عمر پربرکت خود را صرف خدمت به اسلام و مسلمین کرد و دیوارهای تفرقه را، که از طرف متعصبین متحجر و قدرت های استعمارگر بنا شده بود، در هم کوبید و مهر و محبت را در قلب های پاک جستجوگران و انسان های خسته از عداوت ها و دشمنی ها ایجاد کرد و اساسنامه تقریب قلوب مسلمین را نوشت. مرحوم علامه تسخیری را از سال ۱۳۶۰ می شناختم و در مجمع جهانی اهل بیت (ع) و مجمع تقریب مذاهب اسلامی به منزلت پدر و استادی بارسته بود. در طول سال های پر مشقت و بحرانی بین المللی با روح و نفسی مطمئن، کشتی تبلیغ و تقریب را به





کنند. مرحوم تسخیری این رنج‌ها را درک کرده بود و در تفسیرش نگاه تقرب و وحدت مذاهب نمود دارد، زیرا به آن باور داشت.

با توجه به اینکه براساس روایات، قرآن «حمل ذووجه» معرفی شده و بنیادگرها و داعشی‌ها برداشت خود را مبتنی بر قرآن ارائه می‌دهند، آیت‌الله تسخیری چگونه توانست از این برداشت‌ها بگذرد و آیات را به شیوه‌ای مورد قبول و با رویکرد تقریبی تفسیر کند؟

خداوند در قرآن درباره تکفیری‌ها و کسانی که از برخی آیات برای پیشبرد منافع خود سوء استفاده می‌کنند، می‌فرماید: «فی قلوبهم مرض» مانند معاویه که به سبب حب جاه، قرآن را به نفع خود برداشت می‌کرد یا سازمان منافقین در ترور شهید بهشتی به آیات قرآن استناد کرد. بنابراین آیت‌الله تسخیری قرآن را با توجه به عترت و سنت و روایات تفسیر کرد، به گونه‌ای که کسی به برداشت خود استناد نکند و در تفسیرش خط مشی امام صادق (ع) و دیگر معصومین را اجرا کرد، یعنی اثرش اجتماعی، عرفانی، فلسفی و روایی است.

مهم‌ترین دغدغه نگاران این تفسیر چه بود؟

المختصر تفسیری روشن و راهگشای نسل جوان است. اختصار و جلب جوانان دغدغه نگاران آن بود؛ یعنی خواننده شدن تفسیر در محیط پر نشاط جوانان اهمیت داشت تا آنان ملازم قرآن شوند. از همین رو نویسندگان المختصر با زبان ساده و قابل فهم مفاهیم آیات را بیان کردند.

رویکرد تقریبی آیت‌الله تسخیری در تفسیرش چه جایگاهی داشت؟

هم و غم او این بود که رویکردی اساسی و بنیادی به قرآن کریم داشته باشد، به گونه‌ای که براساس آن جهان اسلام به قرب اسلامی، فکری و معنوی دست یابد و تأکید می‌کرد مسلمانانی که در همه اصول و فروع دین با یکدیگر اشتراک دارند چرا باید به سبب اتفاقی که در سال چهل هجری درباره خلافت پیامبر (ص) رخ داد با هم اختلاف داشته باشند و به ارزش‌های یکدیگر توهین

مرحوم تسخیری تا چه میزان از تجربیات کاری در نگارش این تفسیر بهره برد؟

او چهره‌ای بین‌المللی و مرد جهان اسلام بود و با زرتشتی، مسیحی و لائیک ارتباط برقرار می‌کرد و در جاهایی حضور می‌یافت که شاید کمتر کسی به آنجایی رفت و نیز با فرهنگ‌ها، زبان‌ها و ملیت‌های مختلف آشنا بود و در نتیجه سفرهای خود به اقصی نقاط جهان، توانست که انتظار دنیای معاصر از قرآن را بفهمد. از همین رو این تفسیر در پاسخ به بسیاری از سؤالات و ابهامات کم نظیر است.

“
**المختصر
تفسیری
روشن و
راهگشای
نسل جوان
است.
اختصار و
جلب جوانان
دغدغه
نگاران
آن بود؛
یعنی خواننده
شدن تفسیر
در محیط
پر نشاط
جوانان
اهمیت داشت
تا آنان ملازم
قرآن شوند**

تلاش کرده‌اند که آتش فتنه در میان کشورهای اسلامی شعله‌ور نباشد و مسلمانان گرفتار اختلافات مذهبی باشند و آنها نیز به سلطه ظالمانه‌شان ادامه دهند. همچنین، سیاست کشورهای اسلامی و مسائل داخلی آنان در حوزه فعالیت آیت‌الله تسخیری نبود، بلکه مسائل کلی را، که دامنگیر تمام کشورهای اسلامی بود، نقد و بررسی و راه حل‌هایی را مطرح می‌کرد. در تقرب مذاهب هر دستاوردی که نصیب امت اسلامی شده است، بدون اغراق نام علامه تسخیری همانند خورشیدی می‌درخشد و اگر امروز جبهه مقاومت در سنگرهای مختلف علیه جریان‌های تکفیری و تروریسم موفقیت‌هایی را به دست آورده، به دلیل روشنگری‌های این مرد بزرگ بوده است.

قدیر آکاراس

رئیس مجمع علمای اهل بیت (ع) ترکیه و مؤسسه علمی-فرهنگی کوثر

شخصیت‌های گوناگون در کشورهای مختلف می‌رفت و مشکلات و مصائب امت اسلام را به آنان منتقل می‌کرد و راه حل‌هایی را در قالب نصایح پدران ارائه می‌داد. هر کسی که ساعتی با ایشان نشست و برخاست داشت، متحول و شیفته شخصیت اخلاقی این مرد بزرگ می‌شد. او بسیار به ترکیه سفر کرد و بنده توفیق همراهی و میزبانی او را داشتم و شاهد تواضع، ساده‌زیستی، مردم‌داری، غمخواری و تبلیغ هدفمند او بودم، به طوری که پس از اتمام هر برنامه‌ای، حضار تحت تأثیر سخنان و اخلاقش قرار می‌گرفتند.

شاید سخت‌ترین نوع تبلیغ، تبلیغ مباحث تقریبی باشد، زیرا شناخت عقاید و احکام و فرهنگ مخاطب، بهره‌مندی از علوم روانشناسی و جامعه‌شناسی و آگاهی از مسائل سیاسی و دیپلماسی از لوازم آن است و بدون اطلاع از این موارد موفقیت چندانی حاصل نمی‌شود. مرحوم تسخیری به خوبی متوجه بود که دشمنان قسم‌خورده اسلام از دیرباز

وحدت اسلامی بر پایه مرجعیت علمی اهل بیت (ع)

این کتاب شامل پیشگفتار، مقدمه و سه فصل است که نویسندگان آن برای اثبات مرجعیت اهل بیت (ع) از کتب مورد قبول علمای برجسته تمامی مذاهب اسلامی بهره گرفته است. بررسی مرجعیت علمی اهل بیت (ع) از منظر قرآن و سنت، معرفی منابع علم اهل بیت (ع) و نگاهی مقایسه‌ای به زندگی اهل بیت (ع) و بزرگان هم‌عصر آن‌ها فصل‌های این کتاب را تشکیل می‌دهند.



اقلیت‌های مسلمان مشکلات و راه کارها

موضوع این کتاب مجموعه مقالات ارائه شده در سازمان همکاری اسلامی با محوریت اقلیت‌های مسلمان است. دشواری انجام امور عبادی و نیایش جمعی، مشکلات مربوط به قضایای احوال شخصیه، پوشش اسلامی برای زنان مسلمان، مشکلات آموزشی و تربیتی و مشکلات اجتماعی و تأکید بر پذیرش فرهنگ حاکم مهم‌ترین مسائل پیش روی اقلیت‌های مسلمان در این کتاب ذکر شده است.



کتاب‌هایی
به قلم شیخ تقریب



ایده‌های گفت‌وگو با دیگران

این کتاب پیشگفتار و سه فصل دارد و نویسنده تلاش کرده است که ایده‌ها و پیشنهادهایی را برای تقویت گفت‌وگوهای اسلامی با دیگران مطرح کند و مسیر همکاری‌های انسانی و سازنده میان پیروان ادیان را هموار سازد. نقش تمدنی امت اسلامی با ذکر نمونه‌های تمدن‌ساز اسلام، ارزش‌های گفت‌وگو و هم‌زیستی از دیدگاه فرهنگی اسلامی و نقش تمدن امت اسلامی در جهان آینده عناوین سه فصل آن هستند.



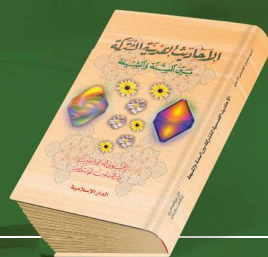
حول القرآن: مقالات و محاضرات

این کتاب به زبان عربی و نام کامل آن «حول القرآن: مقالات و محاضرات القاها الشيخ محمد علی التسخیری» است که آن را «تحسین البدری»، پژوهشگر و اندیشمند عراقی، گردآوری کرده و دربردارنده مجموعه‌ای از مقالات و سخنرانی‌های آیت‌الله تسخیری درباره مسائل کلیدی اسلام از منظر قرآن است. این کتاب دو فصل دارد و در آن مباحثی همچون علوم قرآن، تاریخ قرآن، آیات مکی و مدنی و... تبیین شده است.



الاحادیث القدسیة المشتركة بين السنة والشیعة

مؤلفان این اثر «سید محسن حسینی امینی» و آیت‌الله «محمد علی تسخیری» هستند و موضوع آن احادیث قدسی مشترک بین شیعه و سنی است که در پنج باب به زبان عربی تنظیم شده و شامل احادیثی مربوط به توحید و صفات و افعال و نام‌های خدا، پیامبران و فرستاده‌شدگان و اعتقاد به آنان، معاد و حالات آن و بهشت و جهنم، احکام عبادات و نیکی و پیوند خویشاوندی و فضایل پسندیده است.



مع مؤتمرات مجمع الفقه الاسلامی (۱ تا ۶)

موضوع این کتاب که به زبان عربی نوشته شده، درباره همایش‌های مجمع بین‌المللی فقه اسلامی در جده است و آیت‌الله تسخیری در آن به ارائه گزارش‌هایی از دوره نخست تا ششم این مجمع پرداخته است. ایشان نماینده جمهوری اسلامی ایران و مذهب تشیع در مجمع بود و دو سال‌ها در آن عضویت داشت و یکی از فعال‌ترین اعضای آن محسوب می‌شد.



حول کتاب الآيات الشیطانية

این کتاب به زبان عربی است و ۳۲ صفحه دارد و پاسخگوی شبهاتی است که سلمان رشدی در کتاب آیات شیطانی آنها را مطرح کرد. آیت‌الله تسخیری در این اثر سلمان رشدی را فردی ملحد دانسته که چهره شخصیت‌های مقدس همچون جبرئیل امین و حضرت اسماعیل (ع) را با دروغ و فرافکنی مخدوش و به نبی مکرم اسلام (ص)، همسران و اصحاب او توهین کرده است.



در المختصر با وجود ذکر اقوال مختلف،
اختصار رعایت و حق مطلب ادا شده است.

چرا با وجود معلومات ذهنی و علمی
استاد تسخیری، ایشان رویکرد
اختصار در تفسیر المختصر را انتخاب
کردند؟

او می خواست تفسیری را در دسترس جوانان
قرار دهد که همیشه همراهشان باشد و با
وجود اختصار، نیاز خود را تأمین کنند. به
نظر او تفسیری مورد اقبال جوانان قرار
می گیرد که بتواند با صرف کمترین زمان،
نیاز آنان را برآورده کند و در عین حال فاقد
پیچیدگی تفاسیر متداول و اطناب ملال آور
آنها باشد.

آیت الله تسخیری در نگارش این
تفسیر چقدر از تجربیات کاری شان
بهره بردند؟

این اثر در طول ۳۰ سال نگاشته شد و
آیت الله تسخیری به دلیل مسئولیتی
که داشت، در دهها نشست بین المللی و
منطقه ای با موضوعات مستحدثه جهان
اسلام حضور می یافت و علاوه بر اشراف
علمی، مذاکره فراوان او درباره مسائل جهان
اسلام نیز تأثیر قابل توجهی در نگارش این
تفسیر گذاشت.

رویکرد تقریبی در تفسیر المختصر
چه جایگاهی دارد؟

آیت الله تسخیری معتقد بود که تفسیر
قرآن کریم نباید با هدف حمله به یک
مذهب اسلامی نوشته شود، بلکه باید برای
عموم مذاهب کاربرد داشته باشد. او به دلیل
آگاهی از معارف اهل بیت (ع) توانست که
ضمن بهره گیری از آموزه های این مکتب،
از مدار تقریب مذاهب اسلامی خارج نشود.
اهمیت این موضوع وقتی روشن می شود
که بدانیم جای خالی چنین نگاهی در
تفاسیر موجود احساس می شد، زیرا او
افراط و تفریط در برخی تفاسیر را آسیب زا
می دانست.

با توجه به اینکه در روایات، قرآن



**آیت الله
تسخیری
معتقد بود
که تفسیر
قرآن کریم
نباید با هدف
حمله به
یک مذهب
اسلامی
نوشته شود،
بلکه باید
برای عموم
مذاهب
کاربرد داشته
باشد**

محبت الاسلام والمسلمین مهدی ایمانی پور

المختصر تفسیری تقریبی

حجت الاسلام والمسلمین مهدی ایمانی پور، معاون همکاری های علمی و فرهنگی
سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی معتقد است در سال های اخیر ایران و تشیع در
میان علمای جهان اسلام به نام آیت الله تسخیری شناخته می شد. خوش خلقی، اخلاص،
تواضع، تسلط بر مباحث علمی و مهم تر از آن تسلط ادبیانه به زبان عربی و ارائه مطالب
با زبان فصیح و فاخر و تفقد و سرکشی به تک تک علمای مسلمان ویژگی هایی بود که
چهره محبوبی از آیت الله تسخیری ساخته بود، البته صدق گفتار، روحیه انتقاد پذیری و
تسلط به مباحث قرآنی نیز به این محبوبیت دامن می زد و همین امر سبب شد اهل سنت
و بسیاری از علمای این مذهب کماکان ایشان را به عنوان شخصیت محبوب اسلامی
بشناسند.

ایمانی پور تفسیر المختصر المفید فی تفسیر القرآن المجید را اثری می داند که در عین
اختصار می توان آن را تفسیری جامع دانست که به خوبی از رویکردهای متداول در
تفاسیر بهره برده است. وی معتقد است آیت الله تسخیری را نباید منحصر به تقریب
مذاهب اسلامی کرد؛ بلکه باید گفت ایشان نقش وحدتی و تقریبی در میان پیروان تمامی
ادیان داشت و در واقع مؤسس گفت و گوهای دینی میان اسلام و سایر ادیان در اقصای
نقاط جهان بود.

مهم ترین ویژگی این تفسیر چیست؟

ویژگی بارز این اثر، براساس نامش، مختصر و
مفید بودن آن است و کارآمدی، به روز بودن،
سادگی، پیوستگی مطالب در عین استواری
و اتقان و پرداختن به مسائل اجتماعی و
سیاسی اسلام از دیگر ویژگی های آن به
شمار می آید.

همچنین، ضمن پاسخگویی به نیاز
محققان، ذائقه مخاطبان جوان جوامع
اسلامی را می شناسد و نیاز آنان را به خوبی
تأمین می کند و همچون تفاسیر تفصیلی
به تمامی آرا و اقوال نپرداخته، بلکه به قول
ارجح اکتفا کرده است، حتی تفاسیر مشابه
نظیر المنتخب که مختصرند در مواردی وارد
مباحث تفصیلی می شوند و بیش از حد
به اقوال مختلف می پردازند، در حالی که

تفسیر المختصر را چگونه ارزیابی
می کنید؟

آیت الله تسخیری به توصیه استادش،
شهید آیت الله صدر، تفسیر مختصری بر
قرآن نگاشت. به نظر او، تفسیرهای مختصر
کنونی آیات قرآن را از جنبه لغوی و ادبی
تفسیر یا به شأن نزول آیات توجه کرده اند
و وارد بحث های پراکنده شده اند، در حالی
که نیازمند تفسیری هستیم که ضمن پرهیز
از بیان موارد اختلافی، به قول اصح اکتفا
کند. برای مثال او در تفسیر واژه «کوثر» به
جای استفاده از «خیر کثیر»، که در تفاسیر
مختلف استفاده شده است، «تسل پر برکت و
ماندگار فاطمه زهرا (س)» را به عنوان معنی
واقعی کوثر بیان می کند که با ظاهر سوره
سازگار، منطبق با روایات و قول ارجح است.





کریم با عبارت «حمال ذووجوه» ذکر شده و فرقه های مختلف اسلامی از جمله سلفیون، بنیادگراها و داعشی ها بر داشت خود را مبتنی بر قرآن ارائه می دهند، چگونه ایشان توانست تمام آیات را با رویکرد تقریبی تفسیر کنند؟

به دلیل اینکه قرآن «حمال ذووجوه» است می توان آن را به رأی مختار تفسیر کرد. هنگامی که امیرالمؤمنین (ع) عبدالله بن عباس را برای احتجاج با خوارج به نزد آنان فرستاد، به او فرمود: «لا تخصصهم بالقرآن! فإن القرآن حمال ذووجوه؛ هنگام بحث و نزاع با ایشان به قرآن بسنده نکن، زیرا قرآن قابل حمل بر معانی مختلف است. استدلال تو علیه ایشان با سنت و حدیث باشد، زیرا برای آنان گریزی نخواهد ماند.» آیت الله تسخیری نیز در تألیف این تفسیر تلاش کرد که با استفاده از روایات مشترک و قابل پذیرش فریقین، به اتقان تفسیر و وجوه تقریبی آن بیفزایند.

روش تفسیری مرحوم تسخیری در المختصر چیست؟

این تفسیر در عین اختصار، اثری جامع است و به خوبی از رویکردهای متداول در تفاسیر بهره برده و در پاره ای موارد از قرآن برای تفسیر قرآن و نیز از وجوه عقلی و نقلی به میزان کافی استفاده کرده است. آیت الله تسخیری ظرافتی را در تفسیر مد

نظر قرار داد که به اتقان آن کمک کرده است؛ از جمله آیاتی را که وحدت موضوعی داشتند جداگانه تفسیر نکرد و کوشید که تا حد امکان پیام اصلی را تبیین و بر برداشت جامعی از آیات تأکید کند. او از تفسیر المیزان شیعیان و تفسیر فی ضلال القرآن اهل سنت به عنوان منابع اولیه استفاده کرد و از فهم اجتهادی و توجه به فضا و سیاق آیات بهره برد.

با توجه به میراث آیت الله تسخیری، باید روی کدام ویژگی برجسته و روش کارشان تمرکز کنیم تا بتوانیم راهشان را ادامه دهیم؟

او قرآن را داعیه دار تقریب و وحدت می دانست و باور داشت که مسلمانان می توانند برای تقویت حس تقریب، به جنبه تفسیر قرآن اهتمام بیشتری بورزند. به عنوان کسی که سالها از نزدیک توفیق مؤانست با او را داشتم می گویم که تقریب در اندیشه آیت الله تسخیری چشم اندازی به بلندای شکل گیری تمدن نوین اسلامی داشت و تلاش گسترده او برای افق گشایی و باورپذیر کردن تمدن نوین اسلامی در میان نخبگان جهان اسلام از مظاهر این اندیشه ژرف بود.

بدین منظور او برای شکل گیری امت اسلامی و تقریب در آن اهتمام ورزید و این مهم در تألیفاتش همچون المختصر نمایان است. لذا اگر بخواهیم مسیر ایشان را تداوم بخشیم، باید روی اندیشه تقریب به عنوان

میراث ماندگارش تمرکز کنیم. آیت الله تسخیری تقریب را منحصر به مسلمانان نمی دانست، بلکه آن را بین همه بشریت و پیروان ادیان ضروری می شمرد.

خاطره ای از ایشان دارید؟

خاطرات زیاد است، دوره مأموریت من در روسیه به عنوان رایزن فرهنگی، با برگزاری اجلاس «جی ۸» (اجلاس هشت کشور صنعتی جهان) در سن پترزبورگ روسیه هم زمان شده بود، در آن سال ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه علاقمند بود برای معرفی هر چه بیشتر روسیه از رهبران ادیان جهانی دعوت کند در آستانه این اجلاس پیامی برای پیروان ادیان در سراسر جهان منتشر کنند.

برای انتخاب شخصی که در حضور پوتین از اسلام و مسلمانان بگوید و پیام اسلام را تبیین کند، رازنی هایی در حال انجام بود، پس از بررسی های لازم چهره ای مناسب تر، تقریبی تر و مقبول تر از آیت الله تسخیری برای این منظور یافت نشد، لذا از ایشان برای این مهم دعوت به عمل آمد و به یاد دارم وقتی ایشان در این اجلاس درباره اسلام و جایگاه آن و نگاه تقریبی و گفت و گو محور اسلام سخن گفت، مورد تشویق و توجه همگان قرار گرفت. سخنان وی به ادعان حاضران، رونق و آبروی اسلام در آن نشست شد.

خاطره دیگری هم از روسیه دارم، نشستی را رهبر مفتیان روسیه در مسکو برگزار کرده بود که متولی آن قطری ها بودند، از ایران هم آیت الله تسخیری دعوت شده بود، مفتی روسیه با علم به این که آیت الله تسخیری شخصیتی منحصر به فرد است، اما نخستین سخنرانی را به دلیل اسپانسر بودن قطری ها، در اختیار آنان قرار داد، زمانی که عالم قطری پشت تریبون قرار گرفت، گفت من در جایی که آیت الله تسخیری به عنوان یکی از بزرگان جهان اسلام حضور دارند، به خود اجازه نمی دهم سخنرانی افتتاحیه را ایراد کنم و با اصرار از حضرت آیت الله تسخیری خواستند که این نشست را با سخنان خود افتتاح کنند.



آیت الله تسخیری قرآن را داعیه دار تقریب و وحدت می دانست و باور داشت که مسلمانان می توانند برای تقویت حس تقریب، به تفسیر قرآن اهتمام بیشتری بورزند

سوره

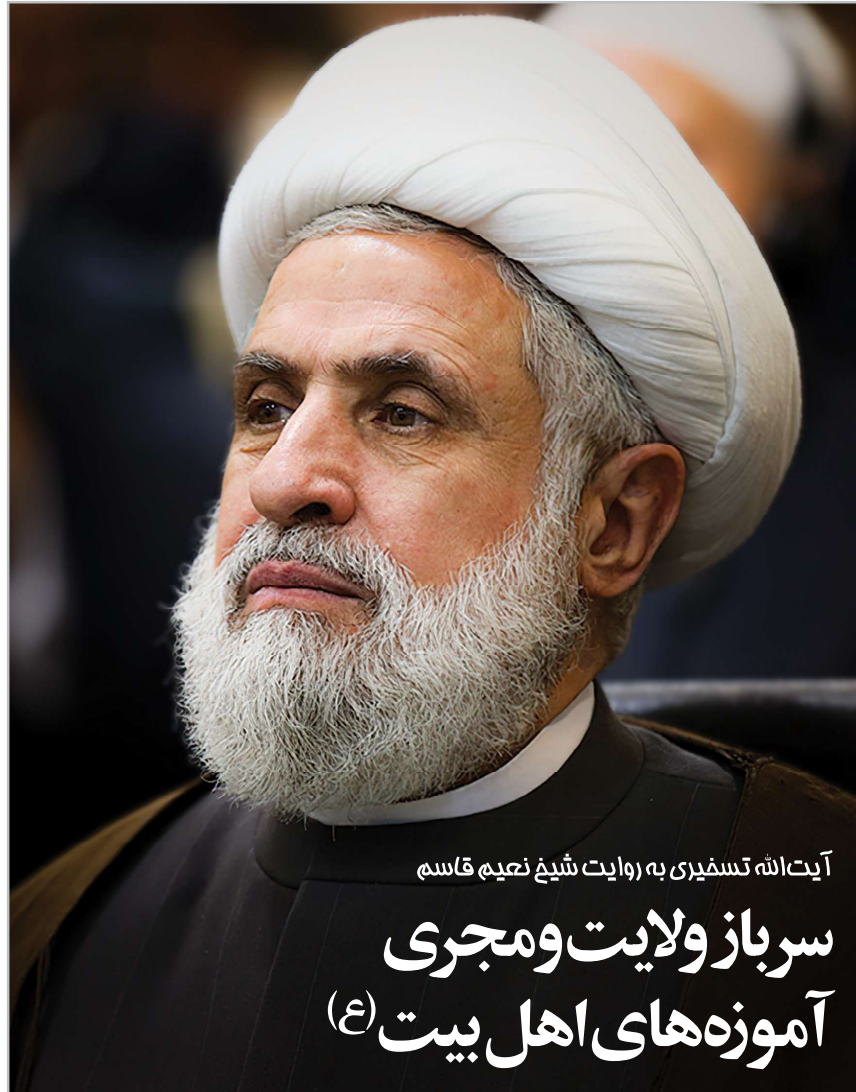
ویژه نامه
سالگرد مرحوم
آیت الله محمدعلی تسخیری

پیشگام
علم و معرفت

شیخ نعیم قاسم، معاون دبیر کل حزب الله لبنان و از شخصیت های اثرگذار شیعه در سیاست لبنان است. لیسانس شیمی خود را به زبان فرانسه از دانشگاه لبنان دریافت کرد و در کنار تحصیلات دانشگاهی در حوزه علمیه لبنان نیز دروس دینی را فرا گرفت. وی به همراه امام موسی صدر در تشکیل جنبش امل یا حركة المحرومین و نیز در تأسیس حزب الله لبنان مشارکت داشت. او همچنین از سال ۱۹۹۱م طی ۵ دوره متوالی معاون دبیر کل حزب الله لبنان شده و فعالیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری دارد. او تأکید دارد زمانی که از آیت الله تسخیری نام می بریم، او را به عنوان نماد و پرچم اسلام ناب محمدی در سراسر جهان و نه فقط در جمهوری اسلامی ایران، یاد می کنیم.

وی معتقد است آیت الله تسخیری مرد عرفان، ایمان و مرد فرمانبردار در برابر امام انقلاب و رهبر آن امام خمینی (ره) بود. وی مردی ولایت مدار بود که از آن با شیوه ای بسیار فوق العاده یاد می کرد به نحوی که محبت مردم و جوامع اسلامی را به سوی آن برانگیخت و علمای امت را با تکیه بر آن به یکدیگر نزدیک کرد.

اگر بخواهیم آیت الله شیخ محمد علی تسخیری را توصیف کنیم، باید بگوییم که او مبلغ جهانی اسلام بود و جهان را درنوردید و برای کنفرانس و دیدار در کشورهای مختلف حاضر می شد و با علمای شیعه و سنی ملاقات و در میان



آیت الله تسخیری به روایت شیخ نعیم قاسم

سرباز ولایت و مجری آموزه های اهل بیت (ع)

دیدگاه

کنفرانس های اسلامی متعددی، که اهل تسنن و شیعیان را به تقریب دعوت می کرد، حضور می یافت. او با الازهر رابطه خوبی داشت و فعالیت های درخوری را در سودان، لبنان، بحرین و دیگر کشورها انجام داد و می گفت که به دلیل وضعیت سیاسی عراق، تقریب با خطر بزرگی روبه روست و اگر شرایط فعلی این کشور ادامه یابد، همه تلاش های تقریبی به شکست می انجامد.

او در جوانی به طبع شاعری و قریحه خود در سرودن شعر پی برد و قصاید متعددی را سرود و در ایران در مناسبت های مختلف اسلامی و سمینارهای ادبی شرکت می کرد و به خواندن شعر و ایراد سخنرانی می پرداخت. او سخنوری فصیح، متفکری خلاق و انسانی محترم بود. این اندیشمند فقید در خدمت به اسلام و مسلمانان از هیچ تلاشی فروگذار نکرد و میراث بزرگی را از خود به جای گذاشت. آواز مهم ترین علمای تبلیغ اسلام و تقریب

پراغ راه پژوهشگران علوم دینی

عبدالغنی شمس الدین، رئیس اتحادیه علمای مسلمان در جنوب شرق آسیا در بسیاری از کنفرانس ها و سمینارها در کوالالمپور، قطر، استانبول و تهران با آیت الله تسخیری دیدار کرده است. او را دوستی مهربان، مبلغی سخت کوش و خواستار اتحاد و الگویی از فروتنی و خوش اخلاقی می داند و می گوید: به دلیل همین ویژگی ها همه شیفته اش می شدند و در سخنوری به زبان عربی مهارت داشت.

آیت الله تسخیری یکی از مشهورترین پیشوایان شیعه در تقریب مذاهب بود و در

مقاله

ابعاد تمدنی میان‌ه‌روی اسلامی

آیت‌الله تسخیری معتقد بود اعتدال و میان‌ه‌روی اسلامی به معنای رعایت انصاف، عدل، توازن، حکمت، خرد و قرار دادن هر چیزی در جای خود است، او مغایرت با اعتدال را موجب فساد و تباهی جامعه و فرد می‌داند و تأکید دارد الحاد، شرک، اسراف، فحشا، رهبانیت (ترک لذت‌های دنیوی)، بخل، ترس و عدم احساس مسئولیت نوعی تجاوز و عدم پایبندی به حد شرعی و عدول از جاده میان‌ه‌روی است. مرحوم تسخیری میان‌ه‌روی و اعتدال را در همه امور جهانی حائز اهمیت دانسته و امنیت بشری را نیز در گرو اعتدال و میان‌ه‌روی می‌داند. به باور آیت‌الله تسخیری اسلام می‌خواهد جامعه انسانی الگو و اسوه میان‌ه‌روی و اعتدال باشد تا خداوند به پادشاه این رفتار آن‌ها را جانشین خود در زمین قرار دهد؛ همان‌گونه که پیشینیان را جانشین خود قرار داد.

مجمع جهانی اهل بیت (ع)، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و ... فعالیت می‌کرد و هیچ یک از مراکزی که در رابطه با تقریب و وحدت اسلامی فعالیت می‌کند، وجود ندارد که نامی از آیت‌الله تسخیری در آن برده نشود. امید است که تألیفات، کتب و مقالات ایشان که در راستای وحدت امت اسلامی نگاشته شده است، در روز قیامت بر درجات او بیفزاید.

شخصیتی که تریبون‌ها، کنفرانس‌ها، مجلات، مقالات و افراد با موضع‌گیری‌های مختلف او را می‌شناسند، او صدای اسلام وحدت‌گرا و جمع‌کننده شیعه و سنی بدون هر گونه ایجاد تفرقه در سطح جهان اسلام بود. او تنها نماینده ایران اسلامی در سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه جهان اسلام بود. او اندیشه، اصول و جزئیاتی که با این روش منسجم بود را با دقت علمی فراوان و با شیوه‌ای که منسجم با رفتار و روش او بود، مطرح می‌کرد.

هیچ موضع‌گیری در تقریب بین اهل سنت و شیعه را نمی‌یابیم مگر آن که آیت‌الله تسخیری در طراحی و اصول اساسی آن حضور داشت.

شیخ تسخیری از مصادیق این آیه کریمه در دنیا و آخرت است: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» خدا [آرتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند [برحسب] درجات بلند گرداند» (مجادله/ آیه ۱۱). شیخ بزرگوار، خداوند تو را رحمت کند و درجات تو را بالا ببرد و با محمد (ص) و آل محمد (ص) محشور گرداند و ما را در اعلیٰ علین همراه با اولیاء، شهدا و صالحان با تو همراه کند.

اقلیت‌های اسلامی و مسلمان در کشورهای اسلامی سخنرانی می‌کرد؛ گویی او حامل توشه‌ای از علم و تقوا بود که قصد داشت آنها را در عالم نشر دهد. او از نخستین روزهای پیروزی انقلاب و شکل‌گیری جمهوری اسلامی به ندای امام خمینی (ره) لبیک گفت و با دعوت به وحدت اسلامی برای تقویت روابط مسلمانان جهان کوشید. آیت‌الله تسخیری با شیوه زندگی، نوشته‌ها، سخنرانی‌ها و دیدارهای خود از مسیر ولایت پیروی می‌کرد و خود را سرباز ولایت به رهبری امام خامنه‌ای می‌دانست، تا جایی که حتی بیماری نتوانست او را از پیگیری فعالیت‌هایش بازدارد.

او همیشه خندان، نورانی، خوش‌برخورد، خوش‌سخن، دوست‌داشتنی و پیرو واقعی رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) و عاشق آنها بود و از دست دادن او شکافی را در امت اسلام به وجود آورد. البته آنچه را او کاشت اکنون جوانه زده است و روزی شکوفای می‌شود.

شخصیت علمی آیت‌الله تسخیری تأثیر خود را در ایران و جهان بر جای گذاشته است و ما باید سیره او را بررسی کنیم تا بتوانیم نسل‌های آینده را با جنبش، فعالیت‌ها و دیدگاه‌هایش آشنا سازیم.

این مرد بزرگ که ملت‌های مختلف او را می‌شناختند، باندای اسلام، میان‌شیعه و سنی وحدت ایجاد می‌کرد و توانسته بود آموزه‌های مکتب اهل بیت (ع) را در میان امت اسلامی به اجرا درآورد.

آیت‌الله تسخیری در جایگاه‌های متعددی از جمله مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی،

در زمان خود بود و تألیفاتش، به ویژه در مورد تبلیغ دین و شریعت اسلامی، مرجع و چراغ راه دانشجویان علوم دینی و مطالعات اسلامی در جهان خواهد بود.

او برای علما به عنوان ادامه‌دهندگان راه انبیا و مبلغ میراث پیامبران احترام فراوانی قائل بود و به آنها توصیه می‌کرد که در امر تقریب مذاهب دیگران را بی نصیب نگذارند و اقدامات تأثیرگذاری را انجام دهند. به نظر او، علما می‌بایست از علل و موانع تفرقه در امت اسلامی و میزان تأثیر مخرب آن بر وحدت و دستاوردهای امت اسلامی آگاه باشند.

عقب‌ماندگی علمی و جهل گسترده در امور مختلف، نبود تشکیلات واحد برای یکپارچگی فعالیت‌ها و توانمندی‌های مسلمانان، مرزهای جغرافیایی بین کشورهای مسلمان که گاه موجب تنش‌های سیاسی و

نظامی می‌شود و مخالفت با وحدت در برخی کشورها از جمله این موانع است. علاوه بر این، او در معرض اتهام طرفداری از ایران و شیعه قرار گرفت، اما از دعوت به تقریب و وحدت در امت اسلامی سرباز نزد، زیرا این امر برای دین اسلام اهمیت فراوانی دارد و این دین همگان را به همزیستی، تکریم بشریت، ایستادگی قاطع در برابر افراط‌گرایی، لزوم شفافیت در خصوص سوء ظن‌ها و بیان حقیقت در برابر گروه‌های افراط‌گرا دعوت کرده است.

آیت‌الله تسخیری این مسائل را در ک کرد و دریافت که در راه تحقق وحدت، موانع متعددی از جمله قطب‌گرایی شدید سیاسی، کشمکش‌های راهبردی برخی کشورهای منطقه و نقشه‌های استکبار جهانی برای تسلط بر کشورها وجود دارد.





اسماعیل هنیه از شیخ تقریب می گوید؛

تلاش برای بسیج علما برای دفاع از قدس

اسماعیل هنیه از رهبران حماس با نام کامل «اسماعیل عبدالسلام حمد هنیه» با کنیه «ابوالعبد» در ۲۹ ژانویه ۱۹۶۳ در اردوگاه الشاطی در غزه به دنیا آمد. محل اصلی زندگی خانواده اش قبل از آوارگی روستای الجوره در عسقلان بوده است. هنیه نخست وزیر دولت خودگردان فلسطین از ۲۹ مارس ۲۰۰۶ تا ۱۴ ژوئن ۲۰۰۷ بود. وی در ۶ مه ۲۰۱۷ رئیس جدید دفتر حماس و جایگزین خالد مشعل شد. هنیه معتقد است درگیری، تفرقه و اختلافات داخلی کشورهای اسلامی و عربی و جنگ های مذهبی موجب انحراف افکار عمومی از مسئله قدس و مسجد الاقصی خواهد شد.

مرحوم
تسخیری از
دوستان در
فلسطین،
مقاومت و امت
اسلام بود.
برای همین
بود که آرزو
می کرد
نمیرد
مگر آن که
با احرام در
مسجد الاقصی
نماز بگذارد

مسجد الاقصی نماز بگذارد. این امام و علامه ای که دلش به فلسطین و این امت و آزادی فلسطین گره خورده بود، همیشه می گفت: فلسطین یکپارچه است، فلسطین سربلند خواهد بود. این مرد، مرد وحدت بود. تو امام وحدت بودی، تو امام فلسطین و حامی آزادی فلسطین و تمام فلسطین بودی. مرحوم تسخیری برای بسیج و تشویق علمای امت اسلامی به منظور آزادسازی قدس، دفاع از آرمان فلسطین و مقابله با دشمن صهیونیستی

دغدغه اش وحدت امت و تقریب بین مذاهب اسلامی بود و به این امر نیز اکتفا نمی کرد بلکه تقریب میان شریعت اسلام و مسیحیت نیز در مقابله با نقشه های صهیونیستی آمریکایی در منطقه تلاش می کرد. او فردی متواضع، وحدت گرا، میانه رو و معتدل و به دور از تعصب و افراط بود و برای وحدت امت تلاش می کرد. مرحوم تسخیری از دوستان در فلسطین، مقاومت و امت اسلام بود. برای همین بود که آرزو می کرد نمیرد، مگر آن که با احرام در

هنیه آیت الله تسخیری را اسوای ناب در عرصه نقش آفرینی علما در زمینه های مختلف و همچون قطب نمایی می داند که نخبگان شیعه و مبلغان امت اسلامی باید حول محور آن فعالیت کنند و می گوید این قطب نما به ما می گوید که بر آرمان وحدت امت اسلامی، کنار گذاشتن درگیری ها و گام برداشتن در مسیر مبارزه با دشمن مشترک، رژیم صهیونیستی، متمرکز شویم. وی می گوید: او را همیشه در حالی می دیدم که

گفت و گو

ثروتی از تجربه در محافل بین المللی

علی رمضان الاوسی، استاد دانشگاه جهانی علوم اسلامی لندن، مدیر مرکز مطالعات جنوب عراق و قرآن پژوه عراقی است که در انگلیس زندگی می کند. او علاوه بر پژوهش های دینی و فرهنگی، به مطالعات تخصصی در حوزه آمریکا و صهیونیسم نیز می پردازد و همواره پرچم تقریب مذاهب اسلامی را برافراشته و چندین بار دبیر کنفرانس های تقریب مذاهب بوده است. روایت او درباره آیت الله محمد علی تسخیری از نظر تان می گذرد.

آیت الله تسخیری شاگرد مکتب امام خامنه ای و دانشنامه ادبیات عرب، فقه و علوم دینی و اسلامی بود و برای عزت اسلام و استقلال مسلمانان تلاش و نیز عمر خود را در راه وحدت مسلمانان، گفت و گوی ادیان و مبارزه با تکفیر و تروریسم صرف کرد. علاوه بر این کتب و مقالات زیادی را به رشته تحریر درآورد و از اساتید برجسته حوزه محسوب می شد و درباره سیاست، اقتصاد، اقلیت ها، تقریب مذاهب، وحدت ادیان، قانون اساسی، حقوق بشر، حقوق زنان و مرجعیت اهل بیت (ع) مطلب می نوشت و تدریس می کرد. بدین ترتیب نشاط و تلاش خستگی ناپذیرش همه را شگفت زده می کرد و در اواخر عمر با وجود بیماری، در نشست ها حضور پررنگی داشت و در صدها کنفرانس با محوریت گفت و گوی ادیان و تقریب مذاهب شرکت کرد.



در سخن
گفتن از
آیت الله
تسخیری
میراث این
فرد شایسته
و صالح را
یاد آور شویم
و از تلاش او
برای احیای
وحدت امت
اسلامی،
پایان دادن به
مناقشه های
طایفه ای
و مذهبی
و مرهم
گذاشتن بر
زخم های
پیکر امت
اسلامی
سخن بگویم

از طرف خودم و برادرانم در جبهه مقاومت، ملت مبارز فلسطین و محافظان بیت المقدس از علمای امت اسلامی می خواهم که یک بار دیگر نقش پیشگامانه خود را برای دفاع از حق و وحدت این امت به منظور دستیابی به عزت و شرافت مسلمانان و رویارویی با دشمن مشترک ایفا کنند. باید هر سال در سالروز رحلت این اندیشمند متفکر به احترام تلاش او برای تحقق وحدت و ردّ فتنه مذهبی در امت اسلامی تمام قد بایستیم و به او ادای احترام کنیم.

شایسته و صالح را یادآور شویم و از تلاش او برای احیای وحدت امت اسلامی، پایان دادن به مناقشه های طایفه ای و مذهبی، مرهم گذاشتن بر زخم های پیکر امت اسلامی، بستن درها به روی فتنه های داخلی و حفظ استعدادها، ظرفیت ها و جایگاه متمدانه این امت سخن بگویم. اسلام و قدس از مشترکات ما هستند و اختلاف قومی و مذهبی درد و خسرانی آشکار محسوب می شود و راز قدرت ما در وحدت ماست.

تلاش کرد. او در دوره ای زندگی کرد که در آن علمای امت و چهره های مسلمان، اعم از شیعه و سنی، در کنار چهره های ملی گرد هم آمدند تا برای دفاع از قدس بسیج شوند و از جمله آنها شیخ یوسف قرضاوی، مرحوم شیخ قاضی حسین احمد و شخصیت هایی مسیحی هستند که تاریخ منطقه به آنها افتخار می کند و از اشتراکات آنها با مسلمانان، موضوع دفاع از آرمان فلسطین است. همچنین، باید در سخن گفتن از آیت الله تسخیری میراث این فرد

علاوه بر این آیت الله تسخیری تفسیر المختصر را تألیف کرد تا جوانان را به مطالعه تفسیر قرآن سوق دهد. در این اثر بهره گیری از مکتب اهل بیت (ع) مشهود است، زیرا او و همکارش، آقای نعمانی، در نگارش آن از منابع معتبر درباره مکتب اهل بیت (ع) استفاده کردند. همچنین در آن خلاصه ای از آرای مفسران و دیدگاه هایشان در باب شأن نزول آیات بیان شده و اختصار مهم ترین دغدغه مؤلفان آن بوده و متن آن بسیار دقیق و قابل فهم است.

البته جوانان معتقد و باسواد در داخل و خارج باید برای ترجمه المختصر به زبان های مختلف همچون انگلیسی، فرانسوی و اسپانیایی اقدام کنند و خبرگزاری ایکن نیز سمیناری را با موضوع بررسی این تفسیر برگزار کند تا علاقه مندان و دانش پژوهان بتوانند از پژوهش های ارائه شده بهره مند شوند.

مرحوم تسخیری بر وجوه مشترک ادیان و مذاهب و لزوم کنار گذاشتن مسائل اختلاف برانگیز تأکید می کرد. او از شاگردان حضرت امام خمینی (ره)، امام موسی صدر و آیت الله سید محمد باقر صدر بود و نیز خود را یکی از طلبه های امام خامنه ای و سخنانش را نتیجه آموزه های او می دانست.

همچنین مؤسسات بزرگی را تأسیس کرد که سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مجمع جهانی اهل بیت (ع) و مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی از آن جمله اند و در تأسیس جامعه المصطفی (ص) العالمية نقش داشت و هم نماینده مردم تهران در مجلس خبرگان رهبری بود. او در سازمان همکاری اسلامی، مجمع فقه اسلامی و بانک توسعه اسلامی عضویت داشت و به همین سبب تجارب فراوانی را کسب کرد.

درباره کتاب بوسنی در خون ونحوه
آشنایی تان با آیت الله تسخیری
توضیح دهید.

پیش از انقلاب آقای تسخیری را دورادور می شناختم، زیرا ایشان در مؤسسه «در راه حق» که مؤسسه ای علمی، تبلیغی و تحقیقی بود، فعالیت می کرد و پس از اینکه از عراق به ایران آمده بود، در آنجا زبان عربی تدریس می کرد. من هم چون نشریات این مجموعه را دریافت می کردم با او آشنا بوم و نامش را به عنوان یک فرد عربی دان، انگلیسی دان و خوش برخورد شنیده بوم. بعد از انقلاب، عهده دار مسئولیتی در سازمان تبلیغات شد و سپس سازمان تبلیغات کار مشترکی را با معاونت بین الملل سازمان ارشاد اسلامی آغاز کرد. همین امر و اتحاد این دو مجموعه سبب تشکیل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی شد.

زمانی که ماجرای بوسنی و قتل عام ها رخ داد، مردم دنیا به آن توجه چندانی نکردند. ابزار رسانهای استکبار هم نمی خواست که در این باره خبری منتشر شود، حتی در کشورمان این اتفاق جنگ داخلی تلقی می شد. سپس کتاب بوسنی در خون را نوشتم و آن را به سازمان تبلیغات دادم و چاپ کرد. احتمال می دهم آقای تسخیری من را از طریق این کتاب شناخته باشد. در سال ۷۳ با یکدیگر آشنا شدیم. شخصیتش به مثابه نهادی بین المللی بود و عبارت شخصیت بین المللی برای او کم است.

چطور شد که به نگارش کتاب درباره
ایشان روی آوردید؟

در سال ۹۱ قرار شد که بزرگداشتی برای آیت الله تسخیری برگزار شود و این کار را پژوهشگاه فرهنگ اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و وزارت ارشاد انجام دادند. به این مناسبت پیشنهاد کردم که آثارش خلاصه و در این برنامه مطرح شود. مقرر شد سه جلد کتاب شامل چکیده آثارش، زندگینامه و نظرات و مقالات دیگران تألیف شود. دوستان بسیاری عهده دار این کار شدند و نگارش بخش زندگینامه و مبارزات آقای تسخیری بر عهده من قرار گرفت. فکر می کردم کار ساده ای است اما این طور نبود، زیرا او از صحبت درباره خود

شفصیتی که خود یک سازمان بود

جلوه شهید صدر در اندیشه و آثار مرحوم تسخیری

عباس آریازند، راین فرهنگی اسبق ایران در بوسنی و هرزگوین و مؤلف کتاب سرو نسته، با موضوع زندگینامه و شخصیت مرحوم آیت الله تسخیری، است. یکی از آثار او با عنوان بوسنی در خون موجب آشنایی او با آیت الله تسخیری شد. آریازند در مجموعه سه جلدی «صلاغر وحدت» درباره آیت الله تسخیری نیز همکاری داشت و یکی از جلد های این مجموعه را به رشته تحریر در آورد. او از این اتفاق ونحوه آشنایی با شیخ تقرب می گوید.

امتناع می کرد و ناچار بودم به دیگران و منابع مراجعه کنم. البته با او صحبت می کردم، اما زمانی که صحبتها به سمت مسائل مربوط به خودش کشیده می شد، شوخ طبعی به خرج می داد.

در نهایت سماجت های من نتیجه داد و مقداری صحبت کرد. هنوز صدای ضبط شده او را دارم. بعد با اخوی هایش و چند روزی هم در قم با طلبه های هم دوره یا دوستانش صحبت کردم. همچنین با دفاتر مراجع و هر کسی که به نحوی با او آشنا بود به گفت و گو پرداختم. سرانجام این مجموعه سه جلدی با عنوان «صلاغر وحدت» منتشر شد.

پس از وفاتش، افرادی در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی پیشنهاد دادند که مجموعه مفصل تری را شامل زندگینامه، آثار و سخنان دیگران درباره او تهیه کنیم. من هم کتاب اصلی را، که زندگینامه ایشان بود، مینا قرار دادم و آن دو کتاب دیگر را هم خلاصه و به آن اضافه کردم و نتیجه اش کتابی با عنوان سرو نستوه شد.

مهم ترین انگیزه شما از نگارش کتاب هایی درباره آیت الله تسخیری چه بود؟

به نظرم همذات پنداری. احساس می کنم که زندگی او از نظر سرگذشت، کوشش ها و سختی به زندگی من بسیار شبیه است. البته من در یک قالب کوچک و او در قالبی بزرگ. بعد از آشنایی مان، روز به روز به او بیشتر علاقه مند شدم و دیدم که چقدر دوست داشتنی است، زیرا مظلوم بود. دل سپردگی به شخصیتش مرا به تدوین دو کتاب درباره او سوق داد. همچنین دوستان، خانواده و برگزار کنندگان بزرگداشت از من خواستند که این کار را انجام دهم.

مهم ترین مشکل شما در تألیف این آثار چه بود؟

مهم ترین مشکل کم حرفی آقای تسخیری بود. اگر از او سؤال فقهی، فرهنگی، سیاسی می کردید، ساعت ها حرف می زد، ولی در مورد خودش دو سه کلمه می گفت. مثلاً وابستگی فکری بسیاری به آیت الله صدر داشت و شهید صدر در خودش، آثار و گفته هایش جلوه گر بود. یک روز پرسیدم که رمز عشق و علاقه

به آقای صدر چیست؟ می گفت که ایشان را دوست داشتم و توضیح دیگری نداد.

از خانواده آیت الله تسخیری و نحوه رشد و تربیت ایشان بگویید.

او شخصیت جامع الاطرافی داشت که محصول آموزش یا برنامه ریزی خاصی نبود. خود ساخته و تربیت شده شرایط ویژه ای بود که تکرار نمی شود و البته چنین انسانی هم تکرار نمی شود. پدرش، شیخ علی اکبر تسخیری، قبل از ۱۳۲۰ و پس از تحصیل در حوزه های علمیه مازندران به ویژه رامسر، به دلیل علاقه به یادگیری علوم دینی و سخت بودن شرایط در دوره رضاخان به نجف مهاجرت کرد و به همراه خانواده اش در آنجا روزگار گذراند و زندگی آنها بسیار سخت بود. او به یکی از استادانش به نام آقای امامی بسیار علاقه مند شد و بعدها با دخترش که عرب بود ازدواج کرد و فرزند بزرگ این خانواده، محمد علی، دو زبان فارسی و عربی را یاد گرفت.

مرحوم شیخ علی اکبر علاقه چندانی نداشت که به عربی صحبت کند، اما از آنجا که فرزندش زبان عربی را از مادر می آموخت و معلمی برای آموزش اصول زبان عربی داشت، زبان آموزش او عربی بود و در جوانی علاوه بر حضور در مراکز مذهبی و دینی، در انجمن شعر و محافل دانشگاهی حاضر می شد و با شخصیت های کشورهای دیگر ارتباط برقرار می کرد. در دبیرستان زبان انگلیسی را هم آموخت. او با کسانی که برای یادگیری علوم دینی به عراق می آمدند، چه شیعه و چه اهل سنت، ارتباط داشت و با آنها بحث می کرد. خوش ذوق، خوش زبان، خوش سیما و به زبان های عربی، فارسی و انگلیسی مسلط بود.

در آن زمان رژیم بعث روی کار آمده بود و برای فعالیت مراکز علمی و دینی بسیار سختگیری می کرد، مثلاً برگزاری مراسم عزاداری در عراق ممنوع شد. او شعر می سرود و در انجمن های شعر شرکت می کرد و شعری را با مضمون محرم سرود و مردم این شعر را به نوحه تبدیل کردند. سپس بعضی های می خواستند که شاعر آن را بیابند، زیرا با فعالان مذهبی برخورد خشنی می کردند. بالاخره آقای تسخیری را بازداشت کردند. بازداشت چنین انسانی در زمان صدام

بسیار دلهره آور بود. او را بسیار شکنجه دادند و در جایی تاریک و به اندازه یک متر در یک متر زندانی کردند. در زندان تاریک دستش به سر یک آدم می خورد و خیالش راحت می شود که کسی پیش اوست، اما صبح متوجه می شود که در کنارش دو سر بریده است.

از آنجا که آیت الله تسخیری ایرانی بود با بیوت علما به ویژه بیت حضرت امام (ره) ارتباط داشت و عراقی های می ترسند که اگر او را بکشند، صدای اعتراض بیوت بلند شود. به همین دلیل او را نکشتند، اما بسیار شکنجه می کردند. سپس او را به زندان قصرالنهایه، که به معنای آخر کار است، فرستادند. کسی که به آنجامی رفت، دیگر بر نمی گشت، ولی او به صورت معجزه آسایی از آنجا نجات یافت و آزاد شد. بعد از آزادی، برای تبلیغات به دیوانیه و سپس به کویت رفت تا اینکه به حزب الدعوة پیوست.

چه چیزی ایشان را به تقریب مذاهب سوق داد؟

علت این امر این بود که در دوره تحصیل با اقوام و فرق مختلف ارتباط داشت و با روی باز با آنها رفتار می کرد. او نزد آیت الله حکیم فقه مقارن خوانده بود که در مورد فقه شیعه، اهل تسنن و بقیه فرقه ها و مبان، اختلافات و اشتراکات آنها بحث می کند و همین امر موجب شد که در رویارویی با مذاهب همدلانه برخورد کند و اگر بخواهد با آنها وارد بحث شود، از مبانی فقهی آنها مطلع باشد و با آگاهی از منابع و اعتقاداتشان بحث کند.

در تعامل با شخصیت های بین المللی همه دوستش داشتند، چون به راحتی می توانست به زبان آنها صحبت کند. انسانی صادق و بدون نیت دنیایی بود و با اخلاص در راه تبلیغ دین تلاش می کرد. به قدری با صداقت حرف می زد که می توانستی این صداقت را حس کنی و این امر حرف هایش را باور پذیر می کرد.

زمانی که در منطقه بالکان بودم با عموم علمای آنجا، که زیاد هم بودند، ارتباط داشتم و جالب بود که بیشترشان آقای تسخیری را می شناختند و دوستش داشتند. همچنین گاهی اوقات لازم بود که من در مورد آقای تسخیری اطلاعاتی به آنها بدهم. لذا تلاش می کردم که او را بشناسم. به همین دلیل

مقاله

«اسلام و توسعه» و نقش زن مسلمان

آیت الله تسخیری اندیشمند زمان شناس معاصر به دلیل آشنایی جامع با شرایط و جایگاه زنان در مقاله‌ای درباره نقش زن مسلمان در توسعه معتقد است در دین مقدس اسلام هیچ گونه برتری جنسیتی وجود ندارد و ارزش و ملاک برتری در تقوا و پرهیزکاری است. البته نقش و مسئولیت افراد در خانواده و جامعه ایجاب می کند که مرد به ظاهر برخی برتری ها یا مسئولیت ها را داشته باشد؛ اما این امر به معنای برتری ذاتی نیست.

به باور آیت الله تسخیری زن در جایگاه انسان، محور توسعه و از ارکان اساسی آن است و توسعه ایده آل توسعه ای است که موقعیت انسانی و طبیعی زن را لحاظ کرده و تفاوت های او را با مرد به فراموشی نسپارد و نقش های متناسب با ویژگی های او را در نظر بگیرد. نقش زن در فراهم آوردن محیط سالم خانوادگی و فضای سالم برای تربیت نسل فعال و کارآمد و حضور فعال و تأثیرگذار در عرصه سرنوشت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از وظایف مهم زنان در توسعه اسلامی است. به نظر آیت الله تسخیری اگر چه زن و مرد از نظر ویژگی های جسمی، شخصیتی و عاطفی از یکدیگر متمایزند، اما این ویژگی ها نه تنها چیزی از ارزش های انسانی زن نمی کاهد، بلکه بر این ارزش ها نیز می افزاید و تأثیر بنیادی در خانواده و اجتماع بر جای می گذارد؛ بدین معنا که رحمت الهی در نقش زن و مرد در روند توسعه اجتماعی و حتی توسعه و تکامل فردی نیز تقسیم کار طبیعی را در نظر گرفته است.



**آیت الله
تسخیری
علی رغم
آشنایی با
همه فرق
و برخورد
با روی خوش
و گشاده
باهمگان،
عمیقاً به
اعتقادات
شیعه معتقد
بود. زمانی که
نام حضرت
زهر (س) به
زبان می آمد،
اشک از
چشمانش
سرازیر
می شد، اما
سعی می کرد
که موارد
اختلافی مانع
گفت و گو
نشود**



بلکه تلاش می کنیم که برسیم و فعالیت هایی که انجام شده گسترده بوده است. همچنین بزرگانی مانند حضرت امام و مقام معظم رهبری و علمای بزرگ ایران و نجف راهبر آقای تسخیری بودند و در نقش آفرینی آنان شکی نیست اما وجود او بسیار تأثیرگذار بود. آقای تسخیری در مجامع بین المللی بسیاری مانند مجمع فقه مکه یا کمیته فقهی زدودن را از بانکداری اسلامی در مالزی عضو بود. این کمیته فقهی در بانک مرکزی ایران نیز وجود داشت که آقای تسخیری عضو آن بود و نظریه هایی را درباره اسلامی کردن بانکداری و اقتصاد تبلیغ و تدوین می کرد. هر جا که حضور می یافت شخصیتی محترم محسوب می شد و نیز مقامات کشورهای مختلف مانند پوتین او را می شناختند.

مهمترین ویژگی آیت الله تسخیری چه بود؟

او در یک حوزه تخصصی کار نمی کرد، بلکه در همه حوزه ها به صورت گسترده فعالیت و مطالعه کرد و آثاری را از خود بر جای گذاشت. از نظر شخصیتی سرشار از بردباری بود، به گونه ای

شخصیت او بین المللی بود. علی رغم آشنایی با همه فرق و برخورد با روی خوش و گشاده با همگان، عمیقاً به اعتقادات شیعه معتقد بود. زمانی که نام حضرت زهر (س) به زبان می آمد، اشک از چشمانش سرازیر می شد، اما سعی می کرد که موارد اختلافی مانع گفت و گو نشود و اگر می شد به نحوی از آن عبور می کرد که به وحدت مسلمانان خدشه وارد نکند. او برای تقریب مذاهب زحمت فراوانی کشید و بسیار مؤثر بود، زیرا علمای ملل مختلف را برای برگزاری سمینار به ایران دعوت و با روی گشاده با آنها برخورد می کرد و آنها هم از مواضع جمهوری اسلامی استقبال می کردند. فعالیت های آقای تسخیری این مواضع را برای همگان باورپذیر می کرد و متوجه می شدند که جمهوری اسلامی و رهبری به دنبال وحدت اند.

آیا حرکت وحدت بخش و تقریبی به هدف مد نظر جمهوری اسلامی منجر شد؟
اهداف نظام جمهوری اسلامی بسیار والا هستند و نمی توانیم بگوییم که به این اهداف رسیده ایم،

مقاله

مع و تمق ومدت اسلامی

آیت الله تسخیری حج را به مثابه روند تربیتی باشکوهی دانسته که طی آن، نمایندگان بشریت از گوشه و کنار جهان گرد هم می آیند تا در مسائل بسیاری کارآموزی کنند و با به کارگیری تجربیات به دست آمده، از این همایش بزرگ عبادی، سیاسی و اجتماعی در زندگی مادی و معنوی خود به منافع بزرگی دست یابند. تسخیری در مقاله‌ای با عنوان «نقش حج در تحقق شرایط وحدت اسلامی» به موضوع تأثیر حج بر وحدت و هم‌گرایی مسلمانان پرداخته و نوشته است: یکی از ویژگی‌های مهم امت اسلامی «وحدت» است و نمی‌توان امت دارای شخصیت همه جانبه را بدون این ویژگی تصور کرد.

وی حج را نماد یگانگی انسان با طبیعت، جهان و آموزه‌های الهی دانسته و بر این باور است که روایات فراوانی در راستای همسویی و سازگاری طبیعی انسان و طبیعت در روند حج و حتی کل مسیر حیات وارد شده است. مرحوم تسخیری یگانگی و عبودیت، پابندی به حدود و حرمت‌های الهی، رهایی از عناصر تفرقه مادی و برائت از مشرکین را از جمله فواید بی شمار حج برمی‌شمارد و معتقد است قدسیت و امنیت از جمله رازهای جذب و کشش دل‌ها به سرزمین وحی و بهره‌گیری از مواهب بزرگان آن است. همچنین امان و امنیتی که به انسان، حیوان، گیاه و زمین در خانه خداداده شده بی‌انگیزه‌های و همجوشی طبیعی باشکوه عناصر هستی در راستای تحقق هدف بزرگ انسان است.

بحث با دیگران و علمای دیگر مذاهب جایگاه علمی طرف مقابل را می‌پذیرفت و برخورد دفعی نمی‌کرد. از باب مباحثه و از منظر علمی وارد می‌شد و می‌گفت قبول دارم که تو میدانی. بیا اختلافمان را با هم حل کنیم. طبیعتاً کسی که جایگاهش در ذهن مخاطب شناخته می‌شود، برای مواجهه و گفت‌وگو آماجی بیشتری دارد تا کسی که احساس کند قبولش نداری. چشم‌پسته برخورد نمی‌کرد و بسیار منضبط و وقت‌شناس بود و می‌دانستیم که اگر قول انجام کاری را می‌دهیم، بسیار دقیق و پیگیرند.

اطلاعات فراوانی داشت و به همین دلیل قدرت تحلیل او چشمگیر بود. برای نمونه در ایام جنگ تحمیلی، سازمان همکاری اسلامی اجلاسی را در کویت برگزار کرد و با تبلیغاتی که کرده بودند، می‌خواستند شرکت‌کنندگان را به سمت مخالفت با جمهوری اسلامی ایران سوق دهند. مثلاً طارق عزیز، وزیر امور خارجه وقت عراق، در صحبت‌های خود گفت که انقلاب اسلامی مخالف اسلام است و اظهاراتی علیه کشورمان بیان کرد، آقای تسخیری بلند شدند و گفتند که ایشان بیان خیلی خوبی داشتند ولی ای کاش خودشان را معرفی می‌کردند تا ما بدانیم این دانشمندی که این قدر در مورد ضرورت‌های اسلام صحبت کردند چه کسی است. چون خودشان را معرفی نکردند، من ایشان را معرفی می‌کنم. ایشان طارق میخائیل یوحنا عزیز، وزیر خارجه مسیحی عراق، هستند. حالا اگر ایشان اسلام را بهتر از مای شناسند، ما نمی‌دانیم. یکبار همه گفتند کسی که این قدر می‌گفت جمهوری اسلامی خلاف اسلام است یک مسیحی است. بعدها وزیر امور خارجه کویت هم گفته بود که ما نمی‌دانستیم طارق عزیز مسیحی است.

خاطره ناگفته‌ای از ایشان دارید؟

خاطراتی که با ایشان دارم بسیار زیاد است. طبیعتاً در محیط کار و زمانی که رابین فرهنگی ایران در بوسنی بودم، با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شدم. به هر حال بوسنی بود با مسائل مختلف. وقتی به مشکلی برمی‌خوردم راهگشایی آقای تسخیری و همدلی او مشکلات را حل می‌کرد.



که شما شیفته اخلاق او می‌شدید. ویژگی بعدی او صداقت بود، زیرا در برابر مسائل مختلف بسیار صادقانه برخورد می‌کرد و پیچیدگی خاصی در رفتار او وجود نداشت. مداومت از دیگر ویژگی‌های اخلاقی او بود. برای انجام هر کاری تا آخر پیش می‌رفت و خستگی‌ناپذیر بود. همچنین، بسیار نکته‌سنج بود، زیرا در طول زمان با فرهنگ‌های مختلف آشنا شده بود و با اشخاص مختلفی به ویژه علمای نجف ارتباط داشت و همین ارتباط گسترده سبب شده بود که لطایف و ظرایفی در کلامش جلوه‌گر شود. او حافظه‌ای بسیار قوی داشت و اسامی همه را به خاطر می‌سپرد. علاوه بر این، آشنایی با زبان‌های عربی و فارسی موجب شده بود که به متون مختلف تسلط داشته باشد و چون به همه منابع دسترسی داشت، می‌توانست بگوید که در فلان اثر چه چیزی گفته شده است و عالمانه پاسخ می‌داد.

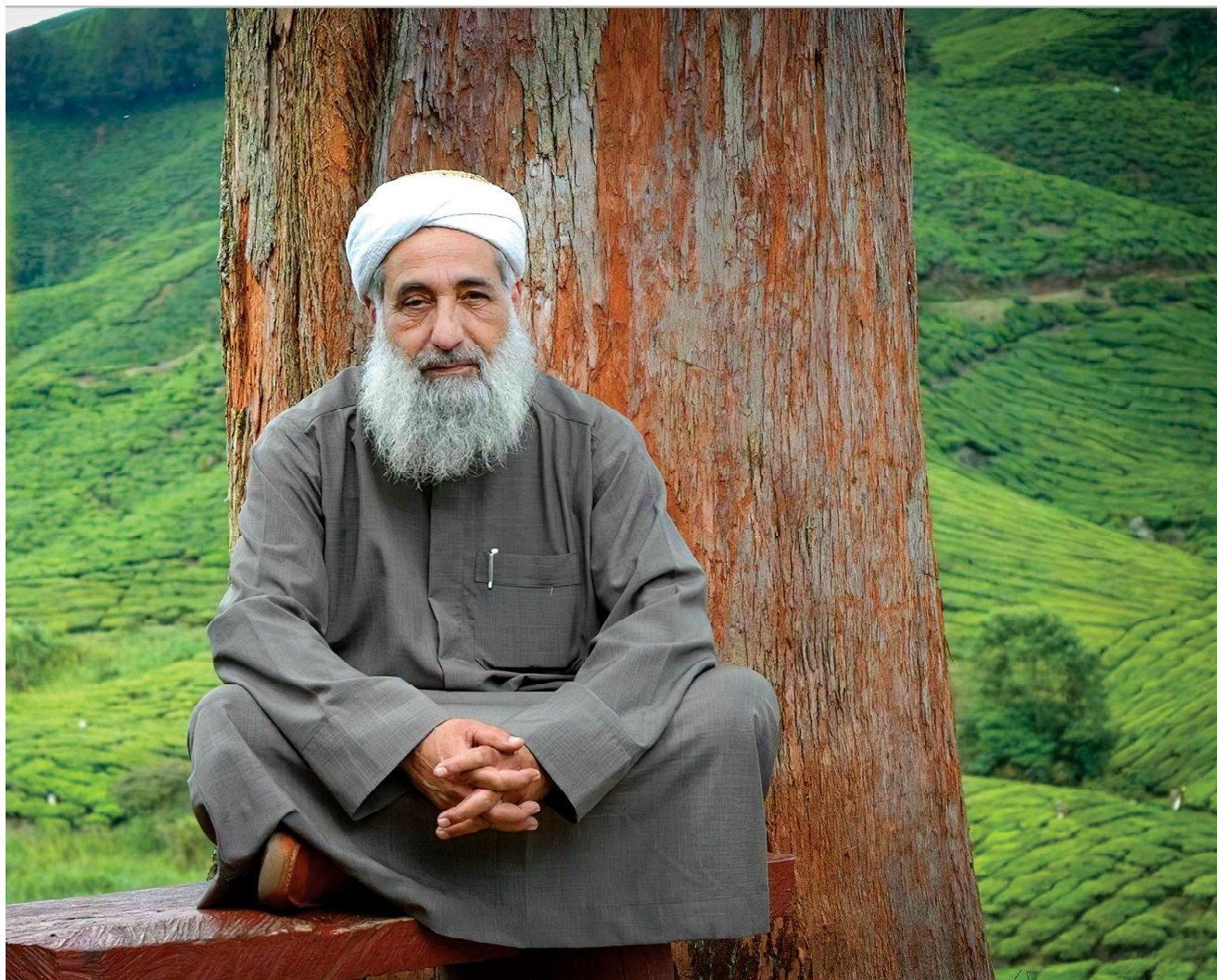
راز محبوبیت ایشان در میان اهل سنت چیست؟

برای همه به عنوان انسان احترام قائل بود و در



آیت الله
تسخیری
در یک حوزه
تخصصی
کار نمی‌کرد،
بلکه در همه
حوزه‌ها
به صورت
گسترده
فعالیت و
مطالعه کرد
و آثاری را از
خود بر جای
گذاشت.

از نظر
شخصیتی
سرشار از
بردباری بود،
به گونه‌ای که
شما شیفته
اخلاق او
می‌شدید



گفت و گو با عضو اتحادیه علمای بلاد شام

حمایت از حقوق اقلیت‌ها برمدار سیره نبوی

کمتر نهادی است که آیت الله تسخیری را شناخته باشد و هر کسی که از دور یا نزدیک او را می‌شناخت، از او بهره برده است و به واسطه همین چند دیدار در اردن و ایران به او بسیار علاقه‌مند شدم و از علوم و دانایی‌اش بهره بردم و کتاب‌های او را مطالعه می‌کنم، زیرا تألیفاتش بسیار بارزش و به‌روز هستند.

اعتقاد به توحید و وحدت کلمه برای تحقق اتحاد

مهم‌ترین سیاست تبلیغی او دعوت به وحدت، دوستی و پذیرش دیگران بود. از دیدگاه آن مرحوم، فلسفه تقریب مذاهب اسلامی بر

شیخ مصطفی ابورمان، عضو اتحادیه علمای بلاد شام اردن است، او چندین دیدار با آیت الله تسخیری در اردن و ایران داشته است و مهم‌ترین سیاست تبلیغی شیخ تقریب رادعوت به وحدت و دوستی می‌داند، ابورمان می‌گوید که نخستین بار در اردن با آیت الله تسخیری دیدار کردم؛ زمانی که او برای کنفرانس مؤسسه آل‌البیت به این کشور سفر کرده بود. من نیز توفیق داشتم که دوبار برای حضور در کنفرانس وحدت به ایران بیایم. او در این چند دیدار به من تأکید کرد که در مسیرم ثابت قدم باشم. مرحوم تسخیری عالمی مخلص و صادق بود و هر کسی که با او حرف می‌زد دوستش داشت و او را الگوی خود قرار می‌داد.

انسانی مشترک در همه جوامع تأکید کرده بود. تقویت گفت و گوی منطقی، عدالت و آزادی بیان، مشخص شدن ایدئولوژی های ویرانگر، تروریسم، نژاد پرستی و استعمار، ایجاد اصول مربوط به سلامت محیط زیست، توافق بر سر ارزش های اجتماعی، توافق به منظور مقابله با چالش هایی که همه با آن مخالفاند نظیر بیماری، فقر، جهل و بی سوادی، دستیابی به ساز و کار برای تقویت همبستگی و گسترش حس مسئولیت در قبال صلح و عدالت خواهی مواردی است که آیت الله تسخیری آنها را برای بهبود وضعیت اقلیت های مسلمان مطرح می کرد.

تأکید بر صلح عادلانه

او اهمیت خاصی برای صلح عادلانه قائل بود و تأکید می کرد در جایی که جهل، ظلم و فقر باشد صلحی هم در کار نخواهد بود. به همین سبب همواره بر گفت و گو برای صلح، کسب علم و مبارزه با جهل و فقر در جوامع اصرار می ورزید. مرحوم تسخیری برای شناساندن حقوق زن در اسلام و ادیان تلاش کرد و باید خط مشی او در شناسایی و آموزش این حقوق و تشریح آن به دیگران ادامه یابد. او عالمی ربانی، مخلص، صادق و دوست داشتنی بود و چیزی جز عشق و محبت نمی شناخت و آن را منطق خود قرار داده بود و به دلیل اخلاصی که داشت هیچ گاه تحت تأثیر اتهامات باطلی که به او درباره جانبداری از ایران و شیعیان زده می شد، قرار نگرفت و این اتهامات او را از ادامه راه تقرب و وحدت میان امت اسلامی باز نداشت.

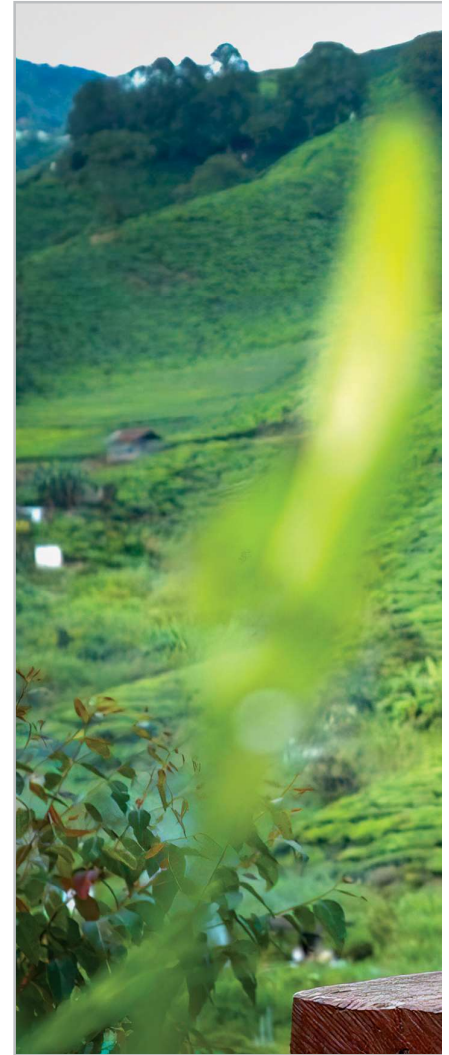
چنین علمایی در برابر چالش ها و موانع عقب نشینی نمی کنند، زیرا در راه انبیاء و اولیاء قرار گرفته اند و از همین رو هر سختی و مشکلی را تحمل می کنند. ضرب المثل «هر سخن کز دل بر آید لاجرم بر دل نشیند» درباره آیت الله تسخیری صدق می کند. او نمونه انسانی کم نظیر در صداقت، عشق و اخلاص بود که می توانست با کلام بر همه مخاطبانش تأثیر بگذارد. برای ادامه راهش باید اسلوب علمی این عالم ربانی، تبلیغ و ارتباط میان علما و مبلغان اسلامی تقویت شود. همچنین باید با برگزاری کنفرانس ها و سمینارها و تألیف کتبی براساس دیدگاه های او راه و عقیده اش را جاودانه نگاه داریم.

او برای حقوق اقلیت های مسلمان در جوامع غیر اسلامی ارزش خاصی قائل بود که از مهم ترین آنها برخورداری از آزادی فردی، آزادی در اعتقادات و رعایت حقوق بشر است، زیرا به نظر او، هر فرد و اقلیتی می خواهد که زندگی آزادی داشته باشد و شعائر دینی خود را اجرا کند، در حالی که اقلیت های اسلامی در جوامع غیر اسلامی غالباً مورد ظلم و بی عدالتی قرار می گیرند و از انجام بسیاری از شعائر دینی محروم اند.

البته غرب و دشمنان از تنوع ادیان و همچنین فرق اسلامی برای ایجاد خصومت میان پیروان مذاهب استفاده می کنند. از همین رو آیت الله تسخیری تحکیم پایگاه های تقرب و گفت و گوی پیروان ادیان را ضروری و واجب می دانست. از دیدگاه او، موانع پیش روی وحدت از این جمله اند: تعصب، افراط گرایی، تفرقه، گسترش جهل آن هم از سر خصوصیتی بی دلیل با دیگری، رسانه هایی که اخبار جعلی و دروغین منتشر می کنند، تربیون هایی که دعوت به تفرقه می کنند و پول هایی که برای فتنه و تفرقه میان جوامع اسلامی نه اتحاد آنها هزینه می شود.

دیدگاه او درباره حقوق اقلیت ها در هر کشوری با کشور دیگر متفاوت بود. او غالباً با آنچه با منافع یک کشور یا جامعه تضاد نداشت موافق بود و در عین حال راه حل ها و ایده هایی را برای بهتر شدن حقوق اقلیت ها مطرح می کرد و همین مطالعات و ایده های او خط مشی روشنی برای آیندگان خواهد بود. همچنین، جمهوری اسلامی ایران شرایط ایفای نقش مثبت و سازنده گفت و گوی اسلامی را برای آیت الله تسخیری فراهم کرد تا او با برپایی کنفرانس ها، تألیف مقالات و کتب، حضور در کنفرانس های مختلف و برقراری ارتباط با همه در داخل و خارج ایران برای تقرب و ایجاد وحدت در امت اسلامی تلاش کند. دغدغه او در مورد حقوق اقلیت ها و مهاجران مسلمان در کشورهای غیر اسلامی یک خط مشی انسانی - نبوی بود و می دانست که اقلیت ها به دفاع و حمایت نیاز دارند و باید به انتخاب های دینی و فکری آنها احترام گذاشت.

براساس مقاله ای از استاد تسخیری، که در سال ۲۰۰۶ در شماره ۵۲ مجله «رساله التقریب» منتشر شد، او بر چند نکته درباره ارزش های



مشترکات تمرکز داشت و به معنای گذشت از اختلافات فرق اسلامی و ادیان الهی بود. آیت الله تسخیری دو اصل توحید و وحدت کلمه را برای وحدت مسلمانان و پیروان ادیان آسمانی ضروری می دانست و معتقد بود که همگی در عبادت پروردگار یکتا اتفاق نظر داریم؛ بنابراین نقطه همگرایی همه ما در عبادت خدای متعال و ایمان به اصل برادری انسان هاست. همان گونه که او تأکید می کرد، دین اسلام آخرین و کامل ترین دین و دینی جهانی و فراگیر برای همه نظام های فردی و اجتماعی جهان است و خداوند پیامبر اسلام (ص) را به عنوان رحمت برای همه جهانیان مبعوث کرد.

از دیدگاه او،
موانع پیش
روی وحدت از
این جمله اند:
تعصب،
افراط گرایی،
تفرقه،
گسترش
جهل آن هم از
سر خصوصیتی
بی دلیل با
دیگری،
رسانه هایی
که اخبار
جعلی و
دروغین
منتشر
می کنند
و پول هایی
که برای
فتنه و تفرقه
میان جوامع
اسلامی
نه اتحاد
آنها هزینه
می شود



آیت الله تسخیری به (روایت شیخ الاسلام قفقاز)

زندگی اش را وقف دعوت الهی کرد

الله شکور پاشا زاده، رئیس اداره مسلمانان قفقاز، آیت الله تسخیری را یکی از بزرگترین مجاهدانی می داند که زندگی خود را وقف تقریب مذاهب کرد. به نظرش، او از جمله علمایی بود که تقریب مذاهب را، که قرن ها درباره آن بحث و مذاکره می شد، با دقت بیشتری و براساس قرآن و سنت دنبال و تبلیغ می کرد.

تقریب مذاهب اسلامی در اندیشه آیت الله تسخیری چه جایگاهی داشت؟

میراث علمی و فعالیت عمومی و تقریبی عالم بزرگ اسلام، مرحوم آیت الله محمدعلی تسخیری، به عنوان شخصیتی مشهور، جهانی و مورد احترام رهبران ادیان، مذاهب و طریقت های مختلف از اهمیت ویژه ای برخوردار است. افتخار آشنایی یا این شخصیت گرانقدر را داشتیم و در سفرها، کنفرانس ها و رویدادهای بین المللی گوناگون در کنار او حضور یافتیم و شاهد سخنرانی ها و گفت وگوهای ارزشمند و روشنگرانه اش بودیم.

پس از سازماندهی موضوع تقریب مذاهب اسلامی ذیل یک مجمع به عنوان ایده ای میانه رو، علمای بسیاری از نهادهای علمی و کشورهای مختلف اعلام کردند که به این ایده نیاز دارند و حمایت از آن بر هر مسلمانی واجب است. یکی از بزرگترین مجاهدانی که زندگی خود را وقف این دعوت الهی کرد، مرحوم آیت الله محمدعلی تسخیری بود. او به عنوان اندیشمندی متدین و باتقوا تاکید می کرد

که برقراری صلح، آرامش، توسعه و پیشرفت در جغرافیای اسلامی از طریق تقریب مذاهب میسر خواهد بود و در این باره به تبلیغ می پرداخت. آیت الله تسخیری بحث تقریب مذاهب را، که قرن ها درباره آن بحث و مذاکره می شد، با دقت بیشتری و براساس قرآن و سنت ارائه می داد و ما مسلمانان آذربایجان هنوز به مفاد آن مراجعه می کنیم.

آیت الله تسخیری در مسیر مبارزه با تفرقه و تحقق تقریب ادیان چگونه عمل می کرد؟

در طول تاریخ برخی گروه های سیاسی خارجی و داخلی سعی کرده اند که با تبعیض مذهبی میان مسلمانان چنددستگی ایجاد کنند و ایدئولوژی و فرهنگ خود را رواج دهند و با کمال تأسف تلاش برای تفرقه افکنی ادامه دارد. بنابراین، علمای بزرگی همچون مرحوم تسخیری با استناد به قرآن کریم و احادیث شریف، ارائه آثاری مبتنی بر اصول و علوم اسلامی، سخنرانی در برنامه های بین المللی و ویژگی های بارز شخصیتی، مسلمانان



او دوست

ملت

آذربایجان

بود و همیشه

از آرمان

ما حمایت

می کرد و

اطمینان

داشت که

صلح و

عدالت در

منطقه برقرار

خواهد شد

را به وحدت فرامی خوانند.

نظرات و پیشنهاد های او در مورد لزوم گفت وگویی ادیان مبتنی بر این بود که باید نمایندگان تمام ادیان آسمانی با اتکا به عقاید خود حول نقطه مشترکی گرد هم آیند تا برای دستیابی انسان ها به یک سبک زندگی، که صلح و ثبات را به ارمغان می آورد، تلاش کنند.

رفتار آیت الله تسخیری را در تعامل با مسیحیان چگونه ارزیابی می کنید؟

اگر طرفداران گفت وگویی ادیان در اعتقادات مذهبی خود راسخ باشند و آن را به خوبی معرفی کنند و ارائه دهند، هیچ تناقضی با تقریب ندارد. آیت الله تسخیری به دلیل ویژگی های بارز شخصیتی نه تنها در جهان اسلام، بلکه در جهان مسیحیت نیز شهرت فراوانی داشت. او در گفت وگو با پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک های جهان و در دیدارهایش با کریل پاتریاک، اسقف اعظم مسکو و سراسر روسیه، بر توسعه روابط



به نظر او
موانع تقریب
اندک بودند،
اما دلایل
بسیاری برای
تقریب وجود
دارد. رسم و
رسوم‌هایی
که از دیدگاه
دین واجب
نیستند،
نتایج
متفاوتی
که از آیات
واحادیث
برداشت
می‌شود و از
همه مهم‌تر
تعصب
بی‌اساس از
اصلی‌ترین
موانع تقریب
به شمار
می‌روند

نجات بشریت هستند و در تقریب مذاهب راه نجات بشر و حق و حقوق او در برابر دیگران مشخص شده است. نامه حضرت علی (ع) به یار وفادارش، مالک اشتر، معانی عمیقی دارد: «ای مالک، مردمان دو دسته‌اند. گروهی برادر دینی تو هستند و گروهی در آفرینش با تو همانندند.» مرحوم تسخیری این سخن را تکرار می‌کردند. در واقع نقاط مشترکی که مسلمانان و همه مذاهب دین اسلام را متحد می‌سازد، بیشتر از دلایلی است که ما را از هم جدا می‌کند. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «علما وارثان پیامبر اند.» یعنی پس از خاتم الانبیاء (ص)، رسالت شناخت و معرفی خداوند و رساندن احکام الهی به انسان‌ها برعهده علماست. آنان وظیفه دارند که انسان‌ها را آگاه کنند، مردم را از خشم خداوند برحذر دارند و نظم را که پروردگار متعال به آن امر کرده است تبلیغ کنند. اگر به سیر و توالی فعالیت علامه تسخیری نگاه کنیم، شاهد این موارد خواهیم بود.

از نگاه ایشان عوامل و موانع تقریب چه بودند؟

اصول تقریب در مذاهب اسلامی مبتنی بر ارزش‌های مشترک در اعتقادات است و خلقت، اعتقاد به پاسخگویی در برابر پروردگار و ارزش‌های مشترک تقریبی، که پایه و اساس تقریب را شکل می‌دهند، محورهایی است که ما را گرد هم می‌آورد. به نظر او موانع تقریب اندک بودند، اما دلایل بسیاری برای تقریب وجود دارد. رسم و رسوم‌هایی که از دیدگاه دین واجب نیستند، نتایج متفاوتی که از آیات و احادیث برداشت می‌شود و از همه مهم‌تر تعصب بی‌اساس از اصلی‌ترین موانع تقریب به شمار می‌روند.

همچنین، افرادی در میان نمایندگان مذاهب اسلامی از موضوع تقریب به گرمی استقبال نمی‌کنند و احتمالاً ریشه چنین نگرش‌هایی ناشی از تعصبات بی‌اساس یا نفوذ قدرت‌های خارجی است. البته همه دعوت‌های الهی برای

ادیان برای برقراری صلح و آرامش در جهان تأکید می‌کرد و برای آن اهمیت بسیاری قائل بود.

آیت الله تسخیری در جمهوری آذربایجان از احترام و نفوذ فراوانی برخوردار بود. در دیدارهایش با حیدر علی‌اف، رهبر ملی آذربایجان، با احترام ویژه‌ای مورد استقبال قرار می‌گرفت. او با سخنرانی در همایش بین‌المللی «تمدن اسلامی در قفقاز»، که در سال ۱۹۹۸ در باکو برگزار شد، تصویری فراموش‌ناشدنی از خود در حافظه شخصیت‌های مذهبی و رهبران مسلمان، مسیحی و سایر ادیان به جای گذاشت.

او دوست ملت آذربایجان بود و همیشه از آرمان‌ها حمایت می‌کرد و اطمینان داشت که صلح و عدالت در منطقه برقرار خواهد شد. ما او را به منزله افتخار مسلمانان جهان و شخصیتی استثنایی، عالم و اندیشمند می‌دانیم که الگویی برای بشریت است. امیدواریم که مکتب و میراث آیت الله تسخیری به عنوان منبعی برای تحقیق و مطالعه نسل‌های آینده باشد و بدین ترتیب مستدام و پایدار بماند.

حجت الاسلام والمسلمین محمد علی میرزایی، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی (ص) العالمية، در طول سه دهه ای که با فضای بین الملل اسلامی مرتبط بوده کم و بیش از نزدیک با متفکر و مفسر عالقدر، حضرت آیت الله تسخیری و اندیشه های پیشگامانه او آشنایی داشته است. او تأکید می کند که هیچ شخصیت دیگری را مانند آیت الله تسخیری ندیده است که توانسته باشد با روش های متخلقاته، پاک سیرتانه و متعهدانه طیف عظیمی از نخبگان دینی و عالمان اسلامی اغلب کشورهای جهان اسلام را جذب کند. توصیف او از آیت الله تسخیری در ادامه می آید.

چهار دهه فعالیت خالصانه

آیت الله تسخیری شخصیتی بود که توانست با تکیه بر خدای متعال یک تنه، ظرفیت اخلاقی بالا، اندیشه های ژرف علمی، مهارت های ارتباطی با عالمان و شخصیت های جهانی متعلق به زیست بوم های بسیار متنوع و گاه متباین و نیز تسلط بر مبانی رسالت های انقلاب اسلامی و انعطاف پذیری آن برای تعامل با محیط های مختلف و متکثر از همه مرزها عبور کند و چالش ها را با موفقیت پشت سر بگذارد، بدون اینکه نومید و سست شود و در طول چهار دهه با تمام وجود و وقف ذره ذره رمق تن و جان خود علمدار همبستگی و یکپارچگی جهان اسلام باشد که اتفاق شگرف و تحسین برانگیزی است.

آیت الله تسخیری نماد همبستگی عالمان اسلامی و رمز موفقیت نظام جمهوری اسلامی در تحقق غایات وحدت بخش در میان علمای مسلمان بود. او همه خوبی ها را داشت، اما بدون عمق تفکر و اجتهاد به روز و کارآمد، بی تردید قدرت چنین نفوذ علمی و معنوی را از دست می داد. همچنین برای قدم به قدم حرکت خود اجتهادورزی کرد و چارچوب ها و عناصر اصلی ساختار اجتهادی اش کاملاً سیاسی، اجتماعی و تمدنی بود. شهید صدر و امام خمینی (ره) بزرگ ترین سرچشمه های این الگوی اجتهادی در جان و عقل او بودند.

اگر دستاوردهای تمام نهادهای بین المللی جمهوری اسلامی در عرصه وحدت و تقریب را روی هم بگذارند، به اندازه دستاوردهای این مرد

قدرشناس طلایه دار ومدت باشیم

در قدم به قدم حرکتش اجتهادورزی کرد

نخواهد شد. مجمع تقریب با همه ارج، ارزش و قیمتی که دارد و داشته، غالباً در مسیری در حرکت بوده است و آیت الله تسخیری با حضور در میدان به کار عمیق تر و معنادار تر دیگری مشغول و روح، جان و محتوای این نهاد بود. حتی اگر مجمع تقریب با هزینه های میلیاردی نبود، اما آیت الله تسخیری بود و یکی دو نفر برای رفق و فتن رفت و آمدها و هماهنگ کردن ارتباطات در خدمت او بودند، همین دستاورد تاریخی کنونی را شاهد بودیم.

بدون نام تسخیری تحقق تقریب آرزومندی است

آیت الله تسخیری علمدار وحدت انقلابی در جهان اسلام و پیشگام و چهره های شاخص و تاریخی برای تحقق امت اسلامی بود. تفکرات، استنباطها و نگرش های او دستمایه اصلی بزرگ ترین طرح فکری انسجام اسلامی در جهان معاصر اسلامی به شمار می آید. بدون نام تسخیری تحقق طرح تقریب و انسجام اسلامی آرزومندی است.

در طول این سه دهه که به مناسبت فعالیت های فرهنگی و علمی به کشورهای متعدد از آفریقا تا شرق سفر کرده ام، با مواجه شدن با هر شخصیت محوری جهان اسلام نخستین پرسش آنان احوال جویی از آیت الله تسخیری بود. گویا او توانسته بود در اعماق جان این عالمان پیش برود و در قلب آنان بنشیند. عالمان جهان اسلام در برابر اخلاص، متانت، تواضع و عظمت فکری او از عمق جان عشق ورزی می کردند. عجیب این بود که عالمان اسلامی، که به گرایش های ضد شیعی هم نزدیک بودند، در پی مواجهه با اخلاقی، پارسایی و تواضع او سر تعظیم فرود می آوردند.

به معنای واقعی باور دارم که قدر این ستاره درخشان سپهر وحدت امت و آسمان تقریب جهان اسلام در آن سوی مرزها و محافل عالمان اسلامی تونس، الجزایر، مصر و جاهای دیگر بیشتر دانسته شد تا داخل ایران. اندیشه های وحدت آفرین و تعاملات پاک و متواضعانه او با جهان اسلام و علمای آن یادآور سیره پاک و نورانی اولیای دین بود. این اندیشه ها، تجربه ها و تعاملات سرمایه ارزشمند انقلاب و جهان اسلام برای حرکت به سوی تقریب و وحدت بود.

جالب است بدانیم که بخش قابل توجهی از شخصیت های ارزشمند جهان اسلام با رفتن

آیت الله تسخیری از میدان راهبری سازمانی تقریب از این میدان دور شدند. او با مهمترین و کلیدی ترین شخصیت های جهان اسلام ارتباطی دوستانه و صمیمی داشت و مشاور علمی، فکری و اخلاقی آنان بود. اگر لب می گشود و در همایش های جهان اسلام حضور می یافت، همه مستمعان منتظر شنیدن تفکرات خلاق و عمیق او در عرصه های مختلف جهان اسلام بودند.

جانفشانی با وجود بیماری

فعالیت های این ابرمرد پارسا در سال های گذشته همزمان با کسالت جسمی خود داستان قهرمانی و جانفشانی دیگری بود. با تنی رنجور و بیمار باز هم در جهان اسلام از حرکت باز نماند و حلقه های به هم پیوسته آن را محکم تر کرد. عزتی که خدای متعال در تاریخ تشیع و جهان اسلام به این مرد داد، حاصل شاخص های طهارت روحی، اخلاص عملی و ژرفای عقلی و فکری او بود.

بنده که یک قطره از دریای این وجود هم نیستم، همواره در پای سخن و حضور بابرکت او شاگردی می کردم، اما آنچه در اینجا نوشته و گفتم در محضر الهی به آن ها باور دارم، چرا که بازتاب نورانیتش است و اشعه درخشان او را از نزدیک در همه عالم مشاهده کردم. اگر جمهوری اسلامی و به طور مشخص نهادهای بین المللی در مسیر نگاه او حرکت کنند، شاهد تحولات شگرف تری در جهان اسلام خواهیم بود.

یکی از صحنه هایی که به لحظه ای فراموش نشدنی در زندگی من تبدیل شد این بود که در سال ۱۳۷۵ که در یکی از کشورهای آفریقایی فعالیت علمی و فرهنگی داشتم به مناسبتی به دیدار مقام معظم رهبری رفتم. شاید ۲۶ ساله بودم. شور و هیجان جوانی، روح و جان لبریز از عشق به تحول، نقد و نواندیشی و قدری هم احساسات جوانی عاملی اصلی شد تا در محضر امام خامنه ای (حفظه الله) جریان جنبش اسلامی زکزاکی را، به لحاظ آنکه در آن زمان به زعم خود کم حکمتی را در رفتار آنان در مواجهه با حکومت و تندروی سیاسی می دیدم، نقد کنم. گوشه ای از این نقد پر نهادی را، که آیت الله تسخیری در آن فعال بود، می گرفت. خود آیت الله تسخیری هم حضور داشت. پس از این نشست، رفتار اخلاقی، آرام و منطقی ایشان آنقدر در من اثر گذاشت که هنوز احساس می کنم شیرینی آن

تعامل در من هست.

در نشستی دیگر، در محضر مقام معظم رهبری، وقتی حضرت آقا از حقیر پرسیدند که حالا که در لبنان هستید آیا عربی را فرا گرفته اید؟ آیت الله تسخیری در فصل مشیعی به تمجید من پرداختند و در مصاحبه ها و مقالات عربی از بنده نام بردند. از جمله گفتند که آقای میرزایی فرهنگ اصطلاحاتی هم دارند. در اینجا مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) کتاب را خواستند و آوردند و گشودند و بحث نیم ساعته ای را در باب مناسبات فرهنگی ایران و جهان عربی و ضرورت های احیای پل های ارتباطی ارائه کردند. سپس رو به این حقیر امر گفتند که این فرهنگ شما. اگر نگوییم بهترین فرهنگ، اما از بهترین های تاریخ اصطلاح نگاری زبان عربی و فارسی است. بر آن تمرکز کنید و کار را توسعه بدهید. همین امر باعث شد که پس از چند سال نسخه ویرایش شده و منقح فرهنگ منتشر شود. در هر حال آیت الله تسخیری همواره منشأ تعزیز، تقویت و تشویق شاگردان و جوانان بودند و رفتار معنوی و تشجیعی او عامل رشد کسان بسیاری بود.

پیشنهاد هایی برای قدر شناسی از طلایه دار وحدت

در پایان چند پیشنهاد دارم؛ هر چند امیدوارم که در زمان حیات بزرگان قدر شناس آنان باشیم:

۱- تمام مقالات و آثار مکتوب و مقول او در یک مجموعه کامل جمع آوری، تنظیم، تدوین و منتشر شود.

۲- دعوت از صدها عالم دینی جهان اسلام، که با آیت الله تسخیری پیوند دوستی و تعامل داشتند، خواسته شود که نگرش ها، خاطرات و نقش های او را بنگارند تا تجمیع و تدوین شود.

۳- جایزه جهانی تسخیری برای اعطای آن به مهمترین دستاوردهای علمی مرتبط با وحدت و همبستگی امت اسلامی راه اندازی شود.

۴- به پاسداشت نقش های کلیدی آن عالم جلیل القدر خیابانی در تهران به نام او نامگذاری شود.

۵- مرکز تخصصی و راهبردی، که برای وحدت و همبستگی جهان اسلام فعالیت می کند، به نام آیت الله تسخیری نامگذاری شود. همچنین یکی از گزینه ها این است که مرکز تحقیقات مجمع تقریب مذاهب اسلامی، واقع در قم، به نام او نامگذاری شود.

“
آیت الله
تسخیری
علمدار
وحدت
انقلابی در
جهان اسلام
و پیشگام
و چهره ای
شاخص و
تاریخی برای
تحقق امت
اسلامی بود.
تفکرات،
استنباطها
و نگرش های
او دستمایه
اصلی
بزرگ ترین
طرح فکری
انسجام
اسلامی در
جهان معاصر
اسلامی به
شمار می آید



مولوی اسحاق مدنی مطرح کرد

با وجود سطح علمی بالا بسیار متواضع بود

مولوی اسحاق مدنی، نایب رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است که به مدت ۳۰ سال آیت الله تسخیری را می شناخت و در زمان حیاتش او را در تعدادی از سفرهای خارجی همراهی کرد. مدنی می گوید که مرحوم تسخیری در جلسات مختلف مجمع فقه جده مقتدرانه ظاهر می شد و در مقام نماینده جمهوری اسلامی به خوبی وظایفش را انجام می داد.



آیت الله تسخیری در هیچ جلسه یاسمیناری طوری سخن نمی گفت که کسی در برابرش پر خاشگری کند و بهانه کسی نمی داد و بسیار محترمانه و منصفانه رفتار می کرد و می کوشید که به موضوع وحدت خدشه ای وارد نکند و در عین حال که به مذهبش پایبند بود، به مذاهب و شخصیت های اهل سنت احترام می گذاشت.

همراه ایشان بودید، رفتار آیت الله تسخیری با اهل سنت و پیروان مذاهب مختلف انسان منصفی بود. در واقع از فعالان تقریبی انتظار می رود که با مذاهب دیگر منصفانه برخورد کنند، یعنی شخص با احترام و تواضع به حرف طرف مقابل گوش دهد و سخن خود را هم محترمانه بیان کند. آیت الله تسخیری در هیچ جلسه یا سمیناری طوری سخن نمی گفت که کسی در برابرش پر خاشگری کند و بهانه به دست کسی نمی داد و بسیار محترمانه و منصفانه رفتار می کرد و می کوشید که به موضوع وحدت خدشه ای وارد نکند و در عین حال که به مذهبش پایبند بود، به مذاهب و شخصیت های اهل سنت احترام می گذاشت.

چقدر آیت الله تسخیری را می شناختید و شخصیت ایشان را چطور ارزیابی می کنید؟
زمانی که عضو شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی شدم، او در آنجا حضور داشت و بعد دبیر کل مجمع تقریب شد. از آن زمان او را می شناختم، البته پیش از آن گاهی در جلسات او را می دیدم، ولی هم صحبت نبودیم. در طول مدت آشنایی، که حدود ۳۰ سال بود، با هم در جلسات مختلفی حضور یافتیم و در سمینارهای داخلی و خارجی شرکت می کردیم. آیت الله تسخیری انسانی بسیار دوست داشتنی، اخلاق مدار و وارسته بود و با وجود سطح علمی بالا، بسیار متواضع بود و در مسائل مختلف تبحر داشت و با افراد متعددی مذاکره می کرد. او عضو مجمع فقه اسلامی جده هم بود که علمای منتخبی از سراسر جهان عضو آن هستند و در جلساتش با دست پر شرکت می کرد. آیت الله تسخیری در این مجمع، که بیشتر مسائل فقهی و بانکداری اسلامی مطرح می شود، مقتدرانه ظاهر می شد و در مقام نماینده جمهوری اسلامی ایران به خوبی به وظیفه اش عمل می کرد.

با توجه به اینکه در سفرهای خارجی

بسیاری متفق القول هستند که بین مسلمانان تفرقه ایجاد کنند و تمام امکاناتشان را در این راه به کار می گیرند. بنابراین برای گسترش وحدت باید بسیار محتاطانه قدم برداریم و جدی باشیم و از هیچ ملامتی نهراسیم، چرا که عده ای در میان شیعه و سنی با بدسلیقگی یا در اثر کج فهمی نمی دانند که در پی تفرقه چه مصیبتی در انتظارمان است و چه مشکلاتی را باید تحمل کنیم. لذا بر طبل تفرقه می کوبند. فرونشاندن صدای این عده و حل این مسائل به خرد، علم و دلسوزی برای اسلام نیاز دارد. اگر کسی این سه ویژگی را نداشته باشد، نمی تواند جای آیت الله تسخیری را پر کند. دلسوزی یعنی در نظر بگیرد که منافع اسلام و امت اسلامی، که هم شیعه به آن معتقد است و هم سنی، چطور تأمین می شود و چگونه می توان آن را حفظ کرد. آیت الله تسخیری شخصیتی والا داشت، ولی به دلیل بیماری مدت ها نتوانست به مسافرت برود، ولی تازمانی که سر حال بود به خوبی در خشدید و به عنوان انسانی منصف بین پیروان مذاهب حضور یافت.

آیا آیت الله تسخیری در پیشبرد طرح

دیدگاه

مجاهد انقلابی و معتقد به آرمان فلسطین

در چند کنفرانس مربوط به مجمع تقریب مذاهب با آیت الله تسخیری دیدار کردم و با این عالم بزرگوار درباره مباحث مختلفی از جمله تلاش های مجمع تقریب برای وحدت و دفاع از فلسطین گفت و گومی کردم.

آیت الله تسخیری یک امت و سربازی مخلص بود که به آرمان انقلاب اسلامی ایمان داشت؛ انقلابی که مرزهای جغرافیایی را درنور دیده است. آیه ۱۱۰ سوره آل عمران می فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ؛ شما نیکوترین امتی هستید که پدیدار شده اید، به نیکوکاری امر می کنید و از بدکاری باز می دارید و ایمان به خدا دارید.»

امت مسلمان به امر به معروف دعوت می کند. آیت الله تسخیری در مسیر امر به معروف گام برداشت و وحدت را راه نجات امت می دانست. او فلسطین را مهم ترین آرمان مسلمانان برمی شمرد و بر ضرورت حمایت از مقاومت تأکید می کرد و مصداق آیه ۶۹ سوره عنکبوت بود که می فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ؛ و آنها که در راه ما با خلوص نیت جهاد کنند، قطعاً به راه های خود، هدایتشان خواهیم کرد و خداوند بانیان نیکو کاران است.»

این عالم بزرگوار یک مجاهد انقلابی و در جستجوی اشتراکات مسلمانان بود و به پیمودن راه پیامبر (ص)، عمل به سنت و پیروی از ائمه (ع) اعتقاد داشت. از نظر پیروان ادیان ابراهیمی به اخلاق الهی مزین بود و در مسیر وحدت ادیان و مذاهب گام برداشت.

محمود جابر، فرآین پژوهشگر مصری



تقریب ضعف هایی داشتند؟

هر انسانی به جز انبیا و معصومین (ع) ضعف دارد. انسان وارسته کسی است که ضعف هایش در حدی باشد که کمتر دیده شود و هر فردی فضل و کمالاتی دارد. اگر بخواهیم ضعف ها را مطرح کنیم، کم لطفی و بی مهری به اوست، باید بینیم که چه کمالاتی داشت، چرا که ویژگی ها و رفتار خوبش بر ضعف های او غالب بود.

چرا طرح تقریبی آیت الله تسخیری آن گونه که باید موفق نشد؟

دلایل بسیاری وجود دارد. اولاً، همه دنیا در حال فعالیت علیه تقریب است؛ یعنی افرادی که می خواهند وحدت را از بین ببرند، تعدادشان چند برابر کسانی است که به دنبال وحدت هستند و امکانات آنها نیز چند برابر است. ثانیاً، آنان از حوادثی که در گذشته رخ داده سوء استفاده و آن حوادث را به عنوان شاهد مطرح می کنند تا مانع وحدت شوند. ثالثاً، در بین علما کسانی به منافع اسلام کم توجهی می کنند و تعصبات خشکی دارند و این کارشان بی تأثیر نیست. بنابراین انسان نمی تواند از شر این مسائل رهایی یابد و با وجود

این باید تقریب مذاهب ادامه داشته باشد و درباره آن کتاب و مجله منتشر شود و رسانه های جمعی تبلیغ کنند و همه دست به دست هم دهند تا به آرزوی بزرگ امت اسلامی یعنی وحدت دست یابیم.

آیا می توان گفت امروز میان الازهر، الزیتونه، علمای نجف و قم فاصله افتاده و این امر به معنای شکست خوردن طرح تقریب است؟

بله، تفرقه زیاد شده و به بهانه های مختلف از هر جا سر درمی آورد. لذا نمی توان به جز تلاش کاری کرد. باید به دنبال ایجاد وحدت بود و کسانی که دلسوز امت اسلامی هستند باید به کارشان ادامه دهند، زیرا دامنه تفرقه گسترده تر شده است.

آیا کتابی از آثار آیت الله تسخیری را خوانده اید؟

آثارش تقریباً خوب بودند. البته سخنرانی های او بیشتر از کتاب هایش تأثیر داشت. شاید وقت بسیاری را صرف تألیف نکرد، اما سخنرانی ها و بیاناتی ماندگار به یادگار گذاشت.



اگر بخواهیم

ضعف ها را

مطرح کنیم،

کم لطفی

و بی مهری

به اوست.

باید ببینیم که

چه کمالاتی

داشت،

چرا که

ویژگی ها

و رفتار

خوبش بر

ضعف های او

غالب بود



مدرس موزه و دانشگاه لبنان بیان کرد

اصلاح چهره غیر واقعی از بانوی مسلمان

حجت الاسلام والمسلمین سید جعفر فضل الله، فرزند علامه محمد حسین فضل الله، مرجع فقید شیعیان در لبنان است که دروس حوزوی را در انجمن شرعی اسلام و خارج فقه را نزد پدرش فراگرفت. او در ۲۰۱۵ دکترای خود را در رشته دانش و فرهنگ دانشگاه لبنان در بیروت گرفت و در حال حاضر رئیس مؤسسه اندیشه معاصر اسلامی است. این مدرس حوزه و دانشگاه در لبنان، آیت الله تسخیری را داعی وحدت می داند که در این مسیر با امواج سهمگینی هم مواجه شد و منتذکر می شود که مرحوم تسخیری به واسطه سفرهای متعدد به لبنان با علامه فقید محمد حسین فضل الله رابطه ای صمیمی و توأم با محبت، احترام، تواضع و اخلاص داشت.

و تقویت مکتب تقریب با وجود همه چهره های آن سبب قدرت و تمایز خواهد شد. زندگی او بر پایه معنویات اسلامی و عشق و محبت به همه مسلمانان بنا شده بود و از این بابت ناخرسند بود که دشمنان اسلام با سوء استفاده از نقاط ضعف امت اسلامی به دنبال نفوذ و ایجاد تفرقه در بین مسلمانان هستند.

انسانی متواضع و خوش رو

شیخ تسخیری انسانی متواضع بود و صرف نظر از اینکه طرف مقابل چه شخصیتی دارد یا از نظر تحصیلات یا موقعیت اجتماعی در چه سطحی قرار دارد، با همه خوش رو بود و همین تواضع او موجب شده بود که در دل های بسیاری جای بگیرد. او نمونه عالمی مجاهد بود که بیماری و کهولت سن نتوانست مانع فعالیت هایش شود. آخرین بار او را سال ۲۰۱۴ در کنفرانسی در ترکیه دیدم و از حضورش متعجب شدم. در آن زمان جو

بانگاهی به زندگی پر بار آیت الله تسخیری، می توان گفت که آن دسته از نهادهای علمی و فرهنگی که به وحدت اسلامی اهمیت می دهند، باید تجربیات همه علمای تقریب را بررسی کنند، زیرا همگی آرمان واحدی را دنبال و پرچم و مشعل وحدت را با خود حمل می کنند و تجربیات آنها می تواند از نظر عملی و فرهنگی، شرایط را برای بسیاری از علمایی که می خواهند در زمینه تقریب مذاهب فعالیت کنند و همچنین نسلی که با این فرهنگ تربیت می شود فراهم کند. زیرا آموزش نظریه های وحدت اسلامی با معرفی الگوها و شخصیت های تقریبی، که در طول مسیر خود با چه مسائل و چالش هایی روبه رو بودند و چگونه عمل کردند، متفاوت است. علاوه بر این، تشکیل پایگاه واحدی از شخصیت های تقریبی می تواند مکتب وحدت اسلامی را تقویت کند. آیت الله تسخیری یکی از رهبرانی بود که مشعل و پرچم وحدت اسلامی را به دست گرفت

فتنه گری ها در منطقه شدت گرفته بود و او نیز با بیماری دست و پنجه نرم می کرد و با وجود این، تا آخرین لحظات عمرش برای آرمان وحدت مسلمین دشواری های راه را تحمل کرد و از حرکت باز نایستاد. اگر منتقد دیدگاه ها و اعتقادات کسی بود، حرف هایش را از موضع یک فرد دوستدار دیگران بیان می کرد. از همین رو هیچ کسی را ندیدیم که از گوش سپردن به حرف هایش ناراحت و دلخور شود. او افراد را از دیدگاه فکری خودشان و با لبراز دوستی جذب می کرد.

شخصیت های مکتب تقریب به موضوع مبارزه با تبعیض علیه زنان پرداختند و آیت الله تسخیری هم در این باره حساسیت بسیاری داشت، حتی در محافل بین المللی به آن می پرداخت تا چهره زن را در اسلام، که برخی رسانه ها آن را مخدوش جلوه داده اند، اصلاح کند. گاهی علمای تقریب از سوی عده ای مورد اتهام قرار می گیرند که می خواهند یک مذهب و عقیده را از بین ببرند، اما این امر ناشی از ناآگاهی از مسئله وحدت اسلامی است که گمان می کنند معنایش دست کشیدن از برخی اعتقادات و از بین بردن یک مذهب است. در حالی که تقریب مذاهب به معنای پذیرش طرف مقابل، استقبال از مشترکات و گفت و گو برای حل اختلاف بین مسلمانان است و علمای تقریبی تلاش کرده اند که بین تقریب مذاهب و تلاش برای از بین بردن یک مذهب تبعیض قائل شوند.



شیخ

انسانی

متواضع بود

و صرف نظر

از اینکه طرف

مقابل چه

شخصیتی

دارد یا از نظر

تحصیلات

یا موقعیت

اجتماعی در

چه سطحی

قرار دارد،

با همه

خوش رو بود

و همین

تواضع او

موجب شده

بود که

در دل های

بسیاری جای

بگیرد

برخی حاکمان منافع را در تفرقه می بینند از نظر تاریخی بین پیروان دو مذهب شیعه و سنی اختلاف بوده و همواره نوعی ترس از ادغام و همبستگی بین مسلمانان مذاهب مختلف وجود داشته و سیاست هم به این قضیه دامن زده است، زیرا حکام به اتحاد شیعیان و اهل سنت اهمیتی نمی دهند و چه بسا در بسیاری مواقع حاکمان ظالم منافع سیاسی خود را در جدایی و تفرقه می بینند. گفتمان تقریب تحریک کننده احساسات طرف مقابل آن هم به شکلی منفی نیست، بلکه بر مبنای جذب عموم است، در حالی که گفتمان های قومی-مذهبی فتنه انگیز است. علمای تقریب در جبهه خود ثابت قدم و مقاوم هستند و اکنون مسلمانان باید در جبهه واحدی در برابر استکبار، کفر و شرک جهانی قرار گیرند، زیرا جبهه مقابل برایش اسلام سنی و شیعه فرقی نمی کند، بلکه تفرقه انداختن و سوء استفاده از آن برایش اهمیت دارد.

سوره

ویژه نامه
سالگرد مرحوم
آیت الله محمدعلی تسخیری

مرد اخلاق در خانواده

▼ همسر مرحوم آیت الله تسخیری در کنار پسران مصطفی تسخیری؛ عروس ها و نواده ها



پدر مهربان خانواده در کلام همسر

بسیار اهل مطالعه بود

اراده محکم، شجاعت، خلوص، خود ساختگی، استواری در سختی ها، شوریدگی و صفای نفس، ایمان راسخ، بی توجهی به دنیا، شادابی و سرزندگی، خستگی ناپذیری، پُرجاری، گذشت و مهربانی از مرحوم تسخیری انسانی زبان زد ساخته بود. شب و روز در سفر و حضر در ملایمت و ناملایمت، خاضعانه و خاشعانه می جوشید، می خروشید، می گفت و می نوشت، این رفتارها خانواده ای گرم و صمیمی می خواهد و همسری که در کنارش باشد و شرایط را برای یک زندگی که باب میل شیخ تسخیری بود، فراهم کند، فرزندان را در نبود پدر به شایستگی پرورش داده و جای خالی مرد خانه اش را برایشان پر کند.

گفت و گو

زبان شیعه بود

زهرابیضایی، خواهرزاده و عروس آیت الله تسخیری است، او سال های زیادی است که عروس این خانواده شده و رفتار و خلق و خوی دایی خود را در دوره های مختلف زندگی به ویژه در زمانی که ۱۸ سال داشته و به حج مشرف شده، به خوبی به خاطر دارد، او می گوید: آیت الله تسخیری بسیار اهل علم و مطالعه بودند و به ما می گفتند که اگر هر کدام از شما بخواهد تحصیلات خود را ادامه دهد، من از نظر مادی و علمی از او حمایت می کنم.

مرحوم تسخیری در دامان مادری پرورش یافت که پرهیزگار بود و کمالات زیادی داشت، او به زبان عربی مسلط بود و زبان قرآن را به فرزندانش از جمله آیت الله محمد علی تسخیری آموزش داد. مرحوم تسخیری مانند مادرش، بانویی حکیم و صبور را به همسری برگزید؛ او فاطمه قزوینی، دختر عمه مرحوم تسخیری بود.

مرحوم آیت الله تسخیری در رامسر از دواج می کند و پس از دواج به نجف می رود و در کنار خانواده آنجا را به عنوان محل زندگی اش بر می گزیند، حاصل سال ها زندگی با فاطمه قزوینی، ۳ پسر و دو دختر است. زن به مثابه همسر و مادر بدون تردید نقش متفاوتی با مرد دارد و گرمابخش کانون خانواده است، نقش این دو به یکدیگر وابسته است و هرگز نمی توان زندگی را از آن ها بی نیاز دانست و این همراهی و همبستگی در زندگی آیت الله تسخیری با فاطمه قزوینی نمودی یادی داشت.

بانو فاطمه از زندگی در شمال ایران و دره های سرسبز این خطه دل می کند و با مرحوم تسخیری همراه می شود و به نجف می رود و سال های متمادی در کنار شیخ تقی در این وادی سپری می کند و بعدها با او همراه شده و به ایران بازمی گردد.

به گفته خانواده و نزدیکان، اکرام و احترام مادر و همسر و فرزند دختر در زندگی شخصی مرحوم تسخیری نمایان بود، احترام ایشان به مادرش که نقش معلم اولشان را داشت و خدمتی که همواره به همسر بیمارارش با صداقت و علاقه نثار می کرد و با احترام و عزت همراه بود، مثال دنی است.

برای توصیف بزرگ مرد تقریباً زبان همسرش به منزل ایشان رفتیم، ظهر یک روز پاییزی بود، باروی



مرحوم

تسخیری در

دامان مادری

پرورش یافت

که پرهیزگار

بود و کمالات

زیادی داشت،

او به زبان

عربی مسلط

بود و زبان

قرآن را به

فرزندانش از

جمله آیت الله

محمد علی

تسخیری

آموزش داد

زهرابیضایی این گونه بر ایمان روایت کرد: من مترجم عربی هستم و متونی به دستم می رسید که باید ترجمه می کردم. یک بار متنی عرفانی به دستم رسید که بسیار دشوار بود و چون معمولاً حاج آقا باروی خوش در مسائل علمی به ما کمک می کردند، متن را نزد ایشان بردم و نکات بسیار گره گشایی را برای من بازگو کردند و از توجه و دقت نظرشان به ترجمه ام بسیار لذت بردم و آموختم.

از آنجا که ایشان شخصیتی تک بعدی نداشتند و به علوم مختلف احاطه داشتند، موضوع عرفانی مورد تحقیق را برای من شرح دادند. آنقدر توضیحاتشان روشن، شیرین و شیوا بود که من اصلاً موضوع ترجمه را فراموش کردم و دوست داشتم در مورد آن موضوع عرفانی صحبت کنند. احساس می کردم به عمق بحث نفوذ کرده ام و علاقه مند بودم که علم آموزی از ایشان ادامه یابد.

خاطره

به هرچه دست می زنی به این رادیو دست نزن

مهدی یار ۱۰ سال دارد، نهمین نوه مرحوم تسخیری است، شیطنتهای کودکانه در چشمانش موج می زند، او رادیوی قدیمی باباجون را به یادگار نگه داشته است.

مهدی یار می گوید: یکی از خاطراتم، خاطره این رادیوی قدیمی مربوط به ۴۰ یا ۵۰ سال پیش است. من دائم با این رادیو بازی می کردم و باباجون به من می گفتند که به این دست نزن. بوششان می کردم و می رفتم و فردا دوباره می رفتم سراغ همان رادیو. یک روز آمدم و رادیو را دیدم و آن را قبل از آمدن باباجون دستکاری کردم. رادیو ساعت ۲ نیمه شب زنگ زد. صدای زنگ آنقدر بلند بود که من هم از طبقه بالا از خواب پریدم. باباجون هم از خواب پریده بودند. صبح وقتی رفتم پیششان، گفتند که ماجرا چه بوده و دیشب بد خواب شده اند؛ اما دعوا نکردند. از آن روز به بعد می گفتند به هرچه دست می زنی به این رادیو دست نزن.



**حاج آقا به
مجمع فقه
جده می رفت
و در سازمان
فرهنگ و
ارتباطات
فعالیت
می کرد.
شب ها زود
می خوابید
و صبح زود
بیدار می شد
تا به کارهایش
برسد. بسیار
اهل مطالعه
بود و وقتی
هوای خوب
بود در ایوان
می نشست
و کتاب
می خواند**

▼ همسر مرحوم آیت الله تسخیری



فرهنگ و ارتباطات فعالیت می کرد. شب ها زود می خوابید و صبح زود بیدار می شد تا به کارهایش برسد. بسیار اهل مطالعه بود و وقتی هوا خوب بود در ایوان می نشست و کتاب می خواند. او بسیار سفر می کرد و به من می گفت که تو خیلی مهربانی و وقتی سفر می روم، مواظب بچه ها هستی. در پاسخ می گفتم که به وظیفه ام عمل می کنم. انشاء الله خدا قبول کند. بچه های مهربان و خوبی دارم که در نبود حاج آقا آرام اند و برای هر کاری با من مشورت می کنند و اجازه می گیرند. در تعدادی از سفرهای حاج آقا مانند لبنان، کویت و سوریه او را همراهی کردم. مهم ترین ویژگی او مهربانی بود. در غذا خوردن بهانه گیر نبود و کارهای پژوهشی و شخصی را خودش انجام می داد. هنگام تولد پسر کوچکم او به جده رفت و من در قم نزد مادر شوهرم فرزندم را به دنیا آوردم. در اعیاد اسلامی مانند میلاد حضرت زهرا (س) همه اعضای خانواده دور هم جمع می شدیم و جشن می گرفتیم؛ زمانی که به سفر می رفت برای بچه ها و من سوغاتی می آورد.

خوش ما را پذیرفت؛ گرم و صمیمی بود، درست مانند آیت الله تسخیری که این روزها جای خالی او در زندگی اش بسیار احساس می شود. سعی کردیم به دلیل بیماری اش خیلی وقتش را نگیریم. خود را این گونه معرفی کرد: فاطمه قزوینی، همسر مرحوم شیخ محمدعلی تسخیری هستم. حدود ۱۵-۱۶ سال داشتم که با آقای تسخیری ازدواج کردم. دختر عمه و پسردایی بودیم. او برای خواستگاری به رامسر آمد و پس از ازدواج به نجف رفتیم و سال ها در آنجا زندگی کردیم. بعدها صدام ایرانی های مقیم عراق را، که ماهم جزء آنان بودیم، از این کشور اخراج کرد، زیرا محمد رضا شاه در جشن دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی اسرائیل را دعوت کرده بود، اما صدام را نه و همین امر سبب بیرون راندن ایرانیان از عراق شد. پس از بازگشت از عراق به قم رفتیم و چند سالی در آنجا زندگی کردیم. بعد به تهران آمدیم و در این شهر ساکن شدیم. حاصل این ازدواج ۵ فرزند، ۳ پسر و دو دختر، است. حاج آقا به مجمع فقه جده می رفت و در سازمان

فرزندان در سنین کم به سرزمین وحی مشرف شوند و از انوار آن مکان مقدس بهره ببرند.
آیت الله تسخیری به علم آموزی تشویق و از ما حمایت می کردند، به گونه ای که مدیون ایشان هستم، زیرا بسیار به من کمک کردند و اکنون جای خالی ایشان را حس می کنم. گاهی سؤالاتی پیش می آید و متوجه می شوم که وجودشان چه نعمت بزرگی بود، زیرا ما از حضور و دریای علمشان استفاده می کردیم و اکنون از آن محروم شده ایم.
ایشان همان گونه که مقام معظم رهبری فرمودند، زبان شیعه بودند و فقط رضایت خداوند برایشان اهمیت داشت. مرد خدا بودند و اهل ادعا نبودند. اصل برای ایشان عمل به تکلیف الهی بود و دغدغه شان مطرح شدن یا نشدن نبود.

من در ۱۸ سالگی به همراه خانواده به سفر حج مشرف شدم. بعد از انجام اعمال، فکر می کنم قبل از رفتن به منا بود، همه در محل اسکان دور هم جمع شده بودیم. آن سال حاج آقا به عنوان نماینده رهبری در بعثه حضور داشتند.
با توجه به آشنایی ایشان با شخصیت های اهل سنت و سعودی و رابطه خوبی که با مقامات آنجا داشتند، حضورشان بسیار مؤثر بود و تا زمانی که وضعیت جسمانی شان اجازه می داد، به حج مشرف می شدند و حضورشان در پیشبرد اهداف حج تأثیر فراوانی داشت. ایشان آمدند و در کنار ما بچه ها نشستند و گفتند حالا که اینجا دور هم نشسته اید، بگذارید برایتان یک حدیث بگویم. حدیثی را از یکی از ائمه معصومین (ع) نقل کردند؛ با این مضمون که حتی اگر شده از نان شبستان بزنید و با بچه ها به حج مشرف شوید، این کار را بکنید. این حدیث تأکید می کرد که چقدر خوب است که

به روایت فرزند

تختی از دستور رهبر معظم انقلاب خط قرمز شان بود

مصطفی، پسر بزرگ مرحوم آیت الله تسخیری، مانند هر پسر دیگری از وقتی چشم باز کرده، در کنار پدر بوده و با توانایی هایی که بزرگ مرد تقریب در زندگی شخصی داشت، آشنایی دارد. پدرش را دلسوز فرزندان و خانواده و یک شخصیت مهربان و تلاشگر دیده است، پدري که لحظه ای آرام و قرار نداشت.

از مرحوم پدر برای ما بگویند و اینکه ایشان چگونه شخصیتی داشتند؟

ایشان تقریباً یک لحظه آرام و قرار نداشت و در سفر نیز کار خود را انجام می داد و بعد از نماز صبح کارش را آغاز می کرد و شب به خانه بر می گشت و بعد از خوش و بش با خانواده، مجدداً به کار خود ادامه می داد. علاوه بر اینکه به کارش بسیار اتمام داشت و در کار خیلی جدی بود، همیشه به خانواده هم محبت می کرد.

اگر کاری را شروع می کرد، می کوشید که با تمام قدرت آن کار را انجام دهد و آن دودوتا چهار تایی را که مادر زندگی شخصی داریم، که این کار ققدر سود و ضرر دارد و چه مشکلاتی را برای ما ایجاد می کند، در نظر نمی گرفت. ویژگی دیگر ایشان اعتقاد و عشق عجیب به دستورات ائمه (ع) بود. از ابتدا در بحث تقریب بین مذاهب فعالیت می کرد. این یک عقیده شخصی نبود که خودش به آن رسیده باشد، بلکه از تعالیم ائمه (ع) برداشت کرده بود و بر این اساس نگاه تقریبی داشت.

همه این ایراد را به حاج آقامی گرفتند که نمی توانند بگویند

همچنین حاج آقا در برابر سختی دیگران بی خیال نبود و دلسوز فرزندان و خانواده خود بود. همه این ایراد را به حاج آقامی گرفتند که نمی توانند بگویند. بسیار عاطفی بود و شخصیت عاطفی او در خانواده نمود داشت، حتی همه فامیل را دور هم جمع می کرد و نظراتش را هگشا بود. زمانی که در منزل بود کمتر سختی کار را به منزل منتقل می کرد و بسیار مهربان و صبور بود. کسانی که سخته مغزی می کنند صبرشان بسیار کم می شود، اما او حتی بعد از بیماری بسیار صبور بود.

اساتیدی که بیشترین تأثیر را در زندگی آیت الله تسخیری داشتند، چه کسانی بودند؟

کسانی که زندگینامه حاج آقا را بخوانند، می دانند که ایشان استادان بزرگوار داشتند. زمانی که حضرت امام (ره) در نجف بود، ایشان از محضرشان بهره فراوانی می برد. وقتی که حاج آقا در ایران بود، از شهید مطهری

بسیار بهره برد و از نظرات ایشان بسیار تأثیر پذیرفت ولی استادی که حاج آقا خیلی به او علاقه داشت و عشق می ورزید و خود را مانند فرزند ایشان می دانست، آیت الله شهید محمد باقر صدر بود. شهید صدر در جوانی شهید شد اما دید بسیار گسترده و نوگرایانه ای به مسائل پیرامون خود داشت. با مکاتب فکری و اقتصادی کاملاً آشنا بود. طبیعتاً حاج آقا هم به عنوان شاگردشان در بسیاری از خصوصیت ها، حتی ویژگی های رفتاری، تحت تأثیر ایشان قرار گرفت. دائماً از اخلاص شهید صدر صحبت می کرد و این اخلاص به خود حاج آقا هم منتقل شده بود. شخصیت فوق العاده تلاشگر و محقق بود.

خاطره ای ناگفته از پدر دارید؟

یک بار که مریض شده بود، دو نفر از دوستانشان به عیادتش آمدند و با او صحبت کردند. یکی از آنها خاطره ای را از مباحثه با عالمی سنی تعریف کرد و در آخر مباحثه درباره حضرت امیر از او پرسیده بود. می گفت که این عالم سنی چیزی به من نگفت، اما از اشکی که در چشمانش جمع شد، فهمیدم که حب به اهل بیت و حضرت امیر دارد. حاج آقا در همان حالت گفت که حضرت امیر هدف خلقت است.

یک روز حاج آقا با یکی از دوستانش، که اهل تسنن هستند و دوستی آنها به چهل سال می رسد، صحبت می کرد. در آن میان فردی به اندیشه تقریبی حاج آقا ایراد گرفت. حاج آقا به دوست سنی مذهبی اشاره کرد و گفت که من با این آقا دوستم و با او صحبت و مباحثه کرده ام اما از او پرسید که آیا تابه حال در طول این چند سال او را به مذهب شیعه دعوت کرده ام؟ ما بر اشتراکات مذاهب تأکید می کنیم و در مواردی که نمی توانیم به نتیجه واحدی برسیم، اصل را بر صداقت طرف مقابل می گذاریم.

یکی از همکارانش تعریف می کرد که در یک ناهار کاری در خارج از کشور دعوت کنندگان، همراهان حاج آقا را به اتاق دیگری راهنمایی و از آنها پذیرایی مختصری کردند. موقع ناهار حاج آقا می گویند به همراهان من نیز بگویند که بیایند.

ویژگی دیگر ایشان اعتقاد و عشق عجیب به دستورات ائمه (ع) بود.

از ابتدا در بحث تقریب بین مذاهب فعالیت می کرد. این یک عقیده شخصی نبود که خودش به آن رسیده باشد، بلکه از تعالیم ائمه (ع) برداشت کرده بود

اصلاً کبر علمی نداشت

حاج آقا پس از نوشتن تفسیر المختصر براساس مراحل قانونی باید به وزارت ارشاد می‌رفت تا یک نفر این تفسیر را بررسی کند. البته با مراجعه به این وزارتخانه، یک نفر آن را بررسی و اشکالاتی را بیان کرده بود. برخی اعتراض کردند و گفتند که چه کسی و با چه علمی این همه اشکال وارد کرده است، اما او استقبال کرد و گفت که من دقت نظرش را دوست داشتم، او دقیق این کتاب را خوانده است. اصلاً کبر علمی نداشت و آن اشکالات را اصلاح و نظرات را اعمال و حتی با آن شخص همکاری کرد تا بقیه اشکالات را پیدا کند.

تقریب چه جایگاهی در اندیشه آیت الله تسخیری داشت؟

تقریب یکی از آرزوهایش بود. او می‌گفت که دنیای کفر وارد جنگ با دنیای اسلام شده است و در این مبارزه مسلمانان هیچ راهی جز اتحاد ندارند، زیرا در غیر این صورت انرژی آنها صرف خودشان می‌شود و مانند دوره‌های گذشته دنیای کفر بر آنها پیروز می‌شود. بنابراین تقریب را یک اصل می‌دانستند. این یک آرزو بود برای او نه اینکه هدفی تاکتیکی باشد که در محافل عمومی این را اعلام کند و در محافل خصوصی حرف دیگری بزند. آرزو داشت که مسلمانان متحد شوند و با وجود اختلافات با هم همکاری کنند. تکیه بر مشترکات یکی از تأکیدهای او بود تا به امت واحدی تبدیل شویم.

آیا اعتقاد به اصل تقریب مذاهب مشکلی را در زندگی مرحوم آیت الله تسخیری و تعامل با دوستان و نزدیکان ایجاد نمی‌کرد؟

چون ایشان در مسئله تقریب مذاهب فعالیت می‌کرد. شاید برخی فکر کنند که اعتقاد ایشان بیشتر به عقاید اهل تسنن متمایل بود، در حالی که در اعتقادات شیعی بسیار محکم بود و بر همین اساس وقتی با برادران اهل سنت صحبت می‌کرد، یک حرف علمی داشت که با آنها مباحثه کند و هم اعتقادی داشت که وقتی با شخصی



صادر شود. بگذریم که در آن زمان بسیار اعتراض شد که چرا او در این نشست شرکت کرد. در مجموع جو کنفراانس حامی نظر حضرت امام شده بود، اما نماینده یکی از کشورهای شمال آفریقا مرموزانه بلند می شود و می گوید که سازمان کنفراانس اسلامی سازمان پاکی است و چرا ما باید نام انسان پلیدی مانند سلمان رشدی را در این بیانیه ذکر کنیم. نظر او این بود که اگر نام سلمان رشدی از بیانیه پاک شود، به یک بیانیه عمومی تبدیل می شود و دیگر کاری به فتوای حضرت امام (ره) ندارد. سپس حاج آقا اجازه می گیرد و صحبت می کند. می گوید که پیشنهاد بسیار خوبی است اما بیایید قبلیش کار دیگری را انجام دهیم. اسم پلیدترین موجود یعنی ابلیس را از قرآن، که پاک ترین کتاب است، حذف کنیم. با این سخن آن فرد دیگر چیزی نمی گوید و بیانیه آن طور که شایسته بود به تصویب می رسد.

چند دهه نماینده ایران در سازمان کنفراانس اسلامی بود. اما هرگز نظر فقهی خودش را بر نظر فقهی حضرت آقا ترجیح نمی داد. هر چه ایشان می گفتند، دقیقاً همان را اجرا می کرد و بر این مورد تأکید داشتند. تخطی از دستور حضرت آقا خط قرمز شان بود. انسان منصفی هم بودند، یعنی در عین حالی که اعتراض خود را درباره یک مسئله اعلام می کردند، مخالف خود را کامل تخریب نمی کردند.

از تعاملات بین المللی مرحوم پدر و سخنرانی های ایشان در محافل و نشست های بین المللی چیزی به یاد دارید؟

حاج آقا تعریف می کرد که بعد از حکم تاریخی حضرت امام (ره) در مورد سلمان رشدی، فرار بود که در این باره بیانیه ای در نشست سازمان کنفراانس اسلامی

صحبت می کرد اصل را بر صداقت طرف مقابل می گذاشت، مگر اینکه خلافش ثابت شود. دوستان اهل تسننش بسیار می گفتند که وقتی با حاج آقا صحبت می کنند، انگار دارند با برادران خودشان صحبت می کنند نه کسی که آمده با آنها مجادله کند. بنابراین آنها هم می پذیرفتند.

در بحث تقریب در جلسات خصوصی نیش و کنایه فراوانی می شنید و بسیار اذیت می شد اما شخصی نبود که کینه ای به دل بگیرد و ناراحت شود و این ناراحتی در کار او تأثیر بگذارد، بلکه با توان بالا و با اخلاصی که داشت، کارش را انجام می داد.

خط قرمز مرحوم پدر چه بود؟
چیزی که خیلی برایش اهمیت داشت، دستورات رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی)، بود. وقتی دستوری می رسید، تردید نمی کرد. حدود



در بحث تقریب در جلسات خصوصی نیش و کنایه فراوانی می شنید و بسیار اذیت می شد اما شخصی نبود که کینه ای به دل بگیرد و ناراحت شود و این ناراحتی در کار او تأثیر بگذارد



در بحث‌های خانوادگی و علمی چگونه رفتار می‌کرد؟

حاج آقا در منزل و هنگام بحث خانوادگی تواضع علمی و رفتاری از خود نشان می‌داد. بسیار به تواضع علمی ایشان اعتراض می‌شد، زیرا سطح علمی کسانی که از او اشکال می‌گرفتند چند درجه پایین‌تر از حاج آقا بود اما این افراد با این جواب روبه‌رو نمی‌شدند که من می‌دانم یا تو، بلکه متواضعانه پاسخ می‌دادند. تواضعش زبانزد بود.

یادم هست که پروژهای در مجمع تقریب بسیار هزینه‌بر بود و کار بسیاری می‌طلبید و زمانی به سرانجام می‌رسید که احتمالاً حاج آقادیگر دبیر کل مجمع تقریب نبودند. من به زبان خودمانی به حاج آقا گفتم که بابا چرا این قدر تلاش می‌کنی؟ اینقدر به این و آن رو می‌اندازی که این کار انجام شود. شمالین قدر تلاش می‌کنی استفاده‌اش را شخص دیگری می‌برد. ایشان پاسخ دادند: «من چه ادعایی

دارم؟ نفر بعدی استفاده‌اش را ببرد.» او برای انجام بهترین کار حتی در شرایط سخت کاری تلاش می‌کرد.

بیماری مرحوم آیت الله تسخیری از چه زمانی شدت گرفت و نحوه رفتار ایشان در زمان بیماری چگونه بود؟

او در سال ۷۸ سکه مغزی کرد. کسانی که درگیر این بیماری شده‌اند، می‌دانند که خیلی سخت است و توان بیمار بسیار پایین می‌آید. او در طول بیست و چند سالی که درگیر این بیماری بود، اصلاً اجازه نمی‌داد که بیماری بر جسمش غلبه کند؛ تا جایی که چهار ماه بعد از بیماری داخل دفتر کارش بود و بسیاری از سفرها را به تنهایی یا فقط با تیم حفاظت می‌رفت.

برخی اوقات با وجود بیماری‌ای که داشتند، سخت حرکت می‌کردند، اما موقع سوار شدن به آسانسور اجازه نمی‌دادند که کسی به خاطرش پیاده شود.

در زمان بیماری یک روز من و همسرم به دیدن حاج آقا رفتیم. کتابی حدود ۳۰۰ صفحه دستش بود. گفت که من از صبح خواندن این کتاب را شروع والان تمامش کردم. بعد شروع به نقد آن کتاب کرد، یعنی از ساعت هفت صبح که خواندن کتاب را شروع کرده بود نه تنها تا هشت شب آن را تمام کرده، بلکه نقد هم کرده بود و نکاتی را در حالت بیماری نوشته بود. شاید اگر من می‌خواستم این کتاب را بخوانم، یک هفته و قلم را می‌گرفت. در واقع پشتکار عجیبی داشت.

جای خالی پدر در خانواده چطور پر می‌شد و مادر تان در زمان نبود پدر چگونه عمل می‌کرد؟

ما در طول زندگی یک پدر سختکوش را دیدیم. بسیاری از مواقع در منزل نبود و به سفرهای بسیاری می‌رفت و بار زندگی بر دوش مادر بود و او بدون اینکه شکایتی کند، پنج فرزند را تربیت کرد و زحمات فراوانی کشید. از سال ۷۸ پرستاری حاج آقا را نیز برعهده داشت تا اینکه سال ۹۰ خود نیز زمین گیر شد و تقریباً ۹ سال است که در بستر بیماری به سر می‌برد اما باز هم

شکایت نمی‌کند و دائماً به ما توصیه می‌کرد که با پدر همراه باشیم. علاوه بر این، او یک دیوان شعر هم دارد و ادیب بود. پدر و مادر حاج آقا ایرانی الاصل و جزو معادین (ایرانیان بازگشته از عراق) بودند اما او تلاش کرد که بر ادبیات فصیح عرب به خوبی تسلط یابد. یکی از دوستان ایشان بعد از کنفرانس قاهره به ایشان می‌گوید که من ندیدم از روی نوشته سخنرانی کنید. حاج آقا پاسخ می‌دهد که من نوشته نخواندم. صحبت کردم.

آیا آیت الله تسخیری رویدادهای مهم و خاطرات روزانه را می‌نوشت؟

حاج آقا دفتر خاطراتی نداشت که به صورت منسجم خاطرات خود را در آن بنویسد؛ حتی یک بار از تلویزیون برای ساخت مستندی نزد حاج آقا آمدند و به سختی توانستند از ایشان مصاحبه بگیرند. تنها چیزی که توانست درباره آن صحبت کند اتفاقی بود که در عراق افتاده بود، زیرا می‌توانست به انقلاب بزرگی در عراق منجر شود. حاج آقا در زمان حضور در عراق شعری را خطاب به حضرت مهدی (عج) می‌گویند. با این مضمون که مهدی بیا که شمشیرهای یارانت آماده است. یک نفر این شعر را در ایام عاشورا می‌خواند. همین بیت باعث شد که مردم قیام و بعثی‌ها را از نصف خارج کنند و اتفاق بسیار مهمی بود. معتقد بود که اگر از شهید صدر پشتیبانی بیشتری می‌شد، مانند حمایت مردم از حضرت امام (ره) در ایران، انقلاب بزرگی در عراق رخ می‌داد.

چه چیزی آیت الله تسخیری را ناراحت می‌کرد؟

کم کاری حاج آقا را رنجیده خاطر می‌کرد و با وجود بیماری، کار را متوقف نمی‌کرد. تفرقه افکنی بسیار او را ناراحت می‌کرد؛ حتی از برخی شبکه‌های ماهواره‌ای صحبت می‌کرد که به نام تشیع و اهل تسنن تفرقه افکنی می‌کنند. حاج آقا می‌گفت که من مدرک موثق دارم که این شبکه‌ها از یک جا تغذیه می‌شوند و این مسئله خیلی ناراحتش می‌کرد و می‌کوشید که با آن مقابله کند.

کم کاری
حاج آقا را
رنجیده خاطر
می‌کرد و با
وجود بیماری،
کار را متوقف
نمی‌کرد.
تفرقه افکنی
بسیار او
را ناراحت
می‌کرد؛
حتی از برخی
شبکه‌های
ماهواره‌ای
صحبت
می‌کرد که
به نام تشیع
واهل تسنن
تفرقه افکنی
می‌کنند. حاج
آقا می‌گفت
که من مدرک
موثق دارم
که این شبکه‌ها
از یک جا
تغذیه
می‌شوند



پای صمبیت های عروس خانواده ی تسخیری

اهل تجمل نبود

۱۵ سال است که عروس خانواده آیت الله تسخیری شده است، خاطرات زیادی از استادش دارد، استادی که اهل تجمل نبود و ساده زیستی را دوست داشت، موضوع پایان نامه اش را با راهنمایی مرحوم تسخیری انتخاب کرده و خاطراتی از استادش دارد که در نوع خود شنیدنی است.

ابتدا از خودتان بگویید و این که چند سال است با خانواده مرحوم آیت الله تسخیری تعامل داشته و عروس این خانواده شده اید؟ ۱۵ سال است که با خانواده آقای تسخیری آشنا و عضو این خانواده شده ام. ایشان برای من از دو جنبه اهمیت داشتند. یکی جنبه خانوادگی و اینکه پدر همسرم بودند و جنبه دیگر، علمی بود زیرا با ایشان ارتباط علمی داشتم.

زمانی که برای خواستگاری به منزل ما آمده بودند. به پدر من گفتند که پسر من را به غلامی بپذیرید. این حرف برای ما بسیار سنگین بود و پدرم متحول شد، چرا که شخصی که مشاور رهبر بود با چنین خضوعی دست روی شانه پسرشان گذاشتند و این حرف را زدند. خانواده من حاج آقا را یک روحانی دوست داشتنی و خاص می دیدند. ساختمان ما چند طبقه است. زمانی که زندگی با همسر را آغاز کردم. از طبقه همکف به عنوان حسینیه استفاده می شد. ما انتظار داشتیم بعد از ازدواج حسینیه را به عنوان منزل در اختیار ماقرار دهند، اما طبقه بالا را، که بزرگتر بود، خالی کردند و خودشان آمدند پایین و آن واحد را به ما دادند. البته مادر شوهرم در این کار و امور دیگر نقش

بسیاری داشت و در سختی ها و همه جا همراه ایشان بود. بچه که بودم آرزو داشتم یک کتابخانه بزرگ چوبی داشته باشم، از سقف تا زمین و پر از کتاب. وقتی ازدواج کردیم و کتابخانه آیت الله تسخیری را دیدیم، پدرم گفتند که به آرزویت رسیدی. به هر جا که نگاه می کردی پر از کتاب بود، کتاب هایی ارزشمند که معلوم بود استفاده شده و ورق خورده است.

آیت الله تسخیری چگونه شخصیتی داشتند؟ اصلاً اهل تجمل نبودند. مبلی که امروز در کتابخانه ایشان به جای مانده همان مبلی ۱۵ سال پیش است. شاید در طول این سال ها قفسه کتاب بیشترین وسیله ای باشد که به منزل ایشان اضافه شده است. حسابه دست به خیر بودند. یادم هست یک بار به ایشان گفتم خانمی در مسجد به پول نیاز دارند. آن زمان پول زیادی دادند که به این شخص قرض بدهیم. آن خانم به مرور پول را پس داد. من پول را جمع کردم و نزد حاج آقا بردم. ایشان پول را نگرفتند و گفتند پول را نگه دارید و در امر خیر دیگری مصرف کنید.

از دیگر خصوصیاتشان این بود که احساسی نظر



اصلاً اهل تجمل نبودند. مبلی که امروز در کتابخانه ایشان به جای مانده همان مبلی ۱۵ سال پیش است. شاید در طول این سال ها بیشترین وسیله ای باشد که به منزل ایشان اضافه شده است

نمی دادند. من اصلاً در کلام علمی ایشان احساس نمی دیدم. همیشه یک استدلال پشت سخنشان بود اما اگر استدلال طرف مقابل را درست می دیدند، قبول می کردند. در کنار قاطعیتی که داشتند بسیار انعطاف پذیر بودند. قطعاً افراد دیگری مانند حاج آقا تسخیری هستند که در زمان حیاتشان اهل جلوی دوربین رفتن نیستند و دیگران نیز چون آنها را نمی شناسند نمی توانند از وجودشان استفاده کنند. امیدوارم بتوان جای خالی ایشان را پر کرد.

رفتارشان با خانواده و نزدیکان به ویژه شما که عروس ایشان بودید، چگونه بود؟

حاج آقا بسیار مهربان بودند. بارها به همسر من گفتند که هوای همسرت را داشته باش. نه فقط با من، بلکه با دیگر عروس ها و دامادها هم همین طور بودند. در حین مطالعه تمرکز بر ایشان خیلی مهم بود. دوست داشتند سکوت باشد تا با دقت کارشان را انجام دهند. زمانی که پایان نامه ارشدم را می نوشتم، پسر بزرگم یک سال و چند ماه داشت. ما به کتابخانه می آمدیم تا از فضای آن استفاده کنیم. نمی دانستم که ایشان با صدای بچه مشکل دارند ولی به من چیزی نمی گفتند و سر و

▲ امیر مهدی و مهدی یار: نوه های مرحوم تسخیری



رفتارشان پیامبر گونه بود، وقتی در قرآن درباره پیامبر (ص) و مهربانی های ایشان می خوانیم، می بینیم که این مهربانی ها در شخصیت آیت الله تسخیری متجلی شده بود. این طور نبود که در منزل خودشان مجلس لعن بر گزار کنند و در بیرون ژست تقریب بگیرند

سوغاتی می آوردند. البته برای دخترها، عروس ها و نوه های دختری بیشتر. چون می گفتند دخترها عاطفی ترند. خیلی قدردان بودند. اگر من غذا درست می کردم، آن قدر تشکر می کردند که انسان بال درمی آورد و من دوست داشتم هر روز بیایم و برای ایشان غذا درست کنم. هیچ وقت از غذا ایراد نمی گرفتند و هر وقت می پرسیدم چی درست کنم؟ می گفتند هیچ فرقی نمی کند، ولی بادمجان و ماست موسیر را بیشتر دوست داشتند. از انسانی که اهل فقه و اصول است انتظار می رود که خشک و منطقی باشد، اما ایشان در کنار منطق، بسیار احساسی بودند.

آیت الله تسخیری را در یک جمله توصیف کنید. رفتارشان پیامبر گونه بود، وقتی در قرآن درباره پیامبر (ص) و مهربانی های ایشان می خوانیم، می بینیم که این مهربانی ها در شخصیت آیت الله تسخیری متجلی شده بود. این طور نبود که در منزل خودشان مجلس لعن بر گزار کنند و در بیرون ژست تقریب بگیرند. اعتقادشان این بود که ما با هم برادریم. در محافل و مجالس به «شیخ کبیر» معروف بودند.

صدای پسر مرا تحمل می کردند.

شما آیت الله تسخیری را یکی از کسانی می دانید که در زندگی علمی و دانشگاهی تان نقش مهمی داشته اند، در این باره توضیح می دهید؟

ایشان همه را به درس خواندن و اهل علم بودن تشویق می کردند. زمانی که عقد کرده بودم و برای کمک در درس ها نزد ایشان می رفتم، وقتی که برای پایان نامه دنبال موضوع می گشتم، ایشان چند ایده زیبا به من دادند، چون رشته من علوم قرآن و حدیث بود، مبانی قرآنی تقریب مذاهب را انتخاب کردم. اول می خواستم ایشان را به عنوان مشاور انتخاب کنم، چون خارج از دانشگاه ما بودند، ولی این قدر برای کار من وقت می گذاشتند و پایان نامه را خوب می خواندند که استاد راهنمایم شدند. روی همه چرک نویس های من نکته می نوشتند. این طور نبود که یک بار بخوانند و در کل بگویند خوب بود.

خاطره ای ناگفته از ایشان دارید؟

زمانی بود که دست راست و پای راستشان به

دلیل بیماری مشکل داشت. با دست چپ، دست راستشان را برمی داشتند و روی کاغذ می گذاشتند و می نوشتند. می گفتم شما بفرمایید من می نویسم. می گفتند نه این دست باید کار کند یا موقع راه رفتن اگر چیزی جلوی پایشان بود و پایشان به آن گیر می کرد، خم می شدند و با دست پایشان را بلند می کردند و راه می رفتند و اجازه نمی دادند که به ایشان کمک کنیم یا مثلاً اگر من کتابی می خواستم، با من به کتابخانه که در زیر زمین بود می آمدند و کتاب را به من می دادند. بعد پنج شش کتاب مرتبط با کتابی را که خواسته بودم به من معرفی می کردند و می گفتند این کتاب ها هم هست. جای آنها را یاد بگیر و اگر خواستی استفاده کن.

زمانی که حاج آقا سفر می رفتند به ایشان هدیه می دادند. اگر هدیه را به دلیل جایگاه ایشان می دادند، آن را به دفتر کارشان می بردند، ولی اگر می گفتند این هدیه برای خود شماست، آن را به خانه می آوردند و به همسرشان می دادند و در قفسه ای می گذاشتند. وقتی می دیدند کسی از چیزی خوشش آمده است، سریع آن را به او هدیه می دادند یا وقتی سفر می رفتند، برای همه

به روایت نوه

دست از کار نمی کشید

زینب تسخیری، ۱۶ ساله و نوه هفتم آیت الله تسخیری است، از کودکی پدر بزرگ را در حال تحقیق و مطالعه می دید، پدر بزرگی سخت کوش که هیچ وقت دست از کار کردن و تلاش بر نمی داشت.

او می گوید: شخصیتی که از پدر بزرگم به یاد دارم این است که آرام، مهربان، فروتن و انسانی فوق العاده دلسوز و سخت کوش بود. از کودکی به یاد دارم که هر زمانی که من به کتابخانه پدر بزرگم می رفتم، ایشان را می دیدم که روی صندلی نشسته اند و کلی کتاب مقابله شان است و در حال بررسی کتاب ها هستند. ایشان همواره در حال تحقیق و نوشتن مقاله بودند. هیچ وقت دست از کار کردن و تلاش بر نمی داشتند.

ایشان را نمی بینم حس دلتنگی و ناراحتی در وجودم بود اما از این نظر خوشحال بودم که برای آخرتشان در این دنیا زحمات بسیار زیادی کشیده بودند؛ چه از نظر علمی و چه از نظر اجتماعی. ایشان انسانی تک بعدی نبودند؛ مثلاً فقط از نظر مذهبی برای پیشرفت قدم بردارند، بلکه در ابعاد دیگر نیز تلاش می کردند که به اندازه توان خود پیشرفت و اطلاعات کسب کنند.

هیچ وقت دست از کار نمی کشیدند، حتی زمانی که در بستر بیماری بودند و حال چندان خوشی نداشتند، باز هم کار خودشان را می کردند و تحقیقاتشان را انجام می دادند. خیلی کتاب می خواندند، به حدی که من در کودکی احساس می کردم که پدر بزرگم بیشتر کتاب های دنیا را خوانده است.

یکی از آرزوهای ایشان وحدت پیروان ادیان مختلف و نیز مهم ترین مسئله برای ایشان وحدت شیعیان و اهل تسنن بود و خیلی روی این قضیه تأکید داشتند و تمام فکر

از نظر زندگی شخصی، ایشان بسیار انسان مهربان و متبسمی بودند. به یاد ندارم که ما را به دلیلی دعوا کرده باشند یا بخواهند سر ما داد بزنند. همیشه با لبخند با ما صحبت می کردند. انسانی بسیار منظم و همیشه مراقب کتاب های کتابخانه و وسایلشان بودند و همیشه وسایلشان سر جای خودشان قرار داشت. خیلی به کتاب ها حساس بودند و آنها را گنجینه های بسیار مهمی می دانستند.

هرگز صحبت بیهوده ای نمی کردند. یک بار زمانی که ۱۰ سال داشتم، رفتم پایین، داخل کتابخانه و مشغول کار بودم. کم کم حوصله ام سر رفت. پدر بزرگم کتاب داستان راسنن شهید مطهری را که در کتابخانه داشتند به من دادند و گفتند که قصه های این کتاب برای شما مناسب است. اینها را بخوان و اگر سؤالی داشتی از من بپرس. این خاطره همیشه برای من خیلی شیرین بوده است.

وقتی پدر بزرگم از دنیا رفتند، از اینکه دیگر

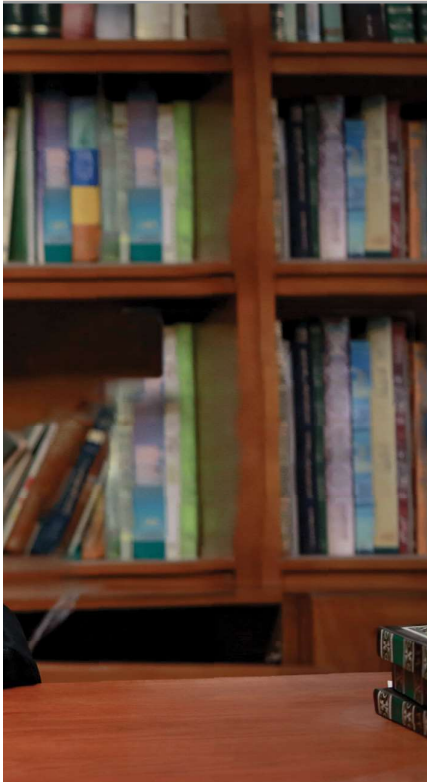


**هیچ وقت
دست از کار
نمی کشیدند،
حتی زمانی
که در بستر
بیماری بودند
و حال چندان
خوشی
نداشتند،
باز هم کار
خودشان را
می کردند و
تحقیقاتشان
را انجام
می دادند**

و ذکرشان وحدت بود. معتقد بودند که اگر وحدت ایجاد نشود، هم ممکن است اسلام به خطر بیفتد و هم جوامعی مانند ایران، عراق و دیگر کشورهای اسلامی دچار آسیب و از هم گسیختگی شوند.

اگر از ایشان نقد می شد، به راحتی می پذیرفتند. آدمی نبود که با دیگران سر جنگ و ناسازگاری داشته باشد ولی اگر نقدی داشتند یا مسئله ای را می دیدند که جایز نیست، به صراحت نقد خودشان را بیان می کردند. به طوری که نه دعوی بی بشود و نه طوری گفته باشند که کسی به نظرشان اهمیت ندهد.

انسان بی ادعایی بودند. من تا کلاس سوم چهارم خبر نداشتم که ایشان از نظر علمی و جایگاه اجتماعی چقدر سطح بالایی دارند. فقط می دانستم که انسان خیلی کتابخوان و دانا می هستند. اصلاً اهل این نبودند که بگویند، مردم ببینید، من فلان کتاب را نوشتم و یا فلان کار را کردم، بلکه تمام کارها را برای انقلاب اسلامی و خدا انجام



خاطره

از زبان نواده‌ها

امیرمهدی ۱۴ سال دارد و نوه هشتم مرحوم آیت الله تسخیری است، او عینک و عرقچین باباجون را به یادگار نگه داشته است، حسرت می خورد که اینکاش بیشتر قدر پدر بزرگ را می دانست.

امیرمهدی این گونه از باباجون برایمان گفت: خاطراتم مربوط به زمان هایی است که نزد باباجون می رفتیم و به ما اظهار محبت می کردند. بعد از فوتشان به خودم آمدم و بعد از پیام حضرت آقا بیشتر کنجکاو شدم که ببینم باباجون چه کسی بودند که من با وجود اینکه از کودکی پیش ایشان بودم؛ اما او را آن گونه که باید نشناختم. برخی سایت ها را جستجو کردم و به مطالبی برخورددم که تا به حال ندیده بودم. به مادرم گفتم

که چه چیزهای جالبی وجود داشته و من در واقع در طول این سال ها نتوانستیم به درستی ایشان را درک کنم. بعضی خاطرات را که می شنوم، می بینم واقعا باباجون همین طوری بود. عیدها مثل عید غدیر و تولد ائمه (ع) به دیدنشان می رفتیم، به ما عیدی می دادند و این عیدی دادن برای من و مهدی بار، برادرم، شیرین بود و ذوق می کردیم. بعد از فوت باباجون من چند تا از وسایلشان را به یادگار نگه داشتم که شامل عینک و عرقچین است. مادر یک عبا و یک عمامه هم نزد خود نگه داشته اند که اگر ما طلبه شدیم، به ما بدهند که برای تبرک استفاده کنیم. دوست دارم برگردیم به قبل و بیشتر قدر باباجون را بدانم، واقعا حسرت می خورم که چقدر غفلت کردم.



برای ما بسیار مهم بود که در عید نوروز یا اعیاد مذهبی دور هم جمع شویم. از میان هدایایی که به ما می دادند، جانماز سفیدی را که در روز جشن تکلیف به من دادند، هنوز دارم. یک بار هم از سفر مالزی برای ما روسری آورده بودند که من هنوز آن ها را نگه داشته ام، چون بسیار برای من با ارزش است. آخرین هدیه ایشان هم یک کیف کوچک بود که برای من و خواهرم آوردند و من خیلی از آن استفاده کرده ام.

از دیگر خاطراتی که من از ایشان دارم این است که در کتابخانه به سمت حیاط بود و ما بچه ها خیلی حیاط را دوست داشتیم و همیشه با سروصدا از راه پله پایین می آمدیم. وارد کتابخانه می شدیم و می رفتیم داخل حیاط. این سروصدا گاه باعث اذیت شدن پدر بزرگم، که ما به ایشان بابا جون می گفتیم، می شد. می آمدند و به آرامی به ما تذکر می دادند که: بچه ها من دارم اینجا کار می کنم. لطفاً آرام تر. به یاد ندارم که ما را دعوا کرده باشند.

می دادند. در مسائل زندگی روزمره خیلی ریزبین بودند، به گونه ای که گاه بر روی مسائلی که ما به آنها دقت نمی کنیم، بسیار دقیق بودند. خیلی دقت می کردند که این کار کوچکی که انجام می دهند و حرفی که الان می زنند ممکن است چه تأثیری داشته باشد. در واقع روی تمام اعمال زندگی شان نظارت داشتند.

ایشان از سطح علمی بسیار بالایی برخوردار بودند. یادم هست که یک بار در روز میلاد حضرت زهرا (س) در مورد مقام حضرت زهرا (س) و حرف های ایشان برای ما صحبت می کردند و نکات آن را جزء به جزء برای ما می گفتند، به گونه ای که هم مفهومی بود و هم درک آن برای ما که کم سن و سال بودیم سخت نبود. طرز بیان بسیار خوبی داشتند. معمولاً برای ما داستان هایی را درباره ائمه اطهار (ع) به زبانی کودکانه و روان می گفتند و از کلمات سخت استفاده نمی کردند. به همین دلیل بسیار قصه گفتنشان را دوست داشتیم.



**اگر از ایشان
نقد می شد،
به راحتی
می پذیرفتند.
آدمی نبود
که با دیگران
سر جنگ و
ناسازگاری
داشته باشد
ولی اگر نقدی
داشتند یا
مسئله ای را
می دیدند که
جایز نیست،
به صراحت
نقد خودشان
را بیان
می کردند**



گلچینی از تصاویر

آیت الله محمد علی تسخیری از زمانی که خود را شناخت، دغدغه اسلام و وحدت اسلامی را داشت، ۷۶ سال زندگی کرد، با مسلمان و مسیحی و پیروان ادیان و آیین های مختلف حشر و نشر داشت، بعد از رفتنش جای خالی اش خیلی احساس شد، احساس از کلام و قلمش نمایان بود. خوب می نوشت، خوب نقد می کرد، خیلی خوب برنامه ریزی می کرد که در کدام مجلس یا نشست و همایش حضور یابد تا بتواند نماینده شایسته ای برای کشورش و جهان اسلام و تشیع باشد.

۲۸ مرداد ۹۹ از دنیای فانی پر کشید. سال ها، دهه ها و شاید سده ها باید بگذرد تا ماندنش در مکتب اسلام و انقلاب پرورش یافته و ستاره درخشان محافل بین المللی شود.





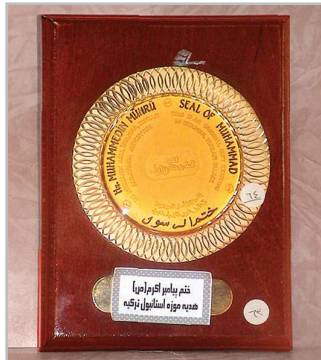
▼ هدیه ملک حسین پادشاه اردن



هدایا و نشان‌ها

تلاش‌های دینی و تقریبی آیت الله تسخیری علاوه بر تحسین از سوی علما و بزرگان محافل مختلف، با اهدای تقدیرنامه و نشان‌هایی از سوی متولیان کنفرانس‌ها و همایش‌های جهان اسلام همراه بود. این نشان‌ها در ویت‌رین مدال‌هایی که نزد خانواده ایشان نگهداری می‌شود، برای همیشه به یادگار مانده است.

▼ هدیه موزه استانبول ترکیه



▼ هدیه وزارت شئون دینی بحرین



▼ هدیه از کشور یمن



▼ مدال سازمان کنفرانس اسلامی



▼ هدیه شورای رهبران دینی جهان



▼ هدیه جمعیت مسلمانان چین



▼ هدیه دانشگاه الخلیل فلسطین



▼ هدیه مجلس ملی سودان



▼ هدیه از کشور مالزی

